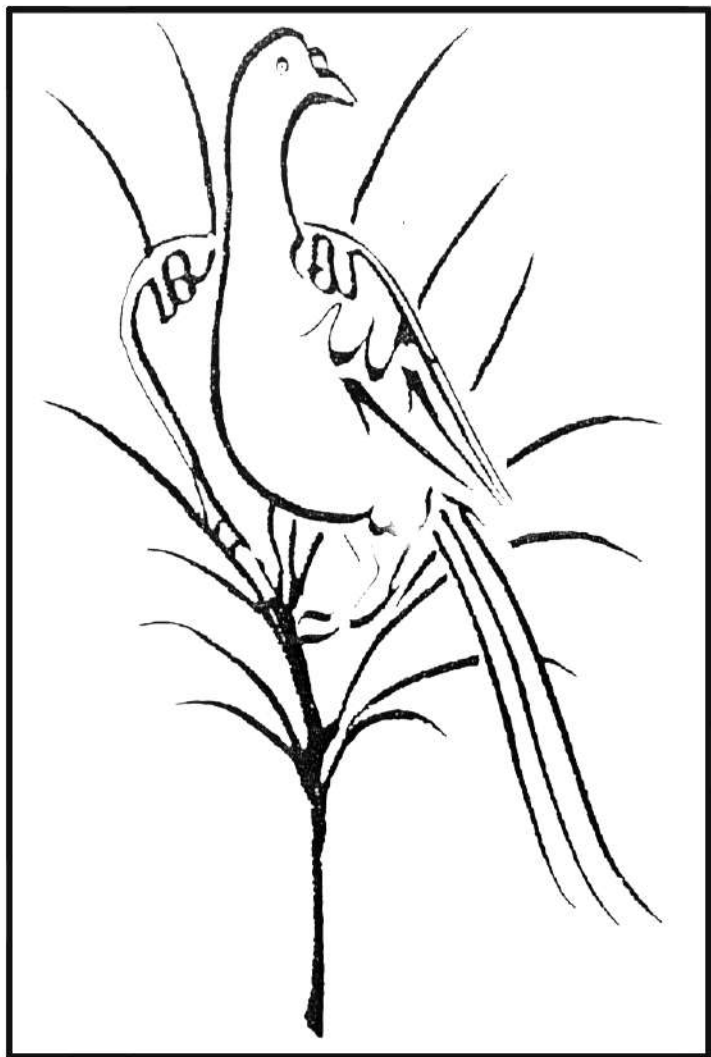




حروف

ادعیه

ضروریہ



بِسْمِ اللَّهِ

فهرست مجموعه مبارکه ادعیه ضروریه و اذکار و مناجات‌ها در شئون مربوطه و در زمان و مکان مناسب حال، گروه بندی شده اند:

صفحه	عنوان
۱	مطلع (طُوبَى لِمَنْ خَلَّ بِ...)
۲	صلوة کبیر
۲۴	صلوة وسطی
۳۰	صلوة صغیر
۳۶	لوح مبارک احمد
۴۲	دعای حفظ (بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْمُتَعَالِ الْأَعْلَى)
۴۶	دعای هر صبح و شام
۵۰	دعای طلب هدایت برای خلق
۵۲	دعا بجهت باز شدن دیده باطنی و بصیرت برای خلق
۵۴	دعای شفاء (بِسْمِ اللَّهِ الْمُتَعَالِ عَلِيِّ الْأَسْمَاءِ)
۵۷	دعای شفاء (یا اِلهی اِسْمُکَ شِفَانِی)
۵۸	دعای طلب فَرَح و سُرُور

- ۵۹ اگر بی رغبتی طلبی ...
- ۶۰ ذکر (خَلِّ مِنْ بُرْجٍ غَيْرِ اللَّهِ ...)
- ۶۱ ذکر (اللَّهُمَّ يَا سُبُوحٌ يَا قُدُّوسٌ ...)
- ۶۱ آیه مبارکه طلب رزق و روزی
- ۶۲ مناجات (قَلْبًا طَاهِرًا ...)
- ۶۴ مناجات (يَا مَنْ وَجَّهْتَ كَفْتَبِي ...)
- ۶۵ مناجات (أَيُّ رَبِّ فَأَجْعَلْ رِزْقِي ...)
- ۶۷ مناجات (إِلَهِي إِيئِنِّي كُنَّسَ أَنْعَامٍ ...)
- ۶۹ دعای قبل از خواب (هُوَ الْمُتَّبِعِينَ عَلَى الْأَسْمَاءِ)
- ۷۱ دعای قبل از خواب (أَنْتَ الذَّائِمُ وَأَنْتَ التَّنَكُّرُ)
- ۷۳ مناجات صحگاه
- ۷۴ مناجات هنگام بیدار شدن از خواب (إِلَهِي وَشَيْدِي أَنَا غَنَدُكَ ...)
- ۷۸ مناجات هنگام بیدار شدن از خواب (أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ)
- ۸۲ دعای خروج از بیت
- ۸۴ دعای خروج از مدینه
- ۸۶ مناجات جهت نشر نفعات (إِلَهِي إِي هَذَا طَيْرٌ كَلِيلُ الْجَنَاحِ ...)
- ۸۹ مناجات جهت نشر نفعات (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْأَلُكَ ...)
- ۹۱ مناجات (هُوَ الْعَالِمُ الْحَكِيمُ)
- ۹۶ دعای شکر در جمیع احوال

١٠١	مناجات (بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ)
١٠٥	مناجات (أَجِبْ بِكُلِّ لِسَانٍ أَدْعُوكَ)
١١١	مناجات (بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ الْأَتَمِّ)
١١٢	مناجات (بِسْمِهِ التَّيْبِيُّ الْأَتَمُّ)
١١٥	مناجات (هُوَ اللَّهُ الْأَعِزُّ الْأَتَمُّ)
١١٦	مناجات (مِنْ أَنْهَارِ كَافُورٍ صَنِدْبِيَّكَ...)
١٢٠	مناجات (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي...)
١٢٣	مناجات (رَبَّنَا وَفَقْنَا...)
١٢٤	مناجات (أَيُّ رَبٍّ تَبَيْتُ أَقْدَانَنَا...)
١٢٨	مناجات (إِنَّ هَوْلًا مِثْلَ أَرْقَانِكَ...)
١٢٩	مناجات (رَبُّ أَيْدِي هَذَا الْجَمْعِ...)
١٣١	مناجات (أَفْضَرَعُ إِلَيْكَ...)
١٣٣	مناجات (هَوْلًا مِثْلَ عِبَادٍ...)
١٣٥	مناجات (إِلَهِي أَسْأَلُكَ إِلَيْكَ...)
١٣٦	مناجات (أَيْدِي الْأَجْيَاءِ عَلَيَّ الْخَبِيءِ...)
١٣٩	دعوى شروع و ختم طعام (رَبِّ وَرَجَانِي لَكَ أَنْخَسِدُ...)
١٤١	دعوى شروع و ختم طعام (رَبِّ وَرَجَانِي لَكَ الشُّكْرُ...)
١٤٣	مناجات (اللَّهُمَّ يَا مَنْ تَجَلَّى...)

- ۱۴۶ زیارت نامه حضرت بهاء الله جل جلاله و حضرت رب اعظم جل ذکره الاعلی
- ۱۵۶ مناجات مبارک لثام
- ۱۶۱ مناجات (یا ربنا الاعلی ...)
- ۱۶۵ مناجات (هو العظیم النضال ...)
- ۱۶۶ مناجات (هو المتیق الکریم)
- ۱۶۷ زیارت نامه متصاعدین الی الله
- ۱۷۰ مناجات توبه (بشارت تها)
- ۱۷۵ دعای ایام مبارک صیام (هو الغزیر الفشان)
- ۱۸۳ دعای ایام مبارک صیام (بسم الله انقدس الانیس)
- ۱۹۶ دعای سحر بهانی (بسم الشرف من افق النیان)
- ۲۱۶ ذکر ۳۱۴ مرتبه که اصل آن در کتاب بیان مبارک فارسی است.

طُوبَىٰ لِمَجَلِّ وِ لَيْتِ وِ لِمَقَامِ وِ لِمَدِينَتِ وِ لِقَلْبِ

خوشا از برای محلی و خانه‌ای و مقامی و شهری و قلبی

وِ لَجَبَلِ وِ لِكَهْفِ وِ لِعَارِ وِ لَأَوْدِيَّتِ وِ لَبِئْرٍ وِ

و کوهی و پناهگاهی و غاری و صحرایی و خشکی‌ای و

لِبَحْرِ وِ لِحَزِيرَةٍ وِ لِدَسَكْرَةٍ اِرْتَفَعَ فِيهَا

دریائی و جزیره‌ای و مزرعه‌ای که بالا رفت در آن

ذِكْرُ اللَّهِ وِ تَنَائُهُ

ذکر خداوند و تئای او

يَا مَنَانُ، يَا مُنْزِلَ الْبَيَانِ، يَا مُجِدِّ الْأَمْكَانِ

يَا مَظْهَرَ السَّمَانِ، يَا بَهَاءَ اللَّهِ

هُوَ الْمُنْزِلُ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ

اوست نازل کننده غفور (بخشاینده) مهربان

لِلْمُصَلِّي أَنْ يَقُومَ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ وَإِذَا قَامَ وَ

بر نماز گزار است که بایستد در حالیکه روی می‌آورد بسوی خدا و زمانیکه ایستاد و

اسْتَقَرَّ فِي مَقَامِهِ يُنْظِرُ إِلَى الْيَمِينِ وَالشِّمَالِ

قرار گرفت در جای خود بنگرد به طرف راست و چپ

كَمْ مِنْ يُنْظِرُ مَرَحْمَةً رَبِّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بماند کسیکه انتظار میکشد رحمت پروردگارش را که رحمن رحیم است

ثُمَّ يَقُولُ: بیس بر اوست که بگوید:

يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ أَسْأَلُكَ بِمَطَالِعِ

ای معبود اسمها (افغان) و خالق آسمان (خالق مقام ارجمند دانات) از تو سؤال میکنم به محل‌های طلوع

غَيْبِكَ الْعَلِيِّ الْأَيْهِيِّ بَانَ تَجْعَلُ صَلَوَتِي نَارًا

پنهانیت که والای شکوه‌مندترین و نورانی‌ترین است باینکه قرار بفرمائی نمازم را آتشی

لِخُرْقِ حُجْبَاتِي الَّتِي مَنَعْتَنِي عَنْ مُشَاهَدَةِ

تا بسوزاند برده‌های مرا که منع کرد از دانستن مرا از دیدن

جَمَالِكَ وَتُورًا يَدُلُّنِي إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ

جمال تو و نوری که مرا دلالت و راهنمایی کند به دریای وصال تو (دردار تو)

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ:

سپس بالا برد دو دستش را از برای قنوت برای خداوند تبارک و تعالی و میگوید:

يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ وَمَحْبُوبَ الْأُمَمِ كَرَّانِي مُقْبِلًا

ای مقصود افق همه عالم و محبوب همه امتها (پیران) می بینی مرا در حال اقبال

إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَمَّا سِوَاكَ مُتَمَسِّكًا بِجَبَلِكَ

بسوی تو در حال انقطاع (قطع و جدا بودن) از آنچه جز تو است در حال تمسک بر پستان تو

الَّذِي بَحَرَ كُنْهَ تَحْرُكَتِ الْمُمْكِنَاتِ أَي رَبِّ

که بحرکت آن اربسان، بحرکت درآمد ممکنات (موجودات) ائی پروردگار من

أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَكُونُ حَاضِرًا قَائِمًا

من بنده توام و زاده و ابن بنده تو میباشم حاضر ایستاده

بَيْنَ أَيَادِي مَشِيئِكَ وَ أَرَادَتِكَ وَ مَا أُرِيدُ إِلَّا

بین دستهای مشیت و اراده تو و خواست تو و نخواستم مگر

مَرْضَاتِكَ أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ مَرْحَمَتِكَ وَ شَمْسِ فَضْلِكَ

رضای تو را از تو شوال بینمایم به دریای رحمت و آفتابِ فطلت

بَانَ تَفْعَلُ بِعَبْدِكَ مَا تُحِبُّ وَتَرْضِي وَعِزَّتِكَ

باینکه عمل بفرمانی به بنده ات آنچه دوست داری و راضی میباشی و به بزرگواریت

الْمُقَدَّسَاتِ عَنِ الذِّكْرِ وَالشَّاءِ كُلُّ مَا يَظْهَرُ مِنْ

که مقدس است از ذکر و تاجر آنچه ظاهر میشود(ظاهر نبود) از

عِنْدِكَ هُوَ مَقْصُودُ قَلْبِي وَمَحْبُوبُ قَوْلِي

نزد تو او مقصود قلب من است و دوست داشته شده فواید و قلب من

إِلَهِي إِلَهِي لَا تَنْظُرْ إِلَيَّ إِلَى آمَالِي وَأَعْمَالِي بَلْ إِلَيَّ

معبود من معبود من نظر مفرما به آرزوهای من و عملهای من بلکه به

إِرَادَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

اراده وخواست خودت که احاطه فرمود آسمانها و زمین را

وَأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ يَا مَالِكُ الْأَمْرَ مَا أَمَرْتُ إِلَّا

و به اسم اعظمت ای مالک آنچه خواستم مگر

مَا أَمَرْتُكَ وَلَا أَحِبُّ إِلَّا مَا تُحِبُّ.

آنچه توخواستی آنرا و دوست ندارم مگر آنچه را که تو دوست داری.

ثُمَّ سُبْحَانَكَ وَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ رُود و بگوید:

سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِوَصْفِ مَا سِوَاكَ أَوْ

باک و مقدسی تو از اینکه وصف کرده شوی بوصف و تعریف آنچه که جز خودت باشد یا

تُعْرِفَ بِعَرَفَانِ دُونِكَ.

شناخته بشوی با عرفان و شناسائی غیر خودت.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ بایستد و بگوید:

أَيُّ رَبِّ فَاجْعَلْ صَلَوَتِي كَوَثْرَ الْحَيَوَانِ لِيَبْقِيَ

ای پروردگار من بس قرار بفرما نمازم را چشمه آب حیات و زندگانی تا باقی بماند

بِرِّ ذَاتِي بِدَوِّ امْرِسَاطِنِكَ وَ يَذْكُرُكَ فِي كُلِّ

بدان وسیله ذات و وجود من بدوام سلطنت خودت و تا ذکر کند تو را در هر

عَالَمٍ مِنْ عَوَالِمِكِ.

عالی از عالمهایت.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً أُخْرَى وَيَقُولُ:

سپس بالا برد دو دستش را از برای قنوت بار دیگر و بگوید:

يَا مَنْ فِي فِرَاقِكَ ذَابَتِ الْقُلُوبُ وَالْأَكْبَادُ وَ

ای کسیکه در دوری تو ذوب شد و گداخت دلتها و بگردد و

بِنَارِ حُبِّكَ أَشْتَعَلُ مَنْ فِي الْبِلَادِ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

بآتش دوستی و حب تو بشعله درآمدند کسانی که در شهرها هستند از تو سوال مینمایم باسمت

الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ الْأَفَاقَ بَانَ لَا تَمْنَعَنِي عَمَّا

که بوسیله آن اسم احققتا بزیر فرمان آوردی دنیا را باینکه باز نداری مرا از آنچه

عِنْدَكَ يَا مَالِكَ الرِّقَابِ أَيُّ رَبِّ تَرِي الْغَرِيبَ

نزد تو است ای صاحب گردنها مالک مردم، ای پروردگار من می بینی این غریب را (دور مانده را)

سَرَّعَ إِلَيَّ وَطَنِهِ الْأَعْلَى ظِلِّ قِبَابِ عَظَمَتِكَ وَ

که سرعت گرفت بسوی وطن اعلائی خود که سایه خیمه های بزرگواری تو و

جِوَارِ مَرَحِمِكَ وَالْعَاصِي قَصْدَ بَحْرِ غُفْرِ انِّكَ وَ

جوار رحمت میباشد و این گنهکار را که قصد دریای غفران و آمرزش تو را نمود و

الذليل بساط عزك و الفقير أفق غناك لك

این ذلیل و خوار را که بساط بزرگواری تو را خواست و این فقیر را که افق بی نیازی تو را خواست

الامر في ما تشاء أشهد أنك أنت المحمود في

فرمایش از آن توست در آنچه بخواهی گواهی میدهم بدرستی که تو محمودی در

فعلك و المطاع في حكمك و المخنار في أمرك.

فعلت و مورد اطاعت در حکمت و صاحب اختیار در امر (کار فرمان خودت).

ثم يرفع يديه و يكبر ثلاث مرات ثم ينحني

سپس بالا برد دو دستش را و تکبیر (الله ابعی) بگوید سه مرتبه سپس خم شود

للركوع لله تبارك و تعالی و يقول:

برای رکوع از برای خداوند تبارک و تعالی و بگوید:

يَا إِلَهِي تَرِي رُوحِي مُهْتَزًّا فِي جَوَارِحِي وَ

ای معبود من می بینی روح مرا در حالیکه باهتزاز آمده در اعضايم (جارجحه یعنی عضوا) و

أَرْكَانِي شَوْقًا لِعِبَادَتِكَ وَشَغْفًا لِذِكْرِكَ وَتَنَائِكَ

ارکان من در حال شوق از برای بندگی تو و در حذرِ اعلای شوق و محبت از برای ذکر تو و تنایت

وَيَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ بِرِّ لِسَانُ أَمْرِكَ فِي مَلَكَوَتِ

و گواهی میدهد بآنچه گواهی داد بآن لسان امر تو در ملکوت (عالم حقیقت)

بِيَانِكَ وَجَبْرُوتِ عِلْمِكَ أَيُّ رَبِّ أَحَبُّ أَنْ

بیان تو و جبروت علم تو ای پروردگار من دوست دارم اینکه

أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ كُلِّ مَا عِنْدَكَ لِأَثْبَاتِ

سوال می کنم از تو در این مقام هر آنچه نزد تو است برای ثابت کردن

فَقْرِي وَاعْلَاءِ عَطَائِكَ وَغَنَائِكَ وَاطْهَارِ عَجْزِي

فقرونداری خودم و بالا بردن عطا و غنا و بی نیازی تو و ظاهر کردن عجز خودم

وَ اِبْرَازِ قُدْرَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ .

و آشکار کردن - بروز دادن قدرت تو و اقتدار تو .

ثُمَّ يَقُومُ وَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقَنُوتِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَ يَقُولُ :

پس بایستد و بالا بردن دستش را برای قنوت دفعه بعد آخری و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

نیست معبودی جز تو عزیز وهاب نیست معبودی مگر تو

الْحَاكِمُ فِي الْمَبْدِئِ وَالْمَأْبِئِ إِلَهِي إِلَهِي عَفْوُكَ

حکم کننده در ابتدا و بازگشت معبود من معبود من عفو تو

شَجَعَنِي وَرَحِمْتَ قُوَّتِي وَنَدَاؤُكَ أَيَقْظِنِي وَ

مرا شجاع کرد و رحمت تو قوت بخشید مرا و ندایت مرا بیدار کرد و

فَضْلُكَ أَقَامَنِي وَهَدَانِي إِلَيْكَ وَإِلَّا مَالِي وَ

فضلت برپاداشت مرا و راهنمایی فرمود بسوی تو و گرنه مرا چه و

شَأْنِي لِلْقَوْمِ لَدِي بَابِ مَدِينِ قُرَيْشٍ أَوْ أَوْجَهًا

شأن مرا چه تا بایستد نزد درب شهر قریب و نزدیکی تو یا روی آورد

إِلَى الْأَنْوَارِ الْمَشْرِقَةِ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ إِمْرَاتِكَ

به طرف نورهای تابان از کرانه آسمان و مقام ارجمند اراده تو

أَيُّ رَبِّ تَرِي الْمِسْكِينَ يَقْرَعُ بَابَ فَضْلِكَ

آی پروردگار من می بینی این بیچاره را که میکوبد درب فضلت را

وَالْفَانِي يُرِيدُ كَوْنَهُ الْبَقَاءَ مِنْ آيَادِي جُودِكَ

و این فانی را که میخواهد چشمه بقاء (آب حیات باقی را) از دستهای جودت

لَكَ الْأَمْرُ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ يَا مَوْلِي الْأَسْمَاءِ

مراست امر و امر فرمودن در همه احوال ای آقای اسمهاحقانی

وَلِيَّ النَّسْلِيمِ وَالرِّضَاءِ يَا فَاطِمَةَ السَّمَاءِ .

و مراست تسلیم و رضا ای خالق آسمان مقام ارجند دهانت.

ثُمَّ لِيَرْفَعْ يَدَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَقُولَ:

سپس بالا برد دو دستت را سه بار و بگوید:

"اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ"

خداوند بزرگتر است از هر بزرگی.

ثُمَّ لِيَسْجُدَ وَيَقُولَ: سُبْحَانَ سَجْدَةٍ رُودَ وَبُكْرِي:

سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تَصْعَدَ إِلَيَّ سَمَاءَ قُرْبِكَ أَكْثَرَ

بالک و مقدسی از اینکه بالا برود به آسمان قرب و نزدیکی تو ذکرهای

المُقَرَّبِينَ أَوْ أَنْ تَصِلَ إِلَيَّ فَنَاءَ بِابِكَ طَيُّورُ

مقربین نزدیکان یا اینکه وصل شود و برسد به آستانه درب تو پرندگان

أَفْتَدِيهِ الْمُخْلِصِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ مُقَدَّسًا

دلهای مخلصین گواهی میدهم بدرستی که تو بودی - بوده ای مقدس

عَنْ الصِّفَاتِ وَمَنْزَعِهَا عَنِ الْأَسْمَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا

از صفات و منزه از اسما نیست معبودی جز

أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَبْهِيُّ

تو که دارای مرتبه والا و بر جلال ترین و نورانی ترین میباشی.

ثُمَّ تَعْبُدُ وَيَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ وَبِغُيُوبِهِ:

أَشْهَدُ بِمَا شَهِدَتِ الْأَشْيَاءُ وَالْمَلَائِكَةُ وَالرُّسُلُ وَالْجَنَّةُ الْعُلْيَا وَ

گواهی میدهم بآنچه گواهی دادند اشیاء - همه چیز و گروه عالم بالا و

الْجَنَّةُ الْعُلْيَا وَ عَنِ وَّرَائِهَا لِسَانُ الْعَظَمَةِ

جنت علیا و از وره و پشت سر آنها لسان عظمت و بزرگواری

مِنَ الْأَقْبِقِ الْأَبْيِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

از آقبق ابی بدرشیکه تو خدائی نیست معبودی جز

أَنْتَ وَالَّذِي ظَهَرَ أَنْتَ هُوَ السِّرُّ الْمَكْنُونُ

تو و کسیکه ظاهر شد بدرشیکه اوست سر مکنون (رمز پنهان)

و الرَّمْزُ الْمَخْزُونُ الَّذِي بِهِ اقْتَرَنَ الْكَافُ

و رمز مخزون (رمز پنهان) که به او قرین شد کاف

بِرُّكُنِهِ النُّونِ أَشْهَدُ أَنََّّهُ هُوَ الْمَسْطُورُ مِنْ

برگشت نوزدهم میشود یعنی امر به اینکه خلق شواغرهای میدهم بدرستی که اوست نوشته شده از

الْقَلَمِ الْأَعْلَى وَالْمَذْكَورِ فِي كِتَابِ اللَّهِ رَبِّ

قلم اعلی و ذکر شده در کتابهای خداوند پروردگار

الْعَرْشِ وَالْثَرَى.

عرش و زمین احاد یعنی از بالا تا پایین.

ثُمَّ يَقُومُ مُسْتَقِيمًا وَيَقُولُ: پس بایستد مستقیم و بگوید:

يَا إِلَهَ الْوُجُودِ وَمَالِكِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ تَرَى

ای اله وجود و مالک بنهای و آشکارا می بینی

عَبَّرَاتِي وَزَقَّرَاتِي وَتَسْمَعُ ضَجِجِي وَصَرَخِي

اشکهای مرا و آههای مرا و میشنوی صدای گریه مرا و فریاد مرا

وَحَنِينُ قَوْمِي وَعِزَّتِكَ اجْنِ احَاتِي أَبْعَدْتَنِي

و ناله و ناله مرا و به بزرگواریت که گناهان من دور کرد مرا

عَنِ النَّقَرُبِ إِلَيْكَ وَ جَرِيدَاتِي مَنَعْتَنِي عَنِ

از نزدیکی و نزدیک شدن به تو و خطایایم مرا باز داشت از

الْوُرُودِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ أَيُّ رَبِّ حُبِّكَ

وارد شدن در فضای قدس تو ای پروردگار من حب و دوستی تو

أَضَانِي وَ هَجَرْتُكَ أَهْلَكَ كُنِي وَ بَعْدَكَ أَحْرَقْتَنِي

مرا قوت بخشید و دوری تو و هجران تو مرا هلاک نمود و دور بودن از تو مرا سوزانید

أَسْأَلُكَ بِمَوْطِي قَدَمَيْكَ فِي هَذَا الْيَدَاءِ وَبِلَيْكَ

از تو سوال می‌نمایم به قدمگاه دو قدمت در این بیابان و به بلی آمدم

لَيْكَ أَصْفِيَاكَ فِي هَذَا الْفِضَاءِ وَبِنَفْحَاتِ

بلی آمدم گفتن برگزیدگانت در این فضا و ساحت و به نفحات اودای خوشا

وَحَيْكَ وَ تَسْمَاتِ فَجْرِ ظُهُورِكَ بَانَ تَقْدِيرِ

و حی تو و نیم های فجر ظهورت باینکه مقدر فرمائی

لِي زِيَارَةِ جَمَالِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا فِي كِتَابِكَ .

برایم زیارت جمالت را و عمل آنچه در کتابت هست.

ثُمَّ يَكْبُرُ ثَلَاثَ مَرَاتٍ وَيُرْكَعُ وَيَقُولُ :

پس سه بار تکبیر (الله ابعی) بگوید و به رکوع برود و بگوید:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إلهي بِمَا آيَدْتَنِي عَلَي دِكْرِكَ

برای تو است حمد و ستایش ای معبود من بدان سبب که تأییدم فرمودی بر ذکر خودت

و تَنَائِكَ وَ عَرَفْتَنِي مَشْرِقَ آيَاتِكَ وَ جَعَلْتَنِي

و تنای خودت و شناسانیدی بمن محل تابش آیاتت را و مرا قرار فرمودی

خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ خَاشِعًا لِلْأَوْهَانِكِ وَ مُعْتَرِفًا

خاضع از برای پروردگارت و خاشع از برای خداوندیت و اعتراف و قبول کننده

بِمَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ عَظَمَتِكَ.

بآنچه نطق فرمود بدان زبان عظمت و بزرگواری تو.

ثُمَّ تَقُومُ وَ يَقُولُ: سبب بایستد و بگوید:

إلهي إلهي عَصِيَانِي أَنْقَضَ ظَهْرِي وَ غَفَلْتَنِي

خدای من خدای من گناه من سنگین بار کرد پشت مرا و غفلت من

أَهْلَكَتِي كُلَّمَا أَتَّفَكَّرْتُ فِي سُوءِ عَمَلِي وَ

مرا هلاک کرد هر هنگام می اندیشم در بدی عملم و

حَسَنِ عَمَلِكِ يَدُوبُ كَبِدِي وَيَغْلِي الدَّمُ

نیکی عمل تو می گدازد جگرم و به غلیان و جوشش در می آید خون

فِي عُرُوقِي وَجَمَالِكِ يَا مَتَّصِدَ الْعَالَمِ اِنَّ الْوَجْهَ

در رگهایم و به جمالت ای مقصود عالم اینکه بدزستی رویم

يَسْجُحِي اَنْ يَنْوَجَّهَ اِلَيْكَ وَ اَيَادِي الرَّجَاءِ

حیا میکند و خجالت میکشد باینکه رو سوی تو نماید و دستهای آرزو

تَخْجُلُ اَنْ تَرْفَعَ اِلَى سَمَاءِ كَرَمِكَ تَرِي يَا اِلَهِي

خجالت میکند اینکه بالا برود به آسمان کرم تو می بینی ای معبود من

عَبَّرَ اتِي تَمُنْعِي عَنِ الذِّكْرِ وَالشَّاءِ يَا رَبَّ الْعَرْشِ

آشکهای مرا که مرا باز میدارد از ذکر و ثنا ای پروردگار عرش

وَالشَّرِي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِ مَلَكُوتِكَ وَاسْرَارِ

و زمین سوال میکنم از تو به آیات ملکوتت و اسرار

جَبْرُوتِكَ بَانَ تَعْمَلُ بِأَوْلِيَائِكَ مَا يَنْبَغِي لِحُجُودِكَ

جبروتت باینکه عمل فرمائی به دوستانت آنچه سزاوار بخشش تو است

يَا مَالِكِ الْوُجُودِ وَيَلِيقُ لِفَضْلِكَ

ای صاحب وجود و هستی و لایق فضل تو است

يَا سُلْطَانَ الْغَيْبِ وَالشُّهُودِ .

ای سلطان غیب و آشکارا (آشکارا).

ثُمَّ يُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَسْجُدُ وَيَقُولُ:

بس سه بار تکبیر (الله اهی) بگوید و سجده رود و بگوید:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِيَّاهُنَا بِمَا أَنْزَلْتَ لَنَا مَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ

حمد ستایش تورا است ای معبود ما بدان سبب که فرود ستادی بر ایمان آنچه را که ما را نزدیک کند بسویت

وَيَرْزُقُنَا كُلَّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَزَبْرِكَ أَيُّ

و مرزوق دارد ما را هر خیری که فرود ستادی در کتابهایت و نوشتجاتت ای

رَبِّ تَسْأَلُكَ بَانَ تَحْفَظُنَا مِنْ جُنُودِ الظُّنُونِ

پروردگار من از تو سوال می‌نمایم باینکه حفظ بفرمانی ما را از لشکرریان خیالات

و الْأَوْهَامِ اِخْلَاتِ بَاطِلٍ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلَامُ

و اوهام (خیالات باطل) بدرستی که تویی بزرگوار بینهایت دانا.

ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ يَقَعُدُ وَيَقُولُ:

سپس بالا برد یا بردارد سرش را بنشیند و بگوید:

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدَ بِي أَصْفِيَاؤُكَ وَأَعْرَفُ

گواهی میدهم ای معبود من آنچه شهادت دادند بآن برگزیدگان تو و قبول میکنم

بِمَا اعْتَرَفَ بِي أَهْلُ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى

آنچه قبول داشتند آنرا ساکنین بهشت برین

وَالَّذِينَ طَافُوا عَرْشَكَ الْعَظِيمَ

و آنانکه طواف کردند بدور عرش عظیم تو

الْمَلِكُ وَالْمَلَائِكَةُ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

ملک و ملکوت از آن تو است ای معبود عالمها.

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ لَمْ أَنْ يَغْسِلْ يَدَيْهِ

و کسیکه خواست اینکه نماز بگذارد بر اوست اینکه بشوید در دستش را و

فِي حَبْنِ الْغُسْلِ يَقُولُ:

در هنگام نیت بگوید:

إِلَهِي قَوِّدِي لَنَا خُذْ كِتَابَكَ بِاسْتِقَامَةٍ لَا تَمْنَعُهَا

خدای من قوت بده و قوی کن دست مرا تا بگیرد کتابت را با پایداری که باز ندارد

جُنُودَ الْعَالَمِ ثُمَّ أَحْفَظْهَا عَنِ النَّصْرِ فِي مَا

لشکریان عالم پس حفظ فرما آنرا از تصرف کردن در آنچه

لَمْ يَدْخُلْ فِي مِلْكِهَا إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ

داخل نشده در ملک آن [دست] بدرستی که توانی مقتدر قدیر.

وَفِي حَبْنِ الْغُسْلِ الْوَجْهِ يَقُولُ:

و در هنگام نستن صورت (روی) بگوید:

أَيُّ رَبِّ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ تَوَمَّرَةً بَأْتُوا مِنِّي

ای پروردگار من روی نمودم وجهم را بسوی تو نورانی فرما او را بنورهای

وَجْهِكَ ثُمَّ احْفَظْهُ عَنِ النَّوْجِ إِلَى غَيْرِكَ .

وجهت بسبب حفظ بفرما او را از توجه بسوی غیر خودت.

و بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَقُومَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ وَيَقُولُ:

و بعد براوست اینکه بایستد در حالیکه روی نموده بسوی قبله و بگوید:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّمَا إِلَهُ الْإِلَهِاتِ الْهَوَلَاءُ الْأَمْرُ وَالْخَلْقُ

گواهی میدهم بدرستیکه اوست نیست خدائی جز او از برای اوست امر فرمودن و خلق کردن

قَدْ أَظْهَرَ مَشْرِقَ الظُّهُورِ وَ مَكَلَّمَ الطُّورِ

ظاهر فرموده است محل تابش ظهور و تکلم کننده کوه طور را

(ذات فریدی که با حضرت موسی علیه السلام تکلم فرمود)

الَّذِي بِهِ أَنَارَ الْأَفْقُ الْأَعْلَى وَ تَطَقَّتْ سِدْرَةٌ

که بوسیله آن روشن شد افقِ اعلی و نطق فرمود سدره

الْمُنْتَهَى وَ أَرْتَفَعَ النَّدَاءُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

منتهی آخرین درخت که مقصود حضرت هابله جل ذکرها الامر میباشد و بالا رفت این ندا بین زمین و آسمان

قَدْ أَتَى الْمَالِكُ الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ وَالْعِزَّةُ

بتحقیق آمده است مالک (جمال قدم جل تنانه) مُلک و ملکوت و بزرگواری

وَالْجَبْرُوتُ لِلْمَوْلَى الْمَوْلَى وَالْعَرْشِ وَالشَّرِي

و جبروت از برای خدائی [که] آقای خلق و صاحب عرش و زمین است

ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَقُولُ: سبیس به رکوع رود و بگوید:

سُبْحَانَكَ عَنْ ذِكْرِي وَذِكْرِ دُونِي وَوَصْفِي

پاك و مقدسی از ذكر من و ذكر غیر من و وصف من

وَ وَصَفٍ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ .

و وصف و تعریف کسی که آسمانها در و زمین ها هستند.

ثُمَّ يَقُومُ لِلْقُنُوتِ وَيَقُولُ: سبیس بایستد برای قنوت و بگوید:

يَا إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ تَشَبَّهَ بِأَنَا مِلِ الرَّجَاءِ

ای معبود من محروم و ناامید مفرما کسی را که چنگ زمان چسبید با انگشتان آرزو

بِأَذْيَالِ رَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

به دامنه‌های رحمت تو و فضل تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ثُمَّ تَعْبُدُ وَيَقُولُ: سپس بشنید و بگوید:

أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفِرْدَانِيَّتِكَ وَبِأَنَّكَ أَنْتَ

گواهی میدهم به یکتائی و فرد و تنها بودن تو و اینکه بدستی تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَدْ أَظْهَرْتَ أَمْرَكَ وَوَقَيْتَ

خدائی نیست معبودی جز تو ظاهر فرموده ای امرت را و وفا فرموده ای و اكمال فرموده ای

بِعَهْدِكَ وَفَتَحْتَ بَابَ فَضْلِكَ عَلَيَّ مِنْ فِي

عهدت را و باز فرموده ای درب فضلت را بر گسائیکه در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ

آسمانها و زمینها میباشند درود و تحیت و سلام

وَالْكَفِيرُ وَالْبَهَاءُ عَلِيٌّ أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ

و تکبیر و نورانیت و جلال بر دوستدارانت آنانیکه

مَامَنْعَهُمْ شُؤْنَاتُ الْخَلْقِ عَنِ الْإِقْبَالِ إِلَيْكَ

منع نمودشان و باز نداشت آنان را شأن و حالات خلق از روی آوردن به تو

وَأَنْفَقُوا مَا عِنْدَهُمْ رَجَاءً مَا عِنْدَكَ

انفاق کردند آنچه را نزدشان بود بآرزوی -بآید آنچه نزد تو است

إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ

بدرستیکه تویی غفور کریم

اگر نفسی مقام آیه کبره شهید الله انتم لا اله الا هو المهيمن القيوم قرائت نماید کافی است

گواهی داد خداوند بدرستیکه نیست معبودی جز او که کل در قبضه قدرت اوست و قیوم است

و همچنین در قعده شهید روح خدا انبیک و قر و انبیک و بانك انت الله لا اله الا انت کافی است

گواهی مدهم به بکتانی تو و فرود و تنها بودن تو و بدرستیکه تو خدائی نیست معبودی مگر تو

و صلوهٔ آخری حین زوال قرائت نماید:

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ، وَعِبَادَتِكَ

گواهی میدهم ای معبود من بدرستی که تو خلق فرمودی مرا برای شناسائیت و بندگی ات

أَشْهَدُ فِي هَذَا الْحَبْنِ بِعَجْزِي وَقُوَّتِكَ وَضَعْفِي

گواهی میدهم در این هنگام به ناتوانی خود و قوت تو و ضعف خود

وَاقْنَدِ امْرَأَكَ وَفَقْرِي وَغَنَائِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

و افتدارتو و فقر خود و بی نیازی تر نیست معبودی جز

أَنْتَ الْمُهَيَّمِنُ الْقَيُّومُ

تو مهیمن قیوم

هُوَ السُّلْطَانُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

اوست سلطان علیم حکیم

هَذِهِ وَرَقَةٌ الْفَرْدَوْسِ تُغْنِي عَلِيَّ أَنْفَانِ

این است کبوتر بهشتی حضرت همامه حل ذکره الاعلی که میخواند بر شاخه های

سِدْرَةِ الْبَقَاءِ بِالْحَانَ قُدْسٍ مَلِيحٍ وَ تَبَشِّرُ

درخت بقا به لحن های (به آوازهای) قدس ملیح و بشارت و مزده میدهد

الْمُخْلِصِينَ إِلَى جِوَارِ اللَّهِ وَالْمُؤَحِّدِينَ إِلَى

مخلصین را به جوار و نزدیکی خداوند و یکتابریستان را به

سَاحَةِ قُرْبِ كَرِيمٍ وَ تُخْبِرُ الْمُنْقَطِعِينَ بِهَذَا

فضای - ساحتِ قربِ کریم و اخبار میفرماید منقطعین را با این

النَّبَاءِ الَّذِي فَضَّلَ مِنْ نَبَاءِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَزِيزِ

نبا و خبر آسمانی که شرح و جدا شده از نباء خداوند پادشاه بزرگوار

الْفَرِيدِ وَ تَهْدِي الْمُحِبِّينَ إِلَى مَقْعَدِ الْقُدْسِ ثُمَّ

فريد و هدايت مي فرمايد دوستان را به مقعد قدس سپس

إِلَى هَذَا الْمَنْظَرِ الْمُنِيرِ قَدْ أَنْ هَذَا الْمَنْظَرِ الْأَكْبَرُ

به اين منظر منير بگو بدستگاه اين هراينه منظر اكبر است

الَّذِي سَطَرَ فِي الرِّيحِ الْمُرْسَلِينَ وَ بِهِ يُفْصَلُ

که نوشته و سطر شده در الواح مُرْسَلِينَ - فرستادگان حق و بوسيله او امضا اكبر ايجاد ميشود

الْحَقُّ عَنِ الْبَاطِلِ وَ يُفَرِّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

حق از باطل و فرق گذاشته ميشود هر امر حكيمي

قُلْ إِنَّمَا لَشَجَرِ الرَّوْحِ الَّذِي أَثْمَرَ بِفَوَاحِهِ اللَّهُ

بگو بدرستی که او شجر روح است که ثمر داد به میوه ها و ثمرات خداوند

الْعَلِيِّ الْمُقْتَدِرِ الْعَظِيمِ أَنْ يَا أَحْمَدُ فَاشْهَدْ بِأَنَّهُ

والامر تبه مقتدر عظیم اینکه ای احمد پس گواهی ده باینکه بدرستی

هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ السُّلْطَانُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ

اوست خداوند نیست معبودی مگر او که سلطان مهیمن بزرگوار

الْقَدِيرُ وَالَّذِي أَرْسَلَنَا بِاسْمِ عَلِيِّ هُوَ حَقٌّ

قدیر میباشد و کسیکه کسی را که فرستادش بِاسْمِ علی او حق است

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنَّا كُلُّ بَأْسٍ لَمِنَ الْعَامِلِينَ

از جانب خداوند و بدرستی که همه ما بامر او البته - هر آینه از عمل کنندگان میباشیم

قُلْ يَا قَوْمِ فَاتَّبِعُوا حُدُودَ اللَّهِ الَّتِي فُرِضَتْ فِي

بگو ای قوم من پس پیروی کنید حدود و احکام خدا را که واجب شده در

الْيَانِ مِنَ الدُّنْيَا عَزِيزٍ حَكِيمٍ قُلْ إِنَّهُ لَسُلْطَانُ

بیان از نزد عزیز حکیم بگو بدرستی که او هر آینه سلطان

الرُّسُلِ وَكِتَابِهِ لَأْمُرُ الْكِتَابِ إِنْ أَنْتُمْ مِنْ

پیامبران (رسولان) و کتاب او البته امر کتاب است اگر شما از

الْعَارِفِينَ كَذَلِكَ يُدَكِّرُ كَرُ الْوَرِقَاءِ فِي هَذَا

عارفین باشید این چنین یادآوری مینماید و تذکر میدهد شما این کیوتر در این

السِّجْنِ وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ فَمَنْ شَاءَ

سجن (زندان ادرنه) و نیست بر او مگر رساندن آشکار پس کسیکه خواست

فَلْيَعْرِضْ عَنِ هَذَا النُّصْحِ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُخَذِ

پس اعراض میکند و رو برمیگرداند از این نصیحت و کسیکه (هرکس) خواست پس میگیرد

إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا قُلْ يَا قَوْمِ إِنَّ كُفْرًا بِهِ هَذِهِ

سوی پروردگارش راهی بگو ای قوم اگر تکفیر و ناسپاسی میکنید به این

الآيَاتِ فَبِأَيِّ حُجَّةٍ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ مِنْ قَبْلُ هَاتُوا

آیات پس به کدام حجتی و دلیلی ایمان آوردید بخداوند از قبل (اندا) بیاورید

بِهَا يَا مَلَأَ الْكَافِرِينَ لَأَفْوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ

بدان دلبتان را ای گروه دروغگویان نه پس قسم به کسیکه نفس و وجود من بدست اوست

لَنْ يَقْدِرُوا وَ لَنْ يَسْتَطِيعُوا وَ لَوْ يَكُونُ

هرگز قادر نیستید و ابداً توانایی آنرا ندارید و اگر چه باشد

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرٌ أَنَّى يَا أَحْمَدُ لَا تَنْسَ فَضْلِي

بعضی شان برای بعضی پشتیبان یکدیگر شوند اینکه ای احمد فراموش مکن فضل مرا

فِي غَيْبَتِي ثُمَّ ذَكَرَ أَيَّامِي فِي أَيَّامِكَ ثُمَّ كَرَّبْتِي وَ

در غیبت و غیاب من سپس یاد آور روزهای مرا در روزهایت سپس حزن و کربت و

غُرْبَتِي فِي هَذَا السِّجْنِ الْبَعِيدِ وَ كُنْ مُسْتَقِيمًا

دوری و غربت مرا در این سجن (زندان) دور و بعید (از وطن) و باش ثابت و مستقیم

فِي حُبِّي بِحَيْثُ لَنْ يُحَوَّلَ قَلْبُكَ وَ لَوْ تُضْرَبُ

در دوستی من تا بجاییکه هرگز تغییر حال ندهد و تغییری نکند قلبت و گرچه زده بشود

بَسِيفِ الْأَعْدَاءِ وَ يَمْنَعُكَ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ

با شمشیرهای دشمنان و منع نماید تو را همه کسانی که در آسمانها

وَالْأَرْضِينَ وَكُنْ كَشُعْلَبَةِ النَّارِ لِأَعْدَائِي

و زمینهاستند و باش چون شعله آتش برای دشمنان من

وَكَوْثَرِ الْبَقَاءِ لِأَحِبَائِي وَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

و چشمه بقا (باقی) برای دوستان من و مباش از شك کنندگان

وَإِنْ يَمَسَّكَ الْحُزْنُ فِي سَبِيلِي أَوْ الذَّلْمَةُ لِأَجَلٍ

و اگر بگردد تو را حزن در راه من یا ذلت و خواری برای خاطر

اسْمِي لَا تَضْطَرْبْ فَتَوَكَّلْ عَلَيَّ اللَّهُمَّ رَبِّكَ وَرَبِّ

اسم من پریشان مشو و مضطرب مگرد پس توکل کن بر خداوند که پروردگارتو و پروردگار

آبَائِكَ الْأَوَّلِينَ لِأَنَّ النَّاسَ يَمْشُونَ فِي سَبِيلِ

پدران اولیه، تو میباشد زیرا بدرستی که مردم راه میروند و مشی میکنند در راههای (راههای)

الْوَهْمِ وَلَيْسَ لَهُمْ مِنْ بَصَرٍ لِيَعْرِفُوا اللَّهَ بِعِيُونِهِمْ

خیال باطل و نیست برایشان از بصرو بینائی تا بشناسند خدا را با چشمانشان

أَوْ يَسْمَعُوا نَعْمَاتِهِ بَأْذَانِهِمْ وَكَذَلِكَ أَشْهَدُ نَاهِمُ

یا بشنوند نغمه ها و آهنگهای او را با گوشهایشان و این چنین گواهی فرمودیم آنانرا

إِنَّ أَنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ كَذَلِكَ حَالَتِ

اگر تو از شاهدین باشی این چنین حلال کرد

الظُّنُونُ بَيْنَهُمْ وَقُلُوبِهِمْ وَكَمَنْعَهُمْ عَنِ سَبْلِ اللَّهِ

خیالات واهی بینشان و در دلهایشان و منع میکند آنانرا از راههای خداوند

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَإِنَّكَ أَنْتَ أَيُّقِنُ فِي ذَاتِكَ

علی عظیم و بدرستی که تو یقین کن در وجودت

بِأَنَّ الَّذِي أَعْرَضَ عَنِ هَذَا الْجَمَالِ فَقَدْ

با اینکه بدرستی کسیکه روگرداند از این جمال پس تحقیقاً و حقیقتاً

أَعْرَضَ عَنِ الرُّسُلِ مِنْ قَبْلُ ثُمَّ اسْتَكْبَرَ

روگردانده است از پیام آوران و فرستادگان قبل آنگاه خود بزرگ شماری کرده

عَلِيَّ اللَّهِ فِي أَزْلِ الْأَزَالِ إِلَى أَبَدِ الْأَبْدِينَ

بر خداوند در همیشه تا ابد ابد

فَاحْفَظْ يَا أَحْمَدُ هَذَا اللَّوْحَ ثُمَّ اقْرَأْ فِي آيَاتِكَ

پس از حفظ کن ای احمد این لوح را سپس بخوان آنرا در روزهایت

وَلَا تَكُنْ مِنَ الصَّابِرِينَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدِ قَدَّرَ

و میباش از صبرکنندگان پس بدرستی که خداوند مقدر فرموده است

لِقَامِرَةٍ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ ثُمَّ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ

برای خواننده اش مزد صد شهید آنگاه عبادت دو عالم

كَذَلِكَ مَنَّا عَلَيْكَ بِفَضْلِ مِنِّ عِنْدِنَا وَرَحْمَتِنَا

این چنین منت و لطف فرمودیم بر تو با فضلی از نزد خودمان و رحمتی

مِن لَدُنَّا لَنَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَوَاللَّهِ مِن

از نزدمان تا باشی از شکرکنندگان قسم به خدا کیسکه

كَانَ فِي شِدَّةٍ أَوْ حُزْنٍ وَيَقْرَأُ هَذَا اللُّوحَ

بود- (باشد) در شدت و سختی یا حزنی و بخواند این لوح را

بِصِدْقٍ مُّبِينٍ يَرْفَعُ اللَّهُ حُزْنَكَ وَيَكْشِفُ ضُرَّكَ

بصدق مبین (را) راستی آن استکار و بیدار رفع و برطرف مینماید خداوند حزنی او را و بر میدارد ضرر او را

وَيُفْرَجُ كَرِيمًا وَإِنَّ لَهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ وَالْحَمْدُ

و بر میدارد و میرد غصه اش را و بدرستی که اوست هر آینه رحمن و رحیم و ستایش

لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ ذَكَرَ مِنْ لَدُنَّا كُلَّ مَنْ سَكَنَ

از برای خداوند بروردگار عالمهاست سپس یادآور شو از نزد ما همه کسانی که ساکن اند

فِي مَدِينَةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَمِيلِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ

در مدینه الله (طهران) تِلْكَ جمیل از آنانیکه ایشان

آمَنُوا بِاللَّهِ وَبِالَّذِي يَبْعَثُ اللَّهُ فِي يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ

ایمان آوردند بخداوند و به کسی که خداوند معوثنش فرموده در روز قیامت و

كَانُوا عَلَي مَنَاجِحِ الْحَقِّ لِمَنِ السَّالِكِينَ ۱۵۲

بودند بر روشها و طُرُقِ حق و حقیقت هر آینه از کسانی که سالک راه خدا میباشند.

بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْمُتَعَالِي الْأَعْلَى

به نام خداوند علی متعالی اعلی

فَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايِي وَ

باک و مقدسی تو خدای من ای خدای معبود من و آقای من و مولای من و

مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ كَهْفِي وَ ضِيَائِي أَسْأَلُكَ

مورد اعتماد من و امید و آرزوی من و پناه من و روشنی من از تو شوال میکنم

بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوفِ الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ

به اسم تو که پنهان پوشیده و خزینه شده است که میدانند آنرا

سِوَاكَ بَانَ تَحْفَظَ حَامِلَ هَذِهِ الْوَرَقَةِ مِنْ كُلِّ

جز خودت باینکه حفظ فرمائی حامل این ورقه را از هر

بَلَاءٍ وَبِأَوْ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَشَيْطَانَةٍ وَمِنْ

بلا و بیا و از هر شیطان و شیطانہ و از

شَرِّ الْأَشْرَارِ وَكَيْدِ الْكُفَّارِ وَاحْفَظْهُ يَا

شروفتنه، فتنه‌گران و حيله کفار - ناپاسگوین و حفظش بفرما ای

إِلَهِي مِنْ كُلِّ أَوْجَعٍ وَآمْرِيَا مِنْ يَدِكَ

معبود من از هر دردها و رنجبانی ای کسیکه بدست تو است

مَلَكَوتِ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّكَ أَنْتَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ

ملکوت و عالم حقیقت هر شیء بدستیکه تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ يَا مَالِكُ

قدیر هستی عمل میفرمائی آنچه بخواهی و حکم میفرمائی آنچه اراده بفرمائی ای مالک

المُلُوكِ يَا سُلْطَانَ العَطُوفِ يَا قَدِيمَ الإِحْسَانِ

مُلُوكِ (بادشاهان) اَى سُلْطَانَ عَطُوفِ وَمَهْرِيانِ اَى قَدِيمِ الإِحْسَانِ

يَا دَا اَلْمَنِّ وَ اَلْكَرَمِ وَ اَلْاِمْتِنَانِ يَا شَافِي

اَى دَاراى لَطْفِ وَ كَرَمِ وَ لَطْفِ فَرْمَانِي اَى شِفَاةِ هِنْدَه

اَلْاَمْرَاضِ يَا كَافِي اَلْمُهْمَاتِ يَا نُورَ النُّورِ يَا

مَرَضِهَا اَى كَافِي مَهْمَاتِ وَحَاجَاتِ اَى نُورِ نُورِ اَى

نُورِ اَفْوَاقِ كُلِّ نُورٍ يَا مَظْهَرَ كُلِّ ظُهُورٍ يَا

نُورِ فَوْقِ كُلِّ نُورٍ اَى ظَاهِرِ كُنْتَنَدَه هَرِ ظُهُورِي اَى

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ فَا رَحْمَةً حَامِلِ هَذِهِ اَلْوَرَقَةِ

رَحْمَنِ اَى رَحِيمِ بِسِ رَحْمَتِ فَرْمَا حَامِلِ اَيْنِ وَرَقَةَ رَا

بِرَحْمَتِكَ الْكَبِيرِ وَبِجُودِكَ الْعَظِيمِ يَا جَوَادُ

پرستش کبرایت و به جود عظمتت ای بینهایت دارای جود

يَا وَهَّابُ وَاحْفَظْهُ بِحِفْظِكَ مِنْ جَمِيعِ مَا يَكْرَهُ

ای بخشنده و حفظ بفرما او را بحفظ خودت از جمیع آنچه کراهت وی میلی دارد

بِرَفْعِ أَدَاةِ أَنْكَ أَقْدَرُ الْأَقْدَرِينَ وَ إِنَّمَا الْبَهَاءُ

بآن فوئادش بدرستی که تو قادرترین قادرترین ها میباشی و جزاین نیست و مستلماً نورانیست

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ

از نزد خدا بر توباد ای خورشید طالع

فَاشْهَدِي عَلَيَّ مَا قَدْ شَهِدَ اللَّهُ عَلَيَّ نَفْسِي إِنَّهُ

پس گواهی ده بر آنچه گواهی داده است خداوند بر نفس خودش بدرستی که

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ.

نیست معبودی جز او که بزرگوار محبوب میباشد.

۱۵۲

هُوَ الْإِلَهِيُّ

اوست نورانی ترین

إِقْرَأْ هَذَا الدُّعَاءَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ

بخوان این دعا را در هر صبح و شام

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

یاک و مقدسی تو ای معبود من

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتْ شَمْسٌ

از تو سوال میکنم باسم اعظم تو که بان تابان شد خورشید

أُمْرِكَ عَنِ أَفْقِ وَحْيِكَ بَانَ لَا تَجْعَلْنَا مَحْرُومًا

امرتو از افق وحی تو باینکه قرار نفرمانی مارا محروم

مِنْ نَفْحَاتِ الَّتِي تَمُرُّ عَنْ شَطْرِ عِنَايِكَ ثُمَّ

از بویهای خوش که مرور میکند از جانب عنایت تو سپس

اجْعَلْنَا يَا إِلَهِي خَالِصًا لَوْجِهِكَ وَ مُنْقَطِعًا عَمَّا

قرار بفرما مارا ای معبود من خالص از برای وجه خودت و منقطع از آنچه

سِوَاكَ ثُمَّ احْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ عِبَادِكَ الَّذِينَ

غیر خودت است سپس محشور بفرما مارا در گروه بندگانت آنانیکه

مَمْنَعْتَهُمْ اِشَارَاتُ الْبَشَرِيَّةِ عَنِ النَّوْجِ اِلَيَّ

باز نداشت آنها را اشاره های بشری از روی آوردن به

الْمَنْظَرِ الْاِحْدِيَّةِ اَيُّ رَبِّ فَاَدْخَلْنَا فِي ظِلِّ

منظر یکتائی ای پروردگار من پس داخل بفرما ما را در سایه

رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى ثُمَّ احْفَظْنَا مِنْ عِبَادِكَ الَّذِيْنَ

رحمت کبرایت بس حفظ بفرما ما را از بندگانی که آنان

كَفَرُوا بِاسْمِكَ الْاَلَهِيِّ وَاَشْرَبْنَا زُلَّالَ خَمْرٍ

ناپاس شدند به اسم الهای تو و بنوشان بما شراب صاف

عِنَايَتِكَ وَمَرَحِقِ فَضْلِكَ وَاَلْطَافِكَ اِنَّكَ اَنْتَ

عنايت را و شراب فضلت و لطفهايت را بدرستی که تویی

المُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ

متقدر بر آنچه بخواهی و بدرستی که تویی غفور

الرَّحِيمُ أَيُّ رَبِّ فَاسْتَقِمْنَا عَلَيَّ حُبِّكَ بَيْنَ

رحیم ای پروردگار من پس استقامت ده و پایدار فرما مارا بر حبّ خودت بین

خَلْقِكَ لِأَنَّ هَذَا أَعْظَمُ عَطِيئَتِكَ لِبَرِيئِكَ وَإِنَّكَ

خلق خودت زیرا بدرستی که این بزرگترین بخشش تو است از برای خلقت و بدرستی که

أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

تویی رحم کننده ترین رحم کنندگان

لِكُلِّ وَاحِدٍ أَنْ يَقُولَ مُقْبِلًا إِلَى كَعْبَةِ اللَّهِ

از برای هر فرد است اینکه بگوید درحالیکه روی به کعبه الهی نهاده (روته مبارکه)

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

یاک و مقدسی تو ای معبود من

لَكَ الْحَمْدُ بِمَا تَجِئْتَنِي مِنْ بَئْسِ الضَّلَالَةِ وَالْهَوِيِّ

ستایش از برای تو است بدان سبب که نجات دادی مرا از چاه گمراهی و هوای نفس

وَهَدَيْتَنِي إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَبَبْنِكَ الْعَظِيمِ

و هدایت فرمودی به راه مستقیم خودت و بپناه عظمت

وَأَيَّدْتَنِي عَلَيَّ الْإِقْبَالَ إِذْ أَعْرَضَ عَنْكَ أَكْثَرُ

و مرا تائید فرمودی بر اقبال و روی آوری چون زمانی که روگرداندند از تو بیشترین

خَلَقَكَ وَتَوَرَّتْ قَلْبِي بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ وَوَجَّهِي

خَلَقْتَ و نورانی فرمودی قلب مرا بنور شناسانیت و رویم را

بِضِيَاءِ طَلَعَتْ خُودَتِ أَيُّ بَرُورِدْگَارِ مِنِ اَزْ تُو سِنُوَالِ مِیْنَمَائِمِ بَدْرِبَایِ بَغششِ تُو وَ

بروشنی طلعت خودت ای پروردگار من از تو سوال مینمایم بدریای بخشش تو و

سَمَاءِ فَضْلِكَ بَانَ تَكشِفِ عَنِ وَجْهِ عِبَادِكَ وَ

آسمانِ فضلت باینکه برداری از روی بندگانت و

خَلَقْتَ بَرْدَهُ هَا وَ مَوَاعِیَ رَا کَمَ بَاز دَاشْتَ اَنهَارَا اَزْ رُویِ اُورْدَنِ بَه

خَلَقْتَ بَرْدَهُ هَا وَ مَوَاعِیَ رَا کَمَ بَاز دَاشْتَ اَنهَارَا اَزْ رُویِ اُورْدَنِ بَه

اَفْقِکَ اَلْاَعْلِیَّ اَيُّ رَبِّ لَا تُخِيبُ عِبَادَكَ عَن

افقِ اعلايت ای پروردگار من مأیوس و ناامید مفرما بندگانت را از

بِحَرِّ آيَاتِكَ وَ عِزَّتِكَ لَوْ كَشَفْتَ لَهُمْ كَمَا كَشَفْتَ

دریای آیات و به بزرگواریت که اگر بر میداشتی بر ایشان همانطور که برداشتی

لِي لَنْبَدُوا مَا عِنْدَهُمْ رَجَاءَ مَا عِنْدَكَ

برای من می انداختند آنچه نزدشان است بازروی آنچه که نزد تو است

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْعَلَامُ

بدرستی که تو مقتدر عزیز علم می باشی

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

یاک و مقدسی تو ای خدای من ای محبوب من

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ يُنْطَقُ كُلُّ شَيْءٍ بَشَاءٍ

از تو سوال مینمایم باسم تو که بدان وسیله نطق میکند هر چیزی بشاء

نَفْسِكَ أَنْ تَفْتَحَ أَبْصَارَ بَرِّينِكَ لِيَرَوْا آثَارَ عَزِي

نفس تو اینکه باز بفرمائی دیدگان آفریده ات را تا ببینند آثار بزرگواری

أَحَدِيْنِكَ وَتَجَلِيَّاتِ شَمْسِ عِنَايَتِكَ أَيُّ رَبِّ لَا

یکتائی تو را و تجلیات (بیداری های) خورشید عنایتت را ای پروردگار من

تَدْعُهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ لِأَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلَقْتَ فَاجْذِبِهِمْ

و امگذار آنها را بنفس خودشان (بغیر از نام بدرستی که آنان بندگانت تو و خلقی تو اند پس جذب فرما آنها را

بِالْكَلِمَةِ الْعُلْيَا إِلَى مَطْلَعِ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى

به کلمه علیات به محل طلوع اسمها و حقاقت که اسمهای نیکوی تو اند

و مَخْزَنِ صِفَاتِكَ الْعُلْيَا إِنَّكَ أَنْتَ

و به مخزن صفات علیات جذب فرما آنها را بدرستی که تویی

المُتَّقِدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

توانا بر آنچه بخوای نیست معبودی مگر تو که

العَزِيزُ الْحَكِيمُ

بزرگوار دانای مبینی

بِسْمِ الْمُهَيْمِنِ عَلَيَّ الْأَسْمَاءُ

به نام او که احاطه دارد و محیط است بر اسمها (حقان)

إِلَهِي إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ شَفَائِكَ وَإِشْرَاقَاتِ

معبود من معبود من از تو سؤال میکنم بدریای بهبودی و تقویت تو و به تابشهای

أَنْوَارِ تَيْبِ فَضْلِكَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ

نورهای نور بخش روشن عنرا فضل و با اسمی که به زیر حکم آوردی بوسیله آن

عِبَادِكَ وَبِنُفُودِ كَلِمَتِكَ الْعُلْيَا وَاقْتِدَارِ قَلَمِكَ

بندگانت را و به تأثیر کلمه علیات و اقتدار قلم

الْأَعْلَى وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ مِنْ فِي الْأَرْضِ

اعلیات و برحمت که پیشی گرفته کسانی را که در زمین

وَالسَّمَاءِ أَنْ تُظَهِّرَنِي بِمَاءِ الْعَطَاءِ مِنْ كُلِّ

و آسمانند اینکه باک و طاهر فرمائی مرا بآب عطا از هر

بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَضَعْفٍ وَعَجْزٍ أَيُّ رَبِّ تَرِي

بلائی و مرضی و ناتوانی و عجزی ای پروردگار من می بینی

السَّائِلِ قَائِمًا لَدَيْ بَابِ جُودِكَ وَالْأَمَلِ

این سؤال کننده فقیر را که در حالیکه ایستاده نزد در ب بخشش تو و این آرزومند را که

مُنْمَسِكًا بِجِدِّ كَرَمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ

در حال تمسک و جسبیدن است بر سمان کرم تو از تو سؤال میکنم اینکه محروم و ناامیدش نفرمائی

عَمَّا أَرَادَ مِنْ بَحْرِ فَضْلِكَ وَ شَمْسِ عِنَايَتِكَ

از آنچه خواست از دریای فضل تو و شمس عنایت تو

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ

بدرستی که تویی توانا بر آنچه میخواهی - بخوای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ

نیست معبودی جز تو غفور کریم

يَا إِلَهِي إِسْمُكَ شِفَائِي وَذِكْرُكَ دَوَائِي وَقُرْبُكَ

أَيُّ مَعْبُودٍ مِنْ أَسْمِ تُو شِفَايَ مِنْ أَسْتِ وَذِكْرٍ وَيَادِ تُو دَوَائِي مِنْ أَسْتِ وَتُرْدِيكِي وَقُرْبٍ تُو

مَرَجَائِي وَحُبُّكَ مُؤْنِسِي وَرَحْمَتُكَ طَيِّبِي

آرزوی من و محبت تو مونس من و رحمت طیب من

وَ مَعِينِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و کمک من در دنیا و آخرت

وَ أَنْتَ الْوَعْدِيُّ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

و بدرستی که تو نومی عطا کننده علیم حکیم

يَا مَنْ بِاسْمِكَ مَلَجَ بَحْرُ الْفَرَحِ وَهَلَجَ عَرْفُ

ای کسیکه با اسم تو و بوسیله اسم تو موج زد در بای سرور و به هیجان آمد بوی

السُّرُورِ أَسْأَلُكَ بِأَنْ تُثَرِّبَنِي مِنْ بَدَائِعِ فَضْلِكَ

خوشی از تو سؤال مینمایم باینکه به من بنمایانی از نازگیهای فضلت

مَا تَقَرُّ بِهِنَّ عَيْنِي وَ يَفْرَحُ بِهِنَّ قَلْبِي

آنچه که روشن و خنک شود بدان چشم و بفرح آید بدان قلبم

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُعْطِي الْكَرِيمُ

بدرستیکه تویی عطا کننده، کریم

اگر بی رنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری شده قرائت نما:

إِلَهِي إِلَهِي أَشْهَدُ بِفِرْدَانِيكَ وَوَحْدَانِيكَ

معبود من معبود من گواهی می دهم به یکتائی تو و وحدانیت تو

أَسْأَلُكَ يَا مَالِكَ الْأَسْمَاءِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ بِنُفُوزِ

از تو سوال میکنم ای صاحب اسمها و حقائق و شکافته آسمان (خالق مقام ارجند) به تأثیر

كَلِمَتِكَ الْعُلْيَا وَاقْتِدَارِ قَلَمِكَ الْأَعْلَى أَنْ

کلمه غلبایت و اقتدار قلم اعلایت اینکه

تَنْصُرَنِي بِرِايَاتِ قُدْرَتِكَ وَقُوَّتِكَ وَتَحْفَظَنِي

باوری بفرمانی مرا به ریایات ها و علمهای قدرتت و قوتت و حفظ بفرمانی مرا

مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ

از شر دشمنان آنانکه نقض کرده اند (نکنسته اند) عهدت و

مِيثَاقُكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ.

پیمانت را بدرستی که توئی مقتدر قدیر

هَلْ مِنْ مَفْرَجٍ غَيْرِ اللَّهِ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ

آیا کارگشائی غیر از خدا وجود دارد؟ بگو سبحان الله

هُوَ اللَّهُ كُلُّ عِبَادٍ لَهُ وَكُلُّ بَأْسٍ قَائِمُونَ.

اوست خدا همه بندگانش او هستند و همه به امر او برپا هستند قائم (برقرارند)

اللَّهُمَّ يَا سُبُّوحٌ يَا قُدُّوسٌ يَا حَنَّانٌ يَا مَنَّانٌ

خدای من ای بینهایت پاک و مقدس ای قدوس ای بینهایت مهربان ای بینهایت دارای لطف

فَرِّجْ لَنَا بِالْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ إِنَّكَ رَحْمَنٌ مُتَّانٌ

گشایشی بفرما براینان بفضل و احسان بدرستی که تو رحمن متانی

إِقْرَأْ مَا أَنْزَلْنَا بِالرَّحْمَنِ فِي الْفُرْقَانِ:

بخوان آنچه فرودستاد آنرا بر رحمن در قرآن:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ

و کسی که تقوای الهی حاصل نماید قرار میدهد برایش ممر معاشی و رزق میدهد او را تا بجائی که

لَا يَحْسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَيَّ اللَّهُ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ

بگمانش نرسیده باشد و کسی که توکل کند بر خدا پس آن او را کافی و بس است بدرستی که

اللَّهُ بِالْغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا .

خداوند رساننده امرش میباشد. قرار فرموده خداوند از برای هر چیزی قدر و مقداری این آیه مبارکه را هر یوم قرائت نمائید اوست مبداء فضل و عطا و مشرق رحمت و بها إنشاء الله باب بسته میگشاید و اُمور مَتَوْفَنه بحرکت می آید.

قَلْبًا طَاهِرًا فَاخْلُقْ فِي يَا إِلَهِي سِرًّا سَاكِنًا جَدِيدًا

قلب باکی بس در من خلق بفرما ای معبود من سِرُّ ساکنی (وجدان و نفس آرامی) تجدید بفرما

فِي يَا مُنَائِي وَبِرُوحِ الْقُوَّةِ ثَبِّتْنِي عَلَيَّ أَمْرِك يَا

درمن ای آرزوی من و بروح قوت ثابت کن مرا بر امرت ای

مَحْبُوبِي وَبِنُورِ الْعِظَمَةِ فَاشْهَدْنِي عَلَيَّ

دوست داشته شده من و بنور عظمت و بزرگی بس مرا منظور بفرما و گواه من باش بر

صِرَاطِكَ يَا مَرْجَائِي وَبِسُلْطَانِ الرَّفْعَةِ إِلَيَّ

صراط و راه خودت ای آرزوی من و بسططان رفعت و بلندی به

سَمَاءِ قُدْسِكَ عَرَجْنِي يَا أُولِيَّيَ وَبِأَمْرِيَّاحِ الصَّمَدِيَّةِ

مقام ارجمند قدست مرا عروج ده بالا بر ای اولی من که نام تو ابتدا یافتیم و به اریاح ابدع ای نیازت

فَأَبْهَجْنِي يَا آخِرِيَّ وَبِنِعْمَاتِ الْأَزَلِيَّةِ فَاسْتَرْحِنِي

بس مرا بهجت و سرور بخش ای آخر من رجوی من سوی نوست و نیعمه های ازلیه بس مرا راحتی ده

يَا مُؤْنِسِيَّ وَبِغِنَاءِ طَلْعِكَ الْقَدِيمَةِ دَجْنِي عَنْ

ای مؤنس من و به بی نیازی طلعت قدیمه ات نجایم ده از

دُونِكَ يَا سَيِّدِيَّ وَبِظُهُورِ كَيْنُونِكَ الدَّائِمَةِ

غیر خودت ای آقای من و بظهور کینونیک الدائمات

بَشْرِنِي يَا ظَاهِرٍ فَوْقَ ظَاهِرِي وَ الْبَاطِنِ دُونَ بَاطِنِي

مرا مزده ده، اَی وجودی که ظاهراً فوقِ ظاهری و باطنی دُونَ (غیر) باطنی من را دارا میباشد

يَا مَنْ وَجْهَكَ كَعْبَتِي وَ جَمَالَكَ حَرَمِي وَ شَطْرَكَ

اَی کسکه وجه تو کعبه من و جمال تو حرم من و جانب تو

مَطْلَبِي وَ ذِكْرَكَ رَجَائِي وَ حُبَّكَ مُؤْنِسِي وَ

مایه طلب من و ذکر تو آرزوی من و حب تو مونس من و

عَشِقْتُكَ مُوجِدِي وَ ذِكْرَكَ أُنَيْسِي وَ قُرْبَكَ أَمْلِي

عشق به تو-عشق تو ایجادکننده من و ذکر و یاد تو انیس من و قرب تو آرزوی من

وَ وَصَلَكَ غَايَةً رَجَائِي وَ مُنْتَهَى مَطْلَبِي أَسْأَلُكَ

و رسیدن به تو نهایت آرزوی من و مُنتهی طلب من است از تو سئوال می کنم

بَانَ لَا تُخَيِّبُنِي عَمَّا قَدَرْتَهُ لَخَيْرِنَا عِبَادِكَ ثُمَّ

باینکه مرا ناامید مسازی از آنچه که تعیین و معین فرمودی از برای بندگان نیکوکاران آنگاه

ارزقنی خیر الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اِنَّكَ اَنْتَ

مرزوق بفرما مرا خیر دنیا و آخرت را و بدرستی که تویی

سُلْطَانَ الْبَرِيَّةِ لَا إِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ

سلطان برینست معبودی جز تو غفور کریم

أَيُّ رَبِّ فَاجْعَلْ رِزْقِي جَمَالَكَ وَ شَرَّ أَبِي

ای پروردگار من پس قرار بفرما رزق مرا جمالت و نوشیدنی مرا

وَ صَالِكَ وَ أُمْلِي رِضَائِكَ وَ عَمَلِي ثَنَائِكَ وَ

دیدارت و آرزویم را رضای خودت و عمل مرا ثنای خودت و

أَيْسِي ذِكْرَكَ وَ مَعِينِي سُلْطَانَكَ وَ مُسْتَقْرِي

ایسم را ذکر خودت و معین و کمکم را سلطان خودت و محل قرارم را

مَقْرَكَ وَ وَطَنِي مَقَامِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مُقَدَّسًا

مقر خودت و وطنم را مقامی را که قرار فرمودی آنرا مقدس

مِنْ حُدُودَاتِ الْمُحَدِّثِينَ

از حدودهای آنانیکه در پس پرده های موانع اند

وَ أَنْتَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ

و بدرستیکه تویی مقتدر بنهایت بزرگواری قدير .

هُوَ اللهُ

اوست خدا

إِلَهِي إِلَهِي أَنلني كَأْسَ الْعَطَاءِ وَتَوَمِّرْ وَجْهِي

معبود من معبود من مرا نیل انال فرما به جام عطا ده (جاء عطا بن برسان) و نورانی فرما رویم را

بِنُورِ الْهُدَى وَتَثْبِثْ عَلَيَّ الْوَقَاءَ وَاسْتَقْمِنِي

بنور هدایت و حقیقت و ثابت و بابرجا فرما مرا بر آخر رساندن قول و بایداری ده مرا

عَلَيَّ عَهْدِكَ الْاَوْفَى وَاجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ

بر محکم ترین عهد خودت و فرار فرما مرا از بندگانت

الْاَصْفِيَاءِ وَافْتَحْ عَلَيَّ وَجْهِي اَبْوَابَ الرَّخَاءِ وَ

که برگزیدگان اند و بگشای برویم بر وجه من درهای راحت و آسایش و

اجعلني مخرجاً و امرزقني من حيث لا أحسبُ

قرار بفرما برایم نمره معاشی و مرزوق بفرما مرا تا بجانیکه گمانم نرسد

من كنوز السماء و اجعلني متوجهاً الي وجهك

از گنجهای آسمانی و قرار بفرما مرا روی آورنده به رویت

الكريم مخلصاً وجهي لك يا رحمن و يا رحيم

که وجه گرامیت میباشد در حالی که رویم دارای اخلاص میباشد از برای تو ای رحمن و ای رحیم

انك بالثابنين و الراسخين في ميثاقك لرؤف

بدرستی که تو به ثابتین و راستخیزان در میثاق تو هر آینه مهربان

كريم الحمد للرب العالمين ع

کریم میباشی ستایش از برای خداوندی است که پروردگار عالمها میباشد

هُوَ الْمُهَيَّمِنُ عَلَيَّ الْأَسْمَاءِ

اوست معیط بر اسمها-حقائق

إِلَهِي إِلَهِي كَيْفَ أَخْنَأُ النُّومَ وَعَيُّونُ مُشْتَاكِكَ

معبود من معبود من چگونه اختیار کنم خواب را در صورتیکه چشمان مشتاقان تو

سَاهِرَةٌ فِي فِرَاقِكَ وَكَيْفَ أَسْتُرِيحُ عَلَيَّ

خواب زده شده-بیدار مانده از دوری تو و چگونه طلب راحت نمایم بر

الْفِرَاشِ وَ أَفئِدَةُ عَاشِقِكَ مُضْطَرِبَةٌ مِنْ

بستر و دلهای فوادهای عاشقان تو بریشان است از

هَجْرِكَ أَي رَبِّ أَوْ ذَعْتُ رُوحِي وَذَاتِي

دوری تو ای پروردگار من به ودیعه نهادم-سپردم روحم و ذاتم را

فِي يَمِينِ اقْتِدَارِكَ وَأَمَانِكَ وَأَضَعُ رَأْسِي

در طرف راست و دست اقتدار تو و امان تو و می‌نهم سرم را

عَلَيَّ الْفِرَاشِ بِحَوْلِكَ وَأَرْفَعُ عَنْهُ بِمَشِينِكَ وَ

بر بستر و تخت خواب بحول و قوه تو و بر میدارم سرم را از آن [بستر] به اراده تو و

إِرَادَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْحَافِظُ الْحَارِسُ الْمُقْتَدِرُ

خواست تو بدرستی که نونی حفظ و حراست کننده مقتدر

الْقَدِيرُ وَعِزَّتِكَ لَا أُرِيدُ مِنَ النَّوْمِ وَلَا مِنَ

قدیر به بزرگواریت [قسم] که نخواستم از خواب و نه از

الْيَقَظَةِ إِلَّا مَا أَنْتَ تُرِيدُ أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضِكَ

بیداری مگر آنچه که تو بخواهی من بنده تو ام و در اختیار تو ام (قبضه - کف دست)

أَيَّدِنِي عَلَيَّ مَا يَتَضَوَّعُ بِهِ عَرَفُ رِضَائِكَ هَذَا

مراکمک بفرما بر آنچه که منتشر گردد بآن بوی رضای تو این

أَمْلِي وَ أَمَلُ الْمُقْرَبِينَ الْحَمْدُ لَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

آرزوی من و آرزوی مقرَّبین (نزدیکان تو) میباشد. ستایش از برای تو است ای معبود عالمها.

أَنْتَ الذَّاكِرُ وَأَنْتَ الْمَذْكُورُ

تونی ذکر کننده و تونی ذکر شونده

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَقْصُودِي أُرَادُ عَبْدَكَ أَنْ

ای معبود من و آقای من و مقصد شده من خواست بنده تو اینکه

يَنَامَ فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ وَ يَسْتُرِيحُ فِي ظِلِّ قَبَابِ

بخواهد در جوار نزدیکی و همسایگی رحمت تو و طلب راحت نماید در سایه خیمه های

فَضْلِكَ مُسْتَعِينًا بِحِفْظِكَ وَحِرَاسَتِكَ أَي رَبِّ

فضلت با طلب یاری به حفظ و حراست تو ای پروردگار من

أَسْأَلُكَ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ أَنْ تَحْفَظَ عَيْنِي عَنِ

ازتوسوال مینمایم به چشم تو [قسم] که نمی خوابد اینکه حفظ بفرمائی چشم مرا از

النَّظَرِ إِلَى دُونِكَ ثُمَّ زِدْ نَوْرَهَا لِلمُشَاهَدَةِ آثَارِكَ

نظر انداختن بسوی به غیر خودت آنگاه زیاد بفرما نور چشم مرا از برای دیدن آثارت

وَ النَّظَرَ إِلَى أَفْقِ ظُهُورِكَ أَنْتَ الَّذِي ضَعُفَتْ

و نظر کردن به افق ظهور خودت تو کسی هستی که ضعیف شد

كَيْفِيَّتُهُ الْقُدْرَةَ عِنْدَ ظُهُورَاتِ قُدْرَتِكَ

حسی وجود قدرت نزد ظهورات قدرت تو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَوِيُّ الْغَالِبُ الْمُخْتَارُ.

نیست معبودی مگر تو که قوی غلبه کننده دارای اختیار میباشی

هُوَ السَّمِيعُ الْمُجِيبُ

اوست شنونده اجابت کننده

يَا إِلَهِي أَصْبَحْتُ فِي جِوَارِكَ وَالَّذِي اسْتَجَارَكَ

ای معبود من صبح کردم در جوار تو و کسیکه طلب همجواری تو نماید

يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي كَنْفِ حَفْظِكَ وَحِصْنِ

سزاوراست اینکه باشد در بنا و حفظ تو و قلعه

حِمَايَتِكَ أَي رَبِّ تَوَسَّلْ بَاطِنِي بِأَنْوَارِ فَجْرِ ظَهْرِكَ

حیامت و ننگه داری تو ای پروردگاری من نورانی بفرما باطن مرا بنورهای فجر ظهورت

كَمَا تَوَرَّتْ ظَاهِرِي بِنُورِ صَبَاحِ عَطَائِكَ .

همانطور که نورانی فرمودی ظاهر مرا بنور صبح عطایت

إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَد قُتِمْتُ

معبود من و آقای من من بنده تو ام و بنده زاده تو برخاسته ام

عَنِ الْفِرَاشِ فِي هَذَا الْفَجْرِ الَّذِي فِيهِ أَشْرَقَتْ

از بستر در این فجرى که در آن تابان شد

شَمْسٌ أَحَدَيْنِكَ عَنِ أَفْقِ سَمَاءِ مَشِينِكَ وَ اسْتَضَاءَ

خورشید یکتایی تو از آسمان امقام ارجمند، اراده تو و نور گرفت سر روشن شد

مِنْهَا الْآفَاقُ بِمَا قَدَّرَ فِي صَحَائِفِ قَضَائِكَ لَكَ

از آن دنیا بدان سبب که مقدر شد در صحیفه های قضا و پیش آورد تو برای تو است

الْحَمْدُ يَا إِلَهِي عَلَيَّ مَا أَصْبَحْنَا مُسْتَضِيًّا بِنُورِ

ستایش ای معبود من بر آنچه به صبح آوردیم درحالیکه روشنی میگیریم با نور

عِرْفَانِكَ أَي رَبِّ فَانزِلْ عَلَيْنَا مَا يَجْعَلُنَا غِنِيًّا عَمَّا

شناسایت ای پروردگار من پس فرو فرست بر ما آنچه که ما را بی نیاز دارد از آنچه

سَوَاكَ وَ مُنْقَطِعًا عَن دُونِكَ ثُمَّ أَكْتُبْ لِي وَ

جز تو است و منقطع از غیر تو نماید آنگاه مرقوم و مقدر فرما از برای من و

لِلْحَبِيبِي وَ دَوِي قَرَابَتِي مِنْ كُلِّ ذَكَرٍ وَ أَنْتَ

از برای دوستانم و خویشاوندانم از هر مرد و زن

خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى ثُمَّ اغْصِمْنَا يَا مَحْبُوبَ

خیر آخرت و اولی (بن عالم) آنگاه حفظ بفرما ما را ای دوست داشته شده

الإبداع و مقصود الإختراع بعصمك الكبري

آفرینش و قصد شده جهان اختراع به حفظ کبرایت

من الذين جعلهم مظاهر الخناس و يوسوسون

از آنانیکه قرار فرمودی ایشانرا مظاهر خناس (شیطان دوری کننده از ذکر الهی) و وسوسه میکنند

في صدور الناس انك انت المقتدر علي ما

در سینه (دل)های مردم بدرستیکه تویی مقتدر بر آنچه

شاء و انك انت المقتدر المهيمن اليوم

بخوای و بدرستیکه تو مقتدر حافظ کل برپادارنده کل میبانی

صل اللهم يا إلهي علي من جعلته قيوماً

درود و برکت فرست ای معبود من بر کسیکه قرار فرمودی او را قیوم (برپادارنده)

عَلِيَّ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَىٰ وَبَدِّ فَصَلْتَ بَيْنَ الْأَتْقِيَاءِ

بر اسمهای (حفاظت) نیکویت و با او فصل و جدا فرمودی بین برگزیدگان پرهیزکار

وَ الْأَشْقِيَاءِ بِأَنْ تُوَفِّقَنَا عَلِيٌّ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَىٰ

و دشمنان بدبخت باینکه کامیاب بفرمانی ما را بر آنچه دوست میداری و راضی میباشی

وَ صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَيَّ كَلِمَاتِكَ وَ حُرُوفَاتِكَ

و درود و برکت بفرست ای معبود من بر کلماتت و حروفاتت (افراد مومن و دارای هویت برگزیده)

وَ عَلَيَّ الَّذِينَ تَوَجَّهُوا إِلَيْكَ وَ أَقْبَلُوا إِلَيَّ

و بر کسانی که روی آوردند بسوی تو و اقبال کردند (روی آوردند) به

وَ جَهِّكَ وَ سَمِعُوا نِدَاءَكَ وَ أَنْتَ مَالِكُ

روی تو و شنیدند ندای تو را و بدرستی که صاحب

الْعِبَادِ وَ سُلْطَانِهِمْ وَ أَنْتَ أَنْتَ

بندگان و سلطان آنان و بدستگاه تو

عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بر هر کاری-امری-چیزی مقتدر

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تو خدائی نیست معبودی جز تو

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا أَيْقَظْتَنِي بَعْدَ نَوْمِي

از برای توست ستایش ای معبود من بدان سبب که بیدار فرمودی مرا بعد از خوابم

وَ أَظْهَرْتَنِي بَعْدَ غَيْبَتِي وَ أَقَمْتَنِي بَعْدَ مَرَقَدِي

و ظاهر فرمودی مرا بعد از غیبتم و برپا داشتی مرا بعد از خوابم

أَصْبَحْتُ مُتَوَجِّهًا إِلَى أَنْوَارِ فَجْرِ ظُهُورِكَ الَّذِي

صبح کردم در حالیکه روی آوردم به انوار فجرِ ظهورِ تو که

بِرِ انْأَمَرْتَ آفَاقَ سَمَوَاتِ قُدْرَتِكَ وَعَظَمَتِكَ

بدان روشن شد دنیای آفاق های آسمانهای قدرت تو و بزرگی تو

وَمُعْرِفًا بِآيَاتِكَ وَمَوْقِنًا بِكِتَابِكَ وَمُتَمَسِّكًا

و درحالیکه اعتراف مینمایم بآیات تو و درحالیکه یقین دارم بکتاب تو و درحالیکه سفت چسبیده ام

بِحَبْلِكَ أَسْأَلُكَ بِإِقْتِدَارِ مَشِيئَتِكَ وَنُفُوزِ إِرَادَتِكَ

بحبل تو از تو سوال مینمایم باقتدار مشیت تو و تائید اراده تو

أَنْ تَجْعَلَ مَا أَمْرِيَّتِي فِي مَنَامِي أَمْنًا أَسَاسًا

اینکه قرار بفرمائی آنچه که بنمایاندی در خوابم و بستم ترین پایه

لِيُوتِ حُبَّكَ فِي أَقْدَةٍ أَوْلِيَاءِكَ وَأَحْسَنَ

از برای خانه ها، حب تو در دلهای دوستارانت و بهترین

أَسْبَابٍ لِّظُهُورَاتِ فَضْلِكَ وَعَيْنَيْكَ أَيَّ رَبِّ

سببها از برای ظهورات فضل تو و عنایت توست ای پروردگار من

قَدَّرَ لِي مِنْ قَلَمِكَ الْأَعْلَى خَيْرَ الْآخِرَةِ

مقدر بفرما از برای من از قلم اعلایت خیر آن عالم

وَالْأُولَى أَشْهَدُ أَنَّ فِي قَبْضِكَ زِمَامَ الْأُمُورِ

و این عالم (اول) را گواهی میدهم اینکه بدرستی در قبضه تو است اختیار امور کارها

تُبَدِّلُهَا كَيْفَ تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

تبدیل میفرمائی هر طور که بخواهی نیست معبودی جز تو که قوی امین میباشی

أَنْتَ الَّذِي بِأَمْرِكَ تُبَدِّلُ الدَّلِيلَةَ بِالْعِزَّةِ

تو کسی هستی که بامر تو، خودت تبدیل میفرمائی ذلت و خواری را به عزت

و الضَّعْفَ بِالْقُوَّةِ و العَجْزَ بِالِاقْتِدَارِ و

و ناتوانی را به قدرت و عجز را به اقتدار و

الاضْطِرَّابَ بِالِاطْمِينَانِ و الرِّيبَ بِالِايْقَانِ

اضطراب و پریشانی را به اطمینان و شک را به یقین

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمَنَّانُ لَا تُخَيِّبُ مَنْ

نیست معبودی جز تو که بنهایت بزرگواری و دارای لطف و ممتن بینهایت. ناامید نفرما کسی را که

سَأَلَكَ و لَا تَمْنَعُ مَنْ أَسْأَلَكَ قَدْرِي مَا يَنْبَغِي

از تو سؤال کرد و باز مدار کسی را که تو را خواست مقدّر نفرما برای من آنچه را که سزاوار

لِسَمَاءِ جُودِكَ وَبِحَسْرِ كَرَمِكَ

مقام ارجمند بخشش و دریای کرم تو است

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ

بدرستیکه توانی مقتدر قدير

هُوَ الْمُهَيَّمِنُ الْقَيُّومُ

اوست احاطه دارنده و برپا دارنده کل

أَصْبَحْتُ يَا إِلَهِي بِفَضْلِكَ وَأَخْرَجُ مِنْ الْبَيْتِ

صبح کردم ای معبود من بفضلت و خارج میشوم از منزل

مَوْكَلًا عَلَيْكَ وَمَفَوْضًا أَمْرِي إِلَيْكَ فَانزِلْ عَلَيَّ

درحالیکه توکل بر تو دارم و کارم را واگذار مینمایم بسوی تو پس نازل بفرما بر من

مِنْ سَمَاءِ رَحْمَتِكَ بِرِكَزٍ مِنْ عِنْدِكَ ثُمَّ ارْجِعْنِي

از مقام ارجمند رحمت خودت برکتی از نزد خودت بیس برگردان-مراجعت بده

إِلَى الْيَتِيمِ سَالِمًا كَمَا أَخْرَجْتَنِي مِنْهُ سَالِمًا

به خانه ام سالم همانطور که مرا خارج فرمودی از آن [خانه]، سالم

مُسْتَقِيمًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ

مستقیم نیست معبودی جز تو که فرد تنهای

الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

بینهایت دانای درستکار و درستدان میبانی

هُوَ اللهُ تَعَالَى شَأْنُهُ الْعَظْمَةُ وَالْإِقْتِدَارُ

اوست خدای تعالی که مقام او عظمت و اقتدار است

يَا أَيُّهَا الْمَدْكُورُ لَدَيَّ الْمَظْلُومِ فِي حَبْنِ الْخُرُوجِ

ای ذکر شده-مورد ذکر نزد این مظلوم (مقصود جمالیبارک حل ثانه میباشد) هنگام خارج شدن

عَنِ الْمَدِينَةِ قُلْ: إلهي إلهي خَرَجْتُ مِنْ

از شهر بگو: معبود من معبود من خارج شده از

بَيْتِي مُعْتَصِمًا بِحَبْلِ عَنَائِكَ وَأَوْدَعْتُ نَفْسِي

خانه ام در حالیکه بجهت حفظ گرفته ام ریسمان عنایت تو را و سپردم خودم را

تَحْتَ حِفْظِكَ وَحَرِّ اسْتِكَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

زیر حفظ تو و نگهداری تو از تو سؤال مینمایم به قدرتت-قسم به قدرتت

الَّتِي بِهَا حَفِظْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كُلِّ ذِي غَفْلَةٍ

که بآن [قدرت] حفظ فرمودی اولیایت را از هر غافلی

وَذِي شَرِّ امْرَأَةٍ وَكُلِّ ظَالِمٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ فَاجِسٍ

و بشر باشری و [از] هر ظالم بدخواهی و [از] هر بدکار

بَعِيدٍ بَانَ تَحْفَظَنِي بِجُودِكَ وَفَضْلِكَ ثَمَّارِ جَعَنِي

دور از حقّی باینکه حفظ بفرمائی مرا بچود خودت و فضلت آنگاه برگردان مرا

إِلَى مَحَلِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ

به محلّ خودم به حول و قووت خودت

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُهَيِّمُ الْقَيُّومُ

بدرستیکه تویی مقتدر نگهدارنده و برپا دارنده کل

هُوَ اللهُ

اوست خدا

إِلَهِي إِلَهِي هَذَا طَيْرٌ كَلِيدُ الْجَنَاحِ بَطِيءٌ

معبود من معبود من این طیر نحیف بال کند پرواز

الطَيْرِ انْ أَيْدِيَهُ بِشَدِيدِ الْقُوَى حَتَّى يَطِيرَ إِلَيَّ

تا ناپیدش فرما به قوای شدید تا بیرواز آید به

أَوْجِ الْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ وَيُرْفِرُ بِكُلِّ سُرُورٍ

اوج رستگاری و نجات و بالا برود بنام سرور

وَأَنْشِرَاحٍ فِي هَذَا الْفُضَاءِ وَيَرْفَعُ هَدِيرَهُ فِي

و شادمانی در این فضا و بالا برود بانگ و آهنگ او در

كُلِّ الْأَرْجَاءِ بِاسْمِكَ الْأَعْلِيِّ وَتَلَذُّذِ الْأَذَانِ

هر طرفها-سمت باسم اعلایت و لذت برند گوشها

مِنْ هَذَا النِّدَاءِ وَتَقَرُّ الْأَعْيُنُ بِمُشَاهَدَةِ

از این ندا و روشن و خنک شود چشمها با دیدن

آيَاتِ الْهُدَىٰ رَبِّ إِيَّيْ فَرِيدٌ وَحِيدٌ حَقِيرٌ لَيْسَ

آیات هدایت و حقیقت پروردگار من بدرستی که من تنهای بگم حقیرم نیست

لِي ظَهِيرٌ إِلَّا أَنْتَ وَلَا تَصِيرُ إِلَّا أَنْتَ وَلَا

برای من پشتیبانی جز تو و نه یاری دهنده جز تو و نه

مُجِيرٌ إِلَّا أَنْتَ وَقَفْتَنِي عَلَيَّ خِدْمَتِكَ وَأَيَّدْتَنِي

بناه دهنده جز تو موفق فرما مرا بر خدمتت و تأیید فرما مرا

بِجُنُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْصُرْنِي فِي إِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ

بلشکریان فرشتگان و یاری بفرما مرا در بالا بردن کلمه ات

وَأَنْطِقْنِي بِحِكْمَتِكَ بَيْنَ بَرِّئِكَ أَنْتَ مُعِينٌ

و بطق یاور مرا با درست دانی ات بین آفریده ات بدرستی که تویی یاری کننده

الضَعْفَاءِ وَ تَصِيرُ الصُّغْرَاءِ وَ أَنْتَ آتٍ

ضعیفان و یاور صغیران و بدرستی که تویی

المُقْتَدِرِ الْعَزِيزِ الْمُخْتَارِ جَع

مقتدر عزیز مختار

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

باک و مقدسی پروردگار من ای معبود من از تو سوال میکنم باسمت قسم که

بِهِ سَطَعَ نُورُ الْحِكْمَةِ إِذَا تَحَرَّكَتْ أَفلاكُ

بآن (بوسیله اسمت) ساطع و روشن شد نور حکمت و درست دانی زمانیکه بحرکت آمد فلکهای

بَيَانِهِ بَيْنَ الْبَرِّيْنِ بَانَ تَجْعَلَنِي مُؤَيِّدًا بِنَائِدِ اِتِّكَ

بیانش بین خلق باینکه قرار بفرمائی مرا مورد تأیید و کمک با تأییدات خودت

وَ ذَاكَرًا بِاسْمِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ أَي رَبِّ تَوَجَّهْتُ

و ذکرکننده باسم خودت بین بندگانت ای پروردگار من روی نمودم

إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنِ سِوَاكَ وَ مُشْتَبِهًا بِدَيْلِ الطَّافِكِ

سوی تو درحالیکه جدا هستم از غیر تو و چسبیده بیدامن الطاف تو ام

فَانْطِقْ بِمَا تَجْدِبُ بِهِ الْعُقُولُ وَتَطِيرُ بِهِ

پس بنطق آور مرا بدانچه که جذب شود بدان عقلا و پرواز آید بدان

الْأَرْوَاحُ وَالنُّفُوسُ ثُمَّ قَوِّنِي فِي أَمْرِكَ عَلَيَّ

روحها و نفسها وجودها سپس قوی بفرما مرا در امرت بر

شأنٍ لَا تَمْنَعُنِي سَطْوَةَ الظَّالِمِينَ مِنْ خَلْقِكَ

حالتی که تمنع نماید قدرت و جبرگی ظالمین از خلق تو

وَلَا قُدْرَةَ الْمُنْكَرِينَ مِنْ أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ

و نه قدرت منکرین ساکن مملکت تو

فَاجْعَلْنِي كَالسِّرَاجِ فِي دِيَارِكَ لِیَهْتَدِيَ بِهِ مَنْ

پس قرار فرما مرا چون سراج (چراغ) در دیرهای خود تا هدایت شود باو کیسکه

كَانَ فِي قَلْبِهِ نُورٌ مَعْرِفَتِكَ وَشَغَفَ مَحَبَّتِكَ أَذْكَ

بوده در قلبش نور شناسائی و محبت شدید تو باشد بدرستی که

أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَفِي قَبْضِكَ مَلَكَوْتُ

تویی مقتدر بر آنچه می خواهی و در اختیار تو است عالم حقیقت

الْإِنِّشَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آفرینش تو نیست معبودی جز تو که عزیز حکیمی

هُوَ الْعَالِمُ الْحَكِيمُ

اوست عالم حکیم

إِلَهِي إِلَهِي لَكَ الْحَمْدُ بِمَا جَعَلْتَنِي مُعْتَرِفًا

معبود من معبود من ستایش تو را بدان سبب که قرار فرمودی مرا مُعْتَرِف

بِوَحْدِ اَيْنِكَ وَ مَقْرَأِ بِفِرْدِ اَيْنِكَ وَ مَدْعَانِ بِمَا

یکتائی خود و اقرار کننده بفرود بودن و اذعان کننده به آنچه که

أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ الَّذِي بَدَرَفَرَقْتَ بَيْنَ الْحَقِّ

فرو فرستادیش در کتاب خود که بدان وسیله جدا فرمودی بین حق

وَالْبَاطِلِ بِأَمْرِكَ وَ أَقْدَارِكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ

و باطل را بامر خود و اقتدار خود و از برای تو است شکر و ستایش

يَا مَقْصُودِي وَ مَعْبُودِي وَ أُمَلِّي وَ بُغْيَتِي وَ مَنَائِي

ای مقصود من و معبود من و آرزوی من و امید آرزوی من و آرزوی من

بِمَا سَقَيْتَنِي كَوَثْرَ الْإِيمَانِ مِنْ يَدِ عَطَائِكَ وَ

بآن سبب نوشانیدی مرا چشمه آب حیات باقیه ایمان از دست عطای تو و

هَدَيْتَنِي إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ بِفَضْلِكَ وَجُودِكَ

هدایت فرمودی مرا به راه راست خودت بفضل و تکرّم خودت

أَسْأَلُكَ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ وَمُسَخِّرَ الْأَمْرِيحِ

ز تو سؤال مینمایم ای شکافنده صبح ها و بزیرحکم دارنده بادها

بِأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ

بأنبای خودت و به فرستادگانت و به برگزیدگانت و به اولیائت آنانیکه

جَعَلْتَهُمْ أَعْلَامَ مَهْدٍ أَيْنِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَسَرَايَاتِ

قرار فرمودیشان غلم های هدایت خودت بین خلقت و بپرق های

نُصْرَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَبِالنُّورِ الَّذِي أُشْرِقَ مِنْ

نصرت و یاری تو در شهر هایت و به نوری که تابان شد از

أَفُقِ الْحِجَازِ وَتَوَسَّرَتْ بِهِ يَشْرِبُ وَالبَطْحَاءُ وَ

أَفُقِ حِجَازٍ وَ مَسُورٌ وَ رُوشَن شَد بَدَانِ مَدِينَةٍ وَ مَكَّةُ وَ

مَا فِي نَاسُوتِ الْإِنشَاءِ بِأَنَّ تَوْجِدَ عِبَادِكَ عَلَيَّ

آنچه که در عالم ناسوت (عالم بشری و حاکمی) آفرینش و خلق با اینکه تا نبد فرمائی بندگانت را بر

ذَكَرَكَ وَ تَنَانِكَ وَ الْعَمَلِ بِمَا أَنْزَلْتَنِي فِي كِتَابِكَ

ذَكَرٌ وَ يَادِ خُودَتِ وَ سِتَابِشْتِ وَ عَمَلٌ بِهِ آنچه فرو فرستادی آنرا در کتابت

إِلَهِي إِلَهِي تَرَي الضَّعِيفَ أُرَادَ مَشْرِقَ قُوَّتِكَ

مَعْبُودٍ مِنْ مَعْبُودِينَ مِی بِنِی اَیْنِ نَاتَوَانِ رَا کِه خُوَاسْتِ مَحَلِّ تَابِشِ قُوَّتِ اِلَهِيَّاتِ رَا

وَ مَطْلَعِ اقْتِدَارِكَ وَ الْعَلِيلِ كَوْتَرِ شِفَائِكَ وَ

وَ مَحَلِّ طُلُوعِ اقْتِدَارَتِ رَا وَ عَلِيلِ رَا کِه کَوْتَرِ شِفَائِی تُو رَا خُوَاسْتِ وَ

الْكَلِيلَ مَلَكَوتَ يَإِنِّكَ وَالفَقِيرَ جَبْرُوتَ

این کُند بیان را که ملکوت (عالم حقیقت) بیان تو را و این فقیر را که جبروت

تَرُوتِكَ وَعَطَائِكَ قَدَسًا لِمَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

تروت و عطای تو را خواست قسمت فرما برایش به کرمت و بخشش

مَا يُقَرِّبُهُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ وَ يُؤَيِّدُهُ عَلَيَّ

آنچه را که نزدیک دارد او را بسوی تو در هر حال احاطا و کمک بفرمائی او را بر

المَعْرُوفِ وَ يَحْفَظُهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْمَبْدِإِ

عَمَلِ نِكَ و حفظ بفرمائی او را از کسانی که ناسپاس شدند به ابتدا

وَ الْمَالِ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْمُنْعَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا

و بازگشت بدرستی که تویی بی نیاز دارای مرتبت فوق همه نیست معبودی جز

أنتَ العَزِيزُ الفَضالُ.

تو که عزیز بینهایت دارای فضل میباشی.

هُوَ اللهُ تَعَالَى شَأْنُهُ العِظَمَةُ وَالِإِقْتِدَارُ

اوست خدای تعالی که حالت و مرتبت او بزرگی و اقتدار است

إِلَهِي إِلَهِي أَشْكُرُكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَأَحْمَدُكَ

معبود من معبود من تو را شکر میکنم در همه حال و تو را حمد میکنم

فِي جَمِيعِ الأَحْوَالِ فِي النِّعْمَةِ الحَمْدُ لَكَ يَا إِلَهَ

در جمیع احوال در هنگام داشتن نعمت حمد از برای تو است ای معبود

العَالَمِينَ وَفِي فَقْدِهَا الشُّكْرُ لَكَ يَا مَقْصُودَ

عالمها و در نبودن و فقدان آن شکر از برای تو است ای قصد شده

الْعَارِفِينَ فِي الْبِأْسَاءِ لَكَ الشَّاءِ يَا مَعْبُودَ مَنْ

عارفین در نداری و بیجیزی از برای تو است تا آنی مورد عبادت [مَنْ] کسانی که

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ وَفِي الضَّرَائِلِ لَكَ

در آسمانها و زمین ها هستند و در نداری و فقر بهرراهی از برای تو است

السَّنَاءِ يَا مَنْ بِكَ أَنْجَدَيْتَ أَفْدَةَ الْمُشْتَاقِينَ

نور و روشنی آئی کسیکه بوسیله تو جذب شد دلهای مُشتاقان

فِي الشَّدَاةِ لَكَ الْحَمْدُ يَا مَقْصُودَ الْقَاصِدِينَ

در سختی از برای تو است ستایش آئی قصد شده قاصدین_قصد کنندگان

وَ فِي الرَّخَاءِ لَكَ الشُّكْرُ يَا أَيُّهَا الْمَدْكُورُ فِي

و در آسایش و رفاه از برای تو است شکر آئی ذکر شده در

قُلُوبِ الْمُتَّقِينَ فِي الشَّرْقَةِ لَكَ الْبَهَاءُ يَا سَيِّدَ

دلهای نزدیکان در تروت داشتن و بی نیازی از برای تو است نورانیت و جلال ای آقای

الْمُخْلِصِينَ وَ فِي الْفَقْرِ لَكَ الْأَمْرُ يَا رَجَاءَ

مخلصین و در فقر و نداری از برای تو است امر ای آرزوی

الْمُؤَحِّدِينَ فِي الْفَرَحِ لَكَ الْجَلالُ يَا لَا إِلَهَ

یکتا پرستان در سرور از برای تو است جلال و بزرگی ای کسیکه نیست معبودی

إِلَّا أَنْتَ وَ فِي الْحُزْنِ لَكَ الْجَمالُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

جز تو و در حزن از برای تو است جمال (زیبایی) ای کسیکه نیست معبودی جز

أَنْتَ فِي الْجُمُوعِ لَكَ الْعَدلُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ

تو در گرسنگی از برای تو است عدل ای کسیکه نیست معبودی جز تو و

فِي الشَّيْءِ لَكَ الْفَضْلُ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ فِي الْوَطَنِ

در سیری از برای تو است فضل ای کسیکه نیست معبودی جز تو در وطن

لَكَ الْعَطَاءُ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ وَفِي الْغُرَيْمِ لَكَ

از برای تو است عطا ای کسیکه نیست معبودی جز تو و در دوری (از وطن) از برای تو است

الْقَضَاءُ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ تَحْتَ السَّيْفِ لَكَ

قضا الحکم و داوری ای کسیکه نیست معبودی جز تو زیر شمشیر از برای تو است

الْإِفْضَالُ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ وَفِي الْبَيْتِ لَكَ

فضل داشتن فضل فرمودن ای کسیکه نیست معبودی جز تو و در خانه منزل از برای تو است

الْكَمَالُ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ فِي الْقَصْرِ لَكَ الْكَرَمُ

کمال ای کسیکه نیست معبودی جز تو در قصر از برای تو است کرم

يَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَفِي الزُّبَابِ لَكَ الْجُودُ يَا

ای کیکه نیست معبودی جز تو و روی خاک از برای تو است کرم ای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فِي السِّجْنِ لَكَ الْوَقَاءُ يَا سَابِغَ

کیکه نیست معبودی جز تو در زندان از برای تو است وفا ای فراوان عطا کننده

النَّعْمِ وَفِي الْحَبْسِ لَكَ الْبَقَاءُ يَا مَالِكَ الْقَدَمِ لَكَ

نعمتها و در حبس از برای تو است بقا ای مالک قدیم از برای تو است

الْعَطَاءُ يَا مَوْلَى الْعَطَاءِ وَ سُلْطَانَ الْعَطَاءِ وَ

عطا ای آقای عطا و سلطان عطا و

مَالِكَ الْعَطَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَحْمُودٌ فِي فِعْلِكَ يَا أَصْلَ

مالک عطا گواهی میدهم بدرستی که توئی حمد و ستایش شده در فعل خودت ای اصل

الْعَطَاءِ وَ مُطْعَمٌ فِي حُكْمِكَ يَا بَحْرَ الْعَطَاءِ وَ

عطا و مورد اطاعت در حکم خودت ای دریای عطا و

مَبْدَأُ الْعَطَاءِ وَ مَرَجِعَ الْعَطَاءِ .

ابتدا و شروع عطا و محل رجوع عطا

بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ

به نام خداوند اقدس

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِأَصْفِيائِكَ وَ

پاک و مقدسی تو خدای من ای معبود من از تو سوال مینمایم به برگزیدگانت و

أَمْنَائِكَ وَ بِالَّذِي جَعَلْتَهُ خَاتَمَ أَنْبِيَائِكَ وَ سَفْرَائِكَ

امنایت و بکسیکه قرار فرمودی او را زینت و فرستادگان تو

أَنْ تَجْعَلَ ذِكْرَكَ مُؤْنِسِي وَحُبَّكَ مَقْصِدِي وَ

اینکه قرار بفرمائی ذکرت را مؤنس من و حب خودت را مقصد من و

وَجْهَكَ مَطْلَبِي وَاسْمَكَ سِرَّاجِي وَ مَا أَرَادْتَهُ

روی تو را مایه و مطلب من و اسمت را چراغ من و آنچه خواستی

مُرَادِي وَ مَا أَحْبَبْتَهُ مَحْبُوبِي أَي رَبِّ أَمَا الْعَاصِي

خواست من و آنچه او را دوست داشتی دوست داشته شده من ای پروردگار من من گناهکارم

وَ أَنْتَ الْغَافِرُ لَمَّا عَرَفْتُكَ سَرِعْتُ إِلَيْ سَاحَتِهِ

و تو بخشاینده وقتی که شناختمت تو را شناختم به آستان

عِزِّ عِنَايَتِكَ أَي رَبِّ فَاغْفِرْ لِي جَرِيدَ اتِي الَّتِي

عز عینایت تو ای پروردگار من ببخش و بیامرز مرا و گناهانم را ببخش که

مَنْعَتِي عَنِ السُّلُوكِ فِي مَنَاجِحِ مَرْضَائِكَ وَ

دور داشت مرا از رفتار کردن در راه و روشهای رضای تو و

الْوُرُودِ فِي شَاطِئِ بَحْرِ أَحَدِيكَ أَيُّ رَبِّ

از وارد شدن در ساحل-کنار دریای یکتائی تو ای پروردگار من

لَأَجِدُ دُونَكَ مِنْ كَرِيمٍ لَأَتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ وَلَا سِوَاكَ

نی یابم جز تو گریمی تا روی آورم بسویش و نه غیر از تو

مِنْ مَرَحِيمٍ لِّلسُّرِّحَمِ مِنْهُ أَسْأَلُكَ أَنْ

رحیمی تا رَحِم بخواهم از او، سنوال می کنم از تو اینکه

لَا تَطْرُدَنِي عَنِ بَابِ فَضْلِكَ وَلَا تَمْنَعَنِي عَنِ

مرا طردرد نفرمانی از دربِ فضلت و دور نسازی مرا از

سَحَابِ جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَي رَبِّ قَدِيرِي مَا

ابر بخشست و کرمت ای پروردگار من برایم بقدر فرما آنچه

قَدِيرَتَهُ لِأَوْلِيَائِكَ ثُمَّ أَكْتُبُ لِي مَا كَتَبْتَهُ

مقدر فرمودی برای اولیانت سپس مرقوم بفرما برایم آنچه که مرقوم فرمودی

لِأَصْفِيَائِكَ لَمْ يَزَلْ كَانَ طَرَفِي نَاطِرًا إِلَى أَفْقِ

برای برگزیدگانت همواره بوده نظرم-نگاهم ناظر به کرانه

عَيْنِكَ وَعَيْنِي مُتَوَجِّهَةٌ إِلَى شَطْرِ الطَّافِكِ

عنايت تو و چشم من متوجه به جانب الطافت بوده

فَفَعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

عمل بفرما برایم آنچه که تو اهلس هستی نیست معبودی جز تو که

المُقْتَدِرُ العَزِيزُ المُسْتَعَانُ.

مقتدر عزیز کمک و دستگیر میانی

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

یاک و مقدسی تو خدای من ای معبود من

أَحِبُّ بِكُلِّ لِسَانٍ أَدْعُوكَ وَ بِكُلِّ يَدٍ

دوست دارم به هر زبانی بخواتم تورا و به هر بیانی

أَرْجُوكَ وَ بِكُلِّ قَلْبٍ أَدْكُرُكَ وَ بِكُلِّ فَمٍ

تورا آرزو نمایم و به هر قلبی ذکر نمایم تورا و به هر دهانی

أَشْكُرُكَ وَ بِكُلِّ وَجْهٍ أَسْجُدُكَ وَ بِكُلِّ

شکر کنم تورا و به هر رومی سجده کنم تورا و به هر

عَيْنِ أَشَاهِدِكَ وَبِكُلِّ قُوَادٍ أَحْبَبْتُكَ وَبِكُلِّ

چشمی مشاهده کنم تو را و با هر قلبی دوست بدارم تو را و با هر

كُؤْبٍ أَشْرَبُ مِنْ أَيْحُرٍ عَوَاطِفِ لَاهُوتِ

بیمانه (بیمانه ها) بنوشم از دریای عواطف لاهوت

مَكْرُمَتِكَ وَبِكُلِّ كُؤْسٍ أُسْقِي مِنْ أَنْهَرِ

کرم تو و با هر جامی (کاسه) سقایه شوم از نهرهای

فَوَاضِلِ جَبْرُوتِ عِنَايَتِكَ وَبِكُلِّ جَنَاحِ أَطِيرِ

[نهرهای] بزرگ جبروت عنایت تو و با هر بالی به پرواز درآیم

إِلَى سَمَوَاتِ عَرْشِ عَظَمَتِكَ وَبِكُلِّ مَرِيَّاشِ

بوی آسمانهای عرش بزرگی تو و با هر بیری

أَسِيرٌ فِي بَهَائَاتِ عِزِّ مَرَحِمَتِكَ لِأَكُونَ سَكْرَانًا

بیرکم در نورانیت ها و شکوهمندی های عزّ مرحمت تو تا مست باشم_مست شوم

عِنْدَ تَعْنِي وَرِقَاءِ سُلْطَانِ جَلَالِكَ وَجَذْبَانَا لَدَيْ

نزد_هنگام نغمه سرائی کردن کیبوتر سلطان جلال تو و مجذوب_در حال جذب نزد

تَظْهِرُ إِشْرَاقَ شَمْسِ جَمَالِكَ وَوَلَهَانَا فِي سَرَائِرِ

ظاهر شدن تابش خورشید جمال تو و والهانبدا در بواطن و قلوب

الْأَهْوَاتِ مِنَ لِحْظَاتِ أَعْيُنِ عِزِّ وَوَحْدَتِكَ وَ

لاهورت اعالم علم بیهایت از نگاه های دیدگان عز وحدت تو و

أَدْمَانًا عَلَيَّ عَرْشِ الْمَلَكُوتِ عِنْدَ قَبَسَاتِ

سر سبز_ملازم_پایرجا بر عرش عالم حقیقت نزد شراره های

جَدَوَاتِ أَنْوَارِ مَجْدِ جَدِّبِكَ لَا كُونَ بِكَلْبِي

شعله های نورهای مجد(بزرگی) جذبت تو تا باشم بکلی

مُنْقَطِعاً إِلَيْكَ وَ مُنَوِّسلاً عَلَيْكَ وَ مُنْمَسِكاً

قطع و جدا بسوی تو و متوسل-چاره جو بر تو و متمسک

بَطَّلَعَاتِ قُدْسِ صَمَدِيْنِكَ وَ مُنْمَلَقَاتِ بَوَجْهَاتِ

به طلعت های قدس صمدیت تو و مُنْمَلَقَاتِ به وجه های

أَنْسِ أَحَدِيْنِكَ ثُمَّ عَلِّمْنِي يَا إِلَهِي حَرْفًا مِنْ

انس یکتائی تو بس مرا بیاموز ای معبود من حرفی از

مَكَانٍ عِلْمِكَ وَ مَخَازِنِ وَحْيِكَ وَ مَوَاقِعِ

مکمن های دانشت و مخزن های وحی تو و محل های وقوع

أَمْرِكِ وَمَطَالِعِ حُكْمِكَ لِأَذْكُرَنَّكَ عَلِيَّ عَرْشِ

امرت و محل های طلوع حکمت تا ذکر نمایم تو را بر عرش حقیقت

الْعَمَاءِ بِإِحْنَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَأَشْكُرَنَّكَ

شالم الهی به لحن های مقدّسی (انفیس کنندگان) و شکر گویم تو را

بِالْمَعْرِفَةِ عَلِيَّ كُرْسِيِّ الشَّاءِ بِرَبِّوَاتِ الْمُنْزِهِينَ

دانسته و از روی آگاهی بر کرسی نورسروشی به ربوات تنزیه کنندگان

وَأَصْفِنَكَ عَلِيَّ سِرِّرِ الْإِلَهِيِّ بِنِعْمَاتِ الْمُسَبِّحِينَ

و وصف تو نمایم بر سریر الهی به نعمه های تسبیح گوینان

لِأَنَّكَ يَا إِلَهِي مَا قَدَّرْتَ عِزًّا لِي فِي عِلْمِ كِتَابِكَ

زیرا بدرستی که تو ای معبود من مقدّر فرمودی عزّتی مگر در علم کتاب خودت

وَلَا تُورَا الْإِنْفِي مَعْرِفَةِ آيَاتِكَ فَسُبْحَانَكَ

و نوری بجز در شناخت و آگاهی آیاتت پس باک و مقدسی تو

سُبْحَانَكَ إِنَّا كُلٌّ فُقَرَاءٌ إِلَيْكَ وَعَبْدَاءُ لَكَ وَ

باک و مقدسی تو بدرستی که ما همه فقیرانیم بسوی تو و بندگان حقیریم مَر تورا و

مَا نَعْلَمُ شَيْئًا إِلَّا بِمَا تَعْلَمُنِي مِنْ بَدَائِعِ فَضْلِكَ وَ

نمیدانیم چیزی جز آنچه یاد می دهی به من از تازگیهای فضلت و

لَوَاعِجِ جُودِكَ إِذْ بِيَدِكَ مَلَكَوَتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ

لواعج بخششت چون بدستت توست عالم حقیقت هر چیزی و

إِنَّا كُلٌّ لَكَ سَاجِدُونَ وَ مِنْ رَحْمَتِكَ آمِلُونَ.

بدرستی که ما همگی برای تو سجده کنندگانیم و از رحمت تو آرزو مندیم

بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ الْأَبْهِيِّ

به نام خداوند اقدس ابهی

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ سَلَكَ الْأَمْرِيحَ وَفَالِقَ الْأَصْبَاحِ

یاک و مقدسی تو ای فرستنده بادها و شکافته صبحها

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَنَاحِ بَانَ تَفْتَحُ عَلَيَّ وَجُوهَنَا

از تو سؤال مینمایم به اسم کارگشاینده ات باینکه باز بفرمائی بر رویان سپرویمان

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ اعْتَرَفُوا

درهای رحمت را و قرار بفرمائی ما را از آنانیکه اعتراف کردند

بِفِرْدَالِيَّتِكَ وَأَقْرُبُ أَبْوَحْدَانِيَّتِكَ وَأَسْتَقَامُوا

بفردالیت تو و اقرار کردند به یکتائی تو و پایداری کردند

عَلِي مَا ذَكَّمُوا عَلِي شَأْنِ مَا مَنَعَهُمْ إِشَارَاتُ

بر آنچه تکلم کردند بقامی که منع نمود آنان را اشاره های

المُشْرِكِينَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَا حُجُبَاتُ الْمُعْرِضِينَ

ناسپاس گویان از خلقت و نه برده های اعتراض کنندگان

مِنْ بَرِّئِكَ قَامُوا بِاسْتِقَامَتِكَ عَلِي أَمْرِكَ وَ

از آفریده ات قیام کردند به بایداری تو [که از تو است] بر امر تو و

دَعَا الْعِبَادَ إِلَى شَطْرِ مَوَاهِبِكَ وَأَفْقِ الطَّافِكِ

خواندند بندگان را به جانب موهبت های تو و کرانه الطاف تو

أَيُّ رَبِّ قَدْ تَوَجَّهْنَا إِلَيْكَ وَأَقْبَلْنَا إِلَى بَحْرِ عَطَائِكَ

ای پروردگاریمن روی آورده ایم بسویت و اقبال کردیم به دریای عطایت

أَسْأَلُكَ بِأَنْ لَا تَمْنَعَنَا مَا عِنْدَكَ وَ أَكْتُبُ لَنَا

از تو سؤال میکنم باینکه منع نفرمائی ما را از آنچه نزد تو است و مرقوم بفرمائی برای ما

مَا كُتِبَ لِعِبَادِكَ الْأَصْفِيَاءِ الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا

آنچه را که مرقوم فرمودی برای بندگانت که برگزیدگانت اند آنانی که شهادت خواستند

فِي سَبِيلِكَ يَا مَالِكَ الْأَسْمَاءِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ

در راه تو ای صاحب حقایق بدرستی که توانی مقتدر

عَلَيَّ مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيَّمِنُ الْقَيُّومُ

بر آنچه میخواهی نیست معبودی جز تو که محیط بر کل و برپا دارنده کل میاشی

بِسْمِ الْبَهِيِّ الْأَبْهِيِّ

به نام او که بهی الابهی است (شکوهندترین شکوهندها است)

أَسْئَلُكَ يَا مَالِكَ مَمَالِكِ الْإِنْتِشَاءِ وَسُلْطَانَ الْأَسْمَاءِ

از تو شوال مبتیام ای صاحب کشورهای آفرینش و سلطان سبهاحقانق)

بِأَنَّ تَكْتُبَ اسْمِي مِنَ الَّذِينَ لَمْ يَزَلْ طَافُوا

باینکه مرقوم بفرمانی اسم مرا از آنهایی که همیشه گشتند

حَوْلَ سُرِّ ادِقِ مَجْدِكَ وَ تَشَبَّهُوا بِدَيْدِ غَنَاكَ

به دور سرا برده بزرگواری تو و چسبیدند به بدان بی نیازی تو

وَ تَمَسَّكُوا بِحَبْلِ عَطُوفِكَ إِنَّكَ أَنْتَ

و چسبیدند به ریسمان محبت و لطف تو بدرستی که تویی

المُهَيِّمِ الْمُقْتَدِرِ الْقَيُّومِ

محیط بر کل مقتدر بر یا دارنده کل

هُوَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَبْهَى

اوست خداوند بزرگوارترین بر جلال ترین

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا فَاطِرَ السَّمَاءِ وَمَالِكَ الْأَسْمَاءِ

یاک و مقدسی تو خدای من ای خالق آسمانده، آسمان و صاحب حقائق

أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ الَّذِي أَشْرَقَ عَن أَفْقِ الْبِهَاءِ

از تو سؤال می کنم قسم به جمالت که نایب تابان شده از افق بهاء

بِأَنَّ تَجْمَعُ أَحْبَبَكَ فِي ظِلِّ قِبَابِ فَضْلِكَ ثُمَّ

باینکه جمع بفرمائی دوستان را در سایه خیمه های فضلت آنگاه

أَشْرِيَهُمْ مَا يَحْيِي بِي قُلُوبَهُمْ فِي أَيَّامِكَ أَنْتَ

بنوشانی بانها آنچه که زنده شود بان دلهایشان در ایام تو بدرستی که توئی

الْمُقْتَدِرُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْقَيُّومُ

مقتدر محیط بر کل بزرگوار بر با دارنده کل

مِنْ أَثْمَارِ كَافُورٍ صَمَدِيْنِكَ فَاشْرِنِي يَا إلهِي

از نهرهای خوشبوی یکتائی بی نیازیت پس بنوشان بمن ای معبود من

وَ مِنْ أَثْمَارِ شَجَرَةٍ كَيْتُوْنِكَ فَاطْعَمِنِي يَا

و از سیوه های شجره (درخت) وجود و هستیت پس بخوران به من ای

رَجَائِي وَ مِنْ زُلَّالِ عَيُّونِ مَحَبَّتِكَ فَاسْقِنِي

آرزوی من و از چشمه های صافِ محبتت پس سقایه فرما مرا

يَا بَهَائِي وَفِي ظِلِّ عُطُوفَتِي أَرْكَبُكَ فَاسْكُنِي

ای بهای من و در سایه عطوفت و مهربانیِ همیشه ات پس مرا سکونت و جای ده

يَا سَنَائِي وَفِي مَرِيضِ الْقُرْبِ بَيْنَ يَدَيْكَ

ای روشنائی من و در باغ قُرب و نزدیکیِ بین دو دست (حضرت)

سَيِّرْنِي يَا مَحْبُوبِي وَعَنْ يَمِينِ عَرْشِ مَرْحَمَتِكَ

ببرده مرا ای دوست داشته شده من و از طریق راستِ عرشِ رحمت

فَاَجْلِسْنِي يَا مَقْصُودِي وَمِنْ أَمْرِيحِ طَيْبِ

پس نشان مرا ای مقصود من و از بادها و نسائمِ پاکِ خوشبوی

بِهَجْنِكَ فَأَرْسِلْنِي يَا مَطْلُوبِي وَفِي عُلُوِّ جَنَّتِ

سرورت پس بفرست برایم ای مورد طلب من و در علو جنت

هُوَ يَتَّكِفُ فَادْخِلْنِي يَا مَعْبُودِي وَمِنْ نِعَمَاتِ

هُوَ يَتَّكِفُ (وجود و هستی) پس داخل فرما مرا ای معبود من و از نعمه های

وَرَقَاءِ الْاَحْدِيثِ فَاسْمِعْنِي يَا مَشْهُودِي وَبِرُوحِ

وَرَقَاءِ-کبوتر بگفتنی پس بنوشان به من ای مورد دید و رویت من و بروح

الْقُوَّةِ وَالْقُدْرَةِ فَاحْنِي يَا رَازِقِي وَعَلِي

قُوَّةٍ و قدرت زنده بفرما مرا ای رزق دهنده من و بر

رُوحِ مَحَبَّتِكَ فَاسْتَقِمْنِي يَا نَاصِرِي وَعَلِي سَيْلِ

روح مَحَبَّتِ بِس پایداری بخش مرا ای یاری دهنده من و بر سبیل

مَرْضَاتِكَ تَبْنِي يَا خَالِقِي وَفِي مَرْضَاوَانِ الْخُلُودِ

رضایت و موارد رضای خودت ثابت فرما مرا ای خالق من و در بهشت جاوید

عِنْدَ طَلْعِكَ فَأَخْلِدْنِي يَا رَاحِمِي وَعَلِي كُرْسِي

نزد طلعت پس جاودان فرما مرا ای راحم من و بر کرسی

عِزِّكَ مَكْنِي يَا صَاحِبِي وَآلِي سَمَاءِ عِنَايَتِكَ

عز خود مکان ده مرا ای صاحب من و به مقام ارجمند عنایت

عَرِّجْنِي يَا بَاعِثِي وَآلِي شَمْسِ هِدَايَتِكَ فَأَهْدِنِي

عروج ده (بالا) مرا ای برانگیزاننده من و به خورشید هدایت پس مرا هدایت فرما

يَا جَازِبِي وَعِنْدَ ظُهُورَاتِ غَيْبِ وَبَنَائِكَ

ای جاذب من و نزد ظهورات غیب و بنهائی یکتائیت

فَاحْضُرْنِي يَا مَبْدَأِي وَمُنَائِي وَآلِي صِرْفِ كَافُورِ

پس احضار فرما مرا ای مبدأ من و آرزوی من و به صیرف مفید خالص

الْجَمَالَ فِي مَنْ تَظْهَرُ ثُمَّ فَأَرْجِعْنِي يَا إِلَهِي

جمال در کسیکه ظاهرش می فرمائی پس مرا بگردان ای معبود من

لَأَنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ

بدرستیکه توئی مقتدر بر آنچه میخواهی

وَ أَنْتَ أَنْتَ الْمُنْعَالِي الْعَزِيزُ الرَّفِيعُ

و بدرستیکه توئی متعالی عزیز رفیع (بلند پایه)

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي لَا تَأْخُذْنَا بِمَا اكْتَسَبَتْ

باک و مقدسی تو ای خدای من ای معبود من مگیر ما را بدانچه کسب کردیم - مرتکب شد

أَيْدِينَا ثُمَّ اغْفِرْ عَنَّا خَطِيئَاتِنَا ثُمَّ اعْفُ عَنَّا وَ

دستهای ما ببس ببخش از ما خطاهای ما را ببس چشم پوشی و عفو فرما از ما و

ارْحَمْنَا إِنَّكَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلُ

رحم فرما تا بدرستی که تو صاحب جود و بخشش و جبروت و صاحب

الْفَضْلِ وَالْمَلَائِكَةُ تَعْلَمُ خَائِفَةً كُلِّ نَفْسٍ وَ

فضل و ملائکوت میبایستی میدانی درون و بنهانی هر نفسی را و

إِنَّكَ أَنْتَ الْحَقُّ عَلَامُ الْغُيُوبِ وَلَا تَحْزَنْنَا يَا

بدرستی که تویی حق دانای غیب و بنهانی ها و محروم و ناامید مفرما مارا ای

إِهْنَاءٍ مِنْ نَفْحَاتِ قُدْسِكَ ثُمَّ ثَبِّتْنَا عَلَيَّ أَمْرِكَ

معبود ما از بویهای خوش پاکت سپس ثابت فرما مارا بر امرت

ثُمَّ اجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ وَهَبْ لَنَا

سپس قرار بفرما برای ما قدم صدق و نیکنامی نزدت و عطا فرما برای ما

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ أَلْحِقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ

از نزد خودت رحمتی و ملحق فرما مارا به بندگانت آنانیکه

بِجَنَاحَيْنِ الْعَزِيزِ فِي هَوَاءِ الْقُدْسِ يَطِيرُونَ أَي

به بالهای عزیز در هوای قدس به پرواز در می آیند ای

رَبِّ لَا تَحْرِمْنَا عَنْ أَمْرِكَ وَلَا تَأْسِنَا عَنْ

پروردگار من محروم مفرما مارا از امرت و مأیوسمان مفرما از

رُوحِكَ ثُمَّ وَفِّقْنَا يَا إلهِي عَلِي عِرْفَانِكَ فِي

روح خودت سپس کامیاب فرما مارا ای معبود من بر شناسائی خودت در

هَذِهِ الْكَلِمَةِ الْمَسْنُونِ .

این کلمه پنهان

هُوَ اللهُ

اوست خدا

رَبَّنَا وَرَقْنَا عَلَيَّ مَعْرِفَتِكَ أَمْرِكَ الْعَظِيمِ

پروردگارا موقت فرما ما را بر شناسائی امر عظیمت

وَالنَّخْلُ بِخُلُقِ الْكَرِيمِ وَالسُّلُوكِ فِي مَنِجِكَ

وخلق و خو گرفتن بخلق کریمت و سلوک نمودن به رسم و روش

الْقَوْمِ بِفَضْلِكَ الْقَدِيمِ وَجُودِكَ الْعَمِيمِ

قومیت بفضل قدیمت و جود عمیمت (شامل حال عموم)

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

بدرستی که توئی دانا بدرستی که توئی بخشنده مهربان

بنده آسائش شوقی

هُوَ الْأَبِي

اوست نورانی ترین-برجلال ترین

أَيُّ رَبِّ ثَبِتْ أَقْدَامَنَا عَلَيَّ صِرَاطِكَ وَقَوِّ

ای پروردگار من ثابت بفرما قدمهای ما را بر صراطت-زاهدت و قوی بفرما

قُلُوبَنَا عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَوَجِّهْ وَجُوهَنَا لِجَمَالِ

قلبیهای ما را بر طاعتت و توجه و روبرویی ده روییهای ما را برای جمال

مِرْحَمَاتِكَ وَأَشْرَحْ صُدُورَنَا بِآيَاتِ وَحْدَانِيَّتِكَ

رحمایتت و باز و گشاده بفرما سینه های ما را با آیات یکتائیت

وَزَيِّنْ هَيَاكِلَنَا بِرِدَائِ الْعَطَاءِ وَاكْشِفْ عَنَّا

و مزین بفرما زینت بخش هیاکل ما را به ردا و لباس عطا و بردار-کنار بزن از

بَصَائِرِنَا غِشَاوَةَ الْخَطَاِ وَ اَنْلِنَا كَأْسَ الْوَقَاِ

دیدگان ما یرده خطارا و نائل بفرما-یرسان ما را به جام وفا

حَتّٰی تَنْطَلِقَ اَلْسِنَتُهُ الْحَقَائِقِ الذّٰتِیَّةِ بِالشَّاءِ

تا به گویائی، روان گردد زبانهای حقائق ذاتی به تحسین و ستایش

فِي مَشَاهِدِ الْكِبْرِيَاءِ وَ تَجَلَّى يَا اِلٰهِي عَلَيْنَا

در دیدگاههای کبریا و تجلی نماید ای معبود من بر ما

بِالْخِطَابِ الرَّحْمَانِي وَ اَلْسِنِ الْوَجْدَانِي حَتّٰی

بخطاب رحمانی و به ضمیر وجدانی تا

تُظَرِّبُنَا لِذِكْرِ الْمُنَاجَاتِ الْمُنْزَهَةِ عَنِ هَمِّهِمْ

بطرب آورد ما را لذت مناجات منزّه از همه

الْحُرُوفِ وَالْكَلِمَاتِ الْمُقَدَّسَةِ عَنِ دَمْدَمَتِ

حروف و کلمات مقدس از دمدمه (اصداهای نامفهوم)

الْأَلْفَاظِ وَالْأَصْوَاتِ حَتَّى تَسْتَعْرِقَ الذِّقَاتُ

لفظ ها و صوت ها تا غرق شوند ذات ها

فِي بَحْرِ مِنْ حَلَاوَةِ الْمُنَاجَاتِ وَتُصْبِحَ الْحَقَائِقُ

در دریائی از شیرینی مناجات و گردد-گردند حقائق

مُحَقَّقَةً بِهُوِيَّتِهِ الْفَنَاءِ وَالْإِنْعَادِ أَمْرٍ عِنْدَ ظُهُورِ

تحقق یافته به هویت فناء و نیستی نزد ظهور

الذَّجَلِيَّاتِ أَي رَبِّ هُمُؤْلَاءِ عِبَادُ تَبْنُوا عَلَيَّ

تجلیات ای پروردگار من اینان بندگانی هستند که ثابت ماندند بر

عَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ وَتَمَسَّكَوْا بِعُرْوَةِ الْإِسْتِقَامَةِ

عهد تو و پیمان تو و چسبیدند بر پیمان ورشته پایداری

فِي أَمْرِكَ وَكَتَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِرْدَاءَ كِبَرِيَّاتِكُمْ أَيُّ

در امر تو و چسبیدند بدانسان لباس کبریائی تو ای

رَبِّ أَيْدِيهِمْ يَبْنِئُونَ أَيْدِيَهُمْ وَأَنْتَ أَتَى

بروردگار من موهبده فرما آنرا به تأییدات خود و کامیاب فرما آنرا به توفیقات

وَ أَشَدُّ أَرْوَاحَهُمْ عَلَيَّ طَاعَتِكَ أَنْتَ

و محکم فرما بشت آنان را کمرهای آنانرا بر طاعت خود بدرستی که توئی

الْعَزِيزُ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ جَع

عزیز مقتدر قدیر

هُوَ الْإِبْهِي

اوست نورانی ترین - پیر جلال ترین

رَبِّ وَرَجَائِي إِنَّهُ هُوَ لِأَمْرِ قَائِكَ وَإِيمَانِكَ

پروردگاری من و آرزوی من بدرستی که ایمان بستگان تواند و خائفهای بهانی

قَدْ تَوَجَّهُوا إِلَيَّ مَلَكَوتِ رَحْمَاتِيكَ وَابْتَهَلُوا

روی آورده اند به عالم حقیقت رحمانیت تو و دعا و تضرع نمودند

إِلَيَّ جَبْرُوتِ فِرْدَاوَسِيكَ وَكَسَبُوا بِذِيكَ مِرْدَاءَ

به جبروت یکتائی تو و چسبیدند به پائین دامن

كِبْرِيَاءِكَ وَتَمَسَّكَوا بِأَهْدَابِ إِزَارِيكَ وَإِلَائِكَ

کبریائی تو و چسبیدند به یک یک نخهای دامن های دوستی تو

أَيُّ رَبِّ افْتَحَ عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ الْبَرَكَاتِ وَارزَقَهُمْ

ای پروردگار من بگشا بر ایشان درهای برکات و مرزوق فرما ایشان را

مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّكَ أَنتَ الْكَرِيمُ الْوَهَّابُ. ع

از همه ثمرات بدرستی که تویی کریم بینهایت بخشنده

هُوَ اللهُ

اوست خدا

رَبِّ أَيْدِي هَذَا الْجَمْعِ عَلَيَّ رِضَاكَ وَ اذْشُرْ بِهِمُ

پروردگار من نائید فرما این جمع را بر رضای خودت و نشرده بوسیله ایشان

تَفْحَاتِ الْقُدْسِ فِي الْأَفَاقِ وَ تَبَّتْ بِهِمُ أقدام

بوهای خوش وحی الهی را در دنیا و ثابت فرما بوسیله ایشان قدمها را

عَلِي صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ فَإِنَّ الشُّبُهَاتِ شَاعَتْ

بر صراط خودت که راهی مستقیم است زیرا بدرستی شبهه ها گسترش یافت

وَذَاعَتْ فِي كُلِّ الْجِهَاتِ وَجُنُودَ الْإِمْرِيَّاتِ

و همه جاگیر و پراکنده شد در همه جهات و لشکریان شک و ایجاد شبهه و تردید

قَدْ تَفَرَّقَتْ فِي كُلِّ الْأَكْنَافِ رَبِّ احْفَظْ سَفِينَتَنَا

پراکنده شده در همه اطراف پروردگارا حفظ بفرما سفینه

أَمْرِكَ عَنِ زَوَاجِعِ الزَّلْزَالِ وَأَحْرُسْ حِصْنَ

امرت را از تشدیدهای لرزش و حراست فرما قلعه

عَهْدِكَ عَنِ هُجُومِ أَفْوَاجِ الْإِخْتِلَافِ

عهدت را از هجوم افواج (گروه های) اختلاف

اِنَّكَ اَنْتَ الْحَافِظُ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ جَع

بدرستی که توئی حافظ مقتدر عزیز جبار

هُوَ الْاَبِي

اوست نورانی ترین - بر جلال ترین

اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهِيْ اَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ بِكُلِّ عَجْزٍ وَّ

خدای من ای معبود من زاری میکنم بسوی تو بتمام عجز و

اِبْتِهَالٍ وَّ ضَرَّاعَتٍ وَّ اَذْكَسَامٍ اَنْ تَصُوْنَ

تضرع و گریه و بیچارگی و شکستگی اینکه مصون بداری

هَذَا الْعَبْدَ مِنْ شِدَّةِ الْاِمْتِحَانِ وَّ الْاِفْتِنَانِ

این بنده را از شدت ها و سختی های امتحان و افتتان (فتنه ها)

وَبَيَّنْتُ قَدَمَيْهِ عَلَيَّ صِرَاطِكَ الْمَمْدُودِ يَا رَبِّي

و ثابت بداری قدمهایش را بر صراط کشیده شده خودت ای پروردگارا

الرَّحْمَنِ وَاحْفَظْهُ مِنْ سِهَامِ الشُّبُهَاتِ وَ

رحمان من و حفظ بفرمائی او را از تیرهای شبه ها و

نِصَالِ الْمَفْرِيَّاتِ وَأَسْمَعُهُ مِنْ نَعَمَاتِ عُنْدَكِيبِ

نیزه های افتراات و بشنوائی باو از نغمه های بلبل

الْعَهْدِ فِي حَدِيثِكَ الْمِيثَاقِ لِيَسْتَقِيمَ عَلَيَّ أَمْرُكَ

عهد در حدیثت باغ میثاق تا مستقیم و ثابت بماند بر امرت

الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْأَرْضَيْنِ وَالسَّمَوَاتِ

که عظیم میباشد ای پروردگارا زمین ها و آسمان ها

وَالْبَهَاءُ عَلَيْهِ وَعَلِيٌّ كُلٌّ مُوقِنٌ بِالْآيَاتِ جَمْعٌ

و نورانیت و جلال بر او باد و بر هر یقین کننده به آیات

هُوَ الْإِبْهِيُّ

اوست نورانی ترین - بر جلال ترین

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ عِبَادٍ كَسَبْتَهُمْ بِجَمَالِكَ وَأَخَذْتَهُمْ

خدای من اینان بندگانی می باشند که نسبت دادی آنانرا به جمالت و گرفتی آنانرا

تَحْتَ ظِلِّ جَنَاحِ عِنْقَاءِ مَشْرِقِ أَحَدِيْنِكَ أَيُّدُهُمْ

در سایه بال شقایق مشرق یکتائیت مؤید دارشان

فِي جَمْعِ الشُّوْنِ وَالْأَحْوَالِ عَلِيٌّ التَّدْرِيْجُ فِي

در همه حال و حالاتی از احوال بر پیشرفت کردن در

مَدَارِجِ الْعِلْمِ وَالْفُضْلِ وَالْكَمَالِ وَاجْعَلَهُمْ

درجات علم و فضل و کمال و قرار بده آنها را

مَظَاهِرِ الْمَوَاهِبِ وَمَطَالِعِ الْإِحْسَانِ فِي كُلِّ

مظاهر موهبت ها و محل های طلوع احسان در هر

شَيْءٍ مِنْ آثَارِ قُدْرَتِكَ فِي الْأَمْكَانِ

چیزی از آثار قدرتت در عالم وجود

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمَنَّانُ بَع

بدرستی که تویی کریم رحیم بینهایت دارای لطف .

هُوَ اللهُ

اوست خدا

رَبِّ وَرَجَائِي اَتِي اَتَوْسَلُ اِلَيْكَ بِنُقْطَةٍ

پروردگار من و آرزوی من بدرستی که من متوسل می شوم بسویت به نقطه

فَرَدَاثِيَّتِكَ وَحِجَابِ وَحْيِكَ وَكَلِمَةِ رَبُّوبِيَّتِكَ

فرداثیبت تو و حجاب وحی تو و کلمه پروردگاری تو

أَنْ تُؤَيِّدَ عَبْدَكَ هَذَا بِنِعْمَاتِ قُدْسِكَ وَرُوحِ

که کمک بفرمائی این بنده ات را به نعمه های قدست و روح

مُنَاجَاتِكَ وَالتَّذَلُّلِ وَالتَّكْسِيرِ فِي حَضْرَةِ

مناجات و تذلل (خواری و حقارت) و ذلت و شکستگی در حضرت

أَحَدِيْنِكَ وَالْاِكْتِشَافِ لِلسِّرِّ كِتَابِ رِيُوِيْنِكَ

يكتائيت و کشف کردن اسرار کتاب پروردگاری تو

اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيْمُ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيْمُ

بدرستیکه توئی کریم بدرستیکه توئی رحیم

وَ اِنَّكَ اَنْتَ الْبَرُّ الرَّؤُوفُ الْحَلِيْمُ ع

و بدرستیکه توئی بینهایت نیکی رسان مهربان بُردبار

هُوَ اللهُ

اوست خدا

اِلٰهِيْ اِلٰهِيْ اَيْدِ الْاَحْبَاءِ عَلَيَّ الْحُبِّ وَالْوَلَا مَع

معبود من معبود من تأییدکن دوستان را بر حُب و دوستی با

كُلِّ الْمَلِكِ وَالْأَقْوَامِ الَّتِي عَلَيَّ الشَّرِّ وَ

همه ملت ها و اقوام دنیا که بر روی زمین اند و

اجْعَلْهُمْ آيَاتِ الْهُدَىٰ وَرَايَاتِ رَحْمَتِكَ بَيْنَ

قرار بفرما آنرا نشانه های هدایت و بیرق های رحمت بین

الْوَرِيِّ وَمَصَابِيحِ الْفَضْلِ وَالْجُودِ وَ أَشْجَارِ

خلق و چراغ های فضل و بخشش و شجره های (درختان)

حَدِيقَتِ الْوَجُودِ رَبِّ نُورٍ وَجُوهَهُمْ بِأَنْوَارِ

باغ وجود و پروردگار من نورانی بفرما و چویشان را بنورهای

النَّوْجِهِ إِلَيْكَ وَزَيْنِ قُلُوبِهِمْ بِالنُّوْكِ كُلِّ عَلَيْكَ وَ

توجه بسویت و زینت بده دلهایشان را به توکل بر تو و

أَيَّدَهُمْ عَلَي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ بَيْنَ يَدَيْكَ

تأید شان بفرما بر رکوع و سجود بین دستانت (حضور خود تو)

حَتَّى تُرْتَلُوا آيَاتِ التَّوْحِيدِ فِي مُحَافِلِ الْهُدَى وَ

تا بخوانند به لحن نضرع آمیز و زمزمه وار، آیات توحید تو را در محفل های حقیقت-هدایت و

يُرْتَفَعُ ضَجِيجُهُمُ بِالنَّهْلِيِّ وَ النُّكَيْرِ إِلَي

بالا بگردد صدای گریه و زاری آنان با حال نضرع خواندن و تکبیر بسوی

الْمَلَأِ الْأَعْلَى إِنَّكَ أَنْتَ مُؤَيَّدٌ مِنْ تَشَاءِ عَلِي

عالم بالا بدرتیکه تونی تأید کننده کسانیکه-هیکه بخوای بر

مَنْ تَشَاءُ إِنَّكَ أَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ جَع

آنچه می خواهی-بخوای بدرتیکه تونی قوی قدیر

هُوَ اللهُ

اوست خدا

رَبِّ وَرَجَائِي لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا أَنْزَلْتَ

پروردگار من و آرزوی من از برای تو است شایس بر آنچه نازل فرمودی

عَلَيْنَا هَذِهِ الْمَائِدَةُ الرُّوحَانِيَّةُ وَالنَّعْمَةُ

بر ما این غذای روحانی و [این] نعمت

الرِّيَانِيَّةُ وَالْبَرَكَاتُ السَّمَاوِيَّةُ رَبَّنَا وَقَعْنَا عَلَيَّ

رئانی و [این] برکت آسمانی را پروردگارا ما را توفیق ده بر

أَنْ تَطْعَمَ مِنْ هَذَا الطَّعَامِ الْمَلَكُوتِيِّ حَتَّى

اینکه بخوریم از این خوراک-غذای ملکوتی تا

يَكُوبُ جَوْاهِرَهُ اللَّطِيفَةَ فِي أَرْكَانِ وَجُودِنَا

راه یابد جوهرهای لطیفه اش در ارکان وجود

الرُّوحَانِيَّةِ وَتَحْصُلُ بِذَلِكَ الْقُوَّةَ السَّمَاوِيَّةَ

روحانیه ما و حاصل شود بدان وسیله قوت آسمانی

عَلَيَّ خِدْمَتِ أَمْرِكَ وَكَرْوَيْجِ آثَارِكَ وَكَزَيْنِ

بر خدمت امر تو و ترویج آثار تو و تزین

كِرْمِكَ بِأَشْجَارِ بَاسِقَتِ دَائِمَةِ الْقَطْرِ

کرم تو با درختانی بارور و برمیوه سرپائین آورده و رسیده و در دسترس

مُعْطَرَةَ النَّفْحَاتِ إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ إِنَّكَ أَنْتَ

نفحات مُعطره بدوستیکه تویی کریم بدوستیکه تویی

ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ وَإِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

صاحب فضل عظیم و بدستیکه تویی بخشنده مهربان

هُوَ اللهُ

اوست خدا

رَبِّ وَرَجَائِي لَكَ الشُّكْرُ عَلَيَّ هَذِهِ النِّعَمَاءُ

پروردگار من و آرزوی من مُرْتَوِاسْت ستایش، بر این نعمت ها

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ هَذِهِ الْمَوَائِدُ وَالْأَوْلَاءُ رَبِّ

و توراتت سپاس بر این غذا ها_مانده ها و نعمت ها و خورشت ها، پروردگار من

رَبِّ اَعْرِجْ بِنَا اِلَى مَلَكُوتِكَ وَ اجْلِسْنَا عَلَيَّ

پروردگار من بالا بر ما را بسوی عالم حقیقت و بنشان بر

مَوَائِدٍ لَاهُوتِكَ وَأَطْعَمِنَا مِنْ مَائِدَةٍ لِقَائِكَ وَ

(سفر) غذا های لاهوت (عالم علم بینهایت) تو اطعام بفرما مارا از مائده وصال و دیدارت و

أَسْرِكُنَا بِحِلَاوَةِ مُشَاهَدَةِ جَمَالِكَ لِأَنَّ هَذَا

دریاب مارا به شیرینی مشاهده جمال خودت زیرا بدرستی که این

مُنْتَهَى الْمُنَى وَالْمِنْحَةِ الْكُبْرَى وَالْعَطِيَّةِ

نهایت آرزو و [نهایت] بخشش بزرگ و عطای

الْعُظْمَى رَبِّ رَبِّ رَبِّ يَسِّرْ لَنَا هَذَا

عظیم است پروردگار من پروردگار من میسر بفرما برای ما این را

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الْوَهَّابُ

بدرستی که تویی کریم بینهایت بخشنده

وَإِنَّكَ أَنْتَ الْمُعْطِي الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ج

و بدرستی که تویی عطا کننده عزیز رحیم

هُوَ اللَّهُ

اوست خدا

اللَّهُمَّ يَا مَنْ تُجَلِّي عَلَيَّ الْحَقَائِقَ النُّورَاءِ بِنَجَلِي

خدای من ای کی که تجلی فرمودی بیدبار شد بر حقائق نورانی و روشن با تجلی

الْعِلْمِ وَالْهُدَى وَمَيَّزَهَا عَنِ سَائِرِ الْكَائِنَاتِ

دانش و حقیقت و تمیز و جدا فرمود آن را [حقائق نورانی را] از دیگر موجودات

بِهَذِهِ الْمَوْهَبَةِ الْعَظِيمَةِ وَجَعَلَهَا مُحِيطَةً عَلَيَّ

با این موهبت عظیم و قرار فرمودی آنرا محیط بر

كُلِّ الْأَشْيَاءِ تُدْرِكُ حَقَائِقَ الْمَوْجُودَاتِ وَ

همه اشیاء که درک فرماید حقائق موجودات را و

تُخْرِجُ الْأَسْرَارَ الْمَكْنُونَةَ مِنْ حَيْزِ الْغَيْبِ

خارج کند اسرار پنهان را از حیزِ محیطِ جوّ غیب

إِلَى عَالَمِ الْأَثَارِ وَيَخْصُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ

به عالم آثار و اختصاص می دهد برحمتش کسی را که بخواهد

رَبِّ أَيْدِ أَحِبَّائِكَ عَلَيَّ تَحْصِيلِ الْعُلُومِ وَالْفُنُونِ

بروردگار من تأیید فرما دوستانت را بر تحصیل دانش ها و فنون

الشَّيْءِ وَالْإِطْلَاعِ عَلَيَّ الْأَسْرَارِ الْمَخْزُونَةِ

گوناگون و [موتد بدار] بر اطلاع بر اسرار مخزونه

فِي حَقِيقَةِ الْكَائِنَاتِ وَأَطْلَعَهُمْ عَلَيَّ الرُّمُوزِ

در حقیقت کائنات و مطلع فرما آنانرا بر رمزهای

الْمُنْدَمَجَّةِ الْمُنْدَرَجَةِ فِي هَوْنَةِ الْمَوْجُودَاتِ

[موجود در] بطن و متن نهان رمزهای موجود در ذات موجودات

و اجعلهم آياتِ الهدى بين الوري و انوار

و قرار بفرما ایشان را آیات و نشانه های حقیقت بین خلق و نورهای

النهي المثلثة في هذه النشأة الاولى و

عقل و خرد بر و مملوالب دینا در این نشأه اولی و

اجعلهم أدلاء عليك هداة الي سبيلك

قرار بفرما ایشان را دلیل هائی بر خودت اذلتی بر اسم اعظم (هادیان بسوی راه خودت

سُعَاةً اِلَى مَلَكُوتِكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ

شتابندگان به ملکوت بدرستی که توئی مقتدر

الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْقَوِيُّ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ جَع

محیط بر کل بزرگوار قوی کریم عظیم

الشَّاءُ الَّذِي ظَهَرَ مِنْ نَفْسِكَ الْاَعْلَى وَ الْبَهَاءُ

شکروستایش کسی را که ظاهر شد از نفس اعلای تو و نورانیت و جلالی

الَّذِي طَلَعَ مِنْ جَمَالِكَ الْاَبْهَى عَلَيْكَ يَا مَظْهَرَ

که طالع شد از جمال ابهای تو بر تو باد ای محل ظهور

الْكِبْرِيَاءِ وَ سُلْطَانَ الْبَقَاءِ وَ مَلِيكَ مَنْ فِي

کبریای منزلت ترین ذات فوق ممکنات و سلطان باقی و جاودان و صاحب همیشگی کسانی که در

الأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَشْهَدُ أَنْ بِكَ ظَهَرَتْ

زمین و آسمان اند شهادت میدهم بدرستی که بتو ظاهر شد

سُلْطَتُهُ اللَّهُ وَاقْتِدَارُهُ وَعَظَمَتُهُ اللَّهُ وَ

سلطنت خداوند و اقتدار او و بزرگی خداوند و

كِبْرِيَاؤُهُ وَبِكَ أَشْرَقَتْ شُمُوسُ الْقَدَمِ فِي سَمَاءِ

کبریائی او و بتو تابان شد خورشیدهای قدیم در آسمان

الْقَضَاءِ وَطَلَعَ جَمَالَ الْغَيْبِ عَنِ أَفْقِ الْبَدَاءِ وَ

قضا و طالع شد جمال غیب از افق بد(ظهور) دہانت در اثر فضل و موهبت حق و

أَشْهَدُ أَنْ بَحْرَ كُنْزٍ مِنْ قَلَمِكَ ظَهَرَ حُكْمُ

شهادت میدهم بدرستی که بحر کنزی از قلم تو ظاهر شد حکم

الْكَافِ وَالنُّونِ وَبَرَزَ سِرُّ اللَّهِ الْمَكْنُونِ

کاف و نون (کن یعنی باش) در آن حق است که امر به خلق شدن میفرماید او بروز نمود سیرِ پنهانی خداوند

وَبَدَّتْ الْمُمَكِّنَاتُ وَبُعِثَتِ الظُّهُورَاتُ وَ

و ابتدا یافتند ممکنات_عالم وجود و برانگیخته شدند ظهورات و

أَشْهَدُ أَنْ بِجَمَالِكَ ظَهَرَ جَمَالُ الْمَعْبُودِ وَبِوَجْهِكَ

شهادت میدهم بدرستی که بجمال تو ظاهر شد جمال الهی (معبود) و به وجه تو

لَا حَ وَجْهَ الْمَقْصُودِ وَبِكَلِمَتِي مِنْ عِنْدِكَ

آشکار شد وجه مقصود و بکلمه ای از نزد تو

فُضِّلَ شَدِيدًا بَيْنَ الْمُمَكِّنَاتِ وَصَعِدَ الْمُخْلِصُونَ

تفصیل شد_جدا شد بین ممکنات و صعود نمودند_بالا رفتند مخلصین

إِلَى الدَّرَجَةِ العُلْيَا وَالمُشْرُكُونَ إِلَى الدَّرَجَاتِ

به مقام و مرتبه علیا و ناسپاس گوینان به درکات

السُّفْلَى وَ أَشْهَدُ بَانَ مَنْ عَرَفَكَ فَقَدْ عَرَفَ

بست ترین بست و شهادت میدهم باینکه بدرستی کیسه شناخت تو را یقیناً شناخت

اللَّهُ وَ مَنْ فَازَ بِمَلَأَتِكَ فَقَدْ فَازَ بِمَلَأَتِ اللَّهِ

خدا را و کیسه که فایز شد و رسید بدیدار تو یقیناً فایز شد بدیدار خداوند

فَطُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِكَ وَ بآيَاتِكَ وَ خَضَعَ

بس خویشا از برای کیسه ایمان آورد به تو و آیات تو و فروتنی و خضوع کرد

بِسُلْطَانِكَ وَ شَرَفَ بِمَلَأَتِكَ وَ بَلَغَ بِرِضَائِكَ وَ

به ادر برابر سلطان تو و مشرف شد به دیدار تو و رسید و موفق شد به رضای تو و

طَافَ فِي حَوْلِكَ وَحَضَرَ تَلْقَاءَ عَرَشِكَ فَوَيْلٌ

و طائف شد در حول تو و در حضور تو بیدار مشرف شد امرش وجود مظهر امر الله بعثت حمل کلمه الله پس وای

لِمَنْ ظَلَمَكَ وَاتَّكَرَكَ وَكَفَرَ بِآيَاتِكَ وَجَاهَدَكَ

بر کسیکه بتو ظلم کرد و انکار کرد حقانیت تو را و کافر شد با آیات تو و جنگومبارزه کرد

بِسُلْطَانِكَ وَحَارَبَ بِنَفْسِكَ وَأَسْنُكِبُ لَدَيْ

با سلطان تو و جنگ و جدال کرد با نفس تو و خودخواهی و تکبر کرد در نزد

وَجْهِكَ وَجَادَلَ بِبُرْهَانِكَ وَفَرَّ مِنْ حُكُومَتِكَ

تو- جلوی روی تو و جدال کرد بپرهان تو و فرار کرد از حکومت تو

وَاقْتَدِرْ أَمْرِكَ وَكَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فِي الْوَحْدَانِ

و اقتدار تو و بود از مشرکین در الواح

الْقُدُسِ مِنْ أَصْبَحِ الْأَمْرِ مَكْتُوبًا يَا إلهي وَ

قدس از انگشتان امر (بدست امر) نوشته شده پس ای معبود من و

مَحْبُوبِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ عَنِ يَمِينِ رَحْمَتِكَ وَ

محبوب من پس بفرست بسویم از یمن رحمت و

عِنَايَتِكَ نَفْحَاتِ قُدُسِ الطَّافِكِ لِتَجِدَنِي عَنِ نَفْسِي

عنايتت نفعات (بادهای) قدس الطافت را تا جذب کند مرا تا از نفس وجود خودم

وَ عَنِ الدُّنْيَا إِلَى شَطْرِ قُرْبِكَ وَلِقَائِكَ أَنْتَ

و از دنیا بجانب نزدیکی و دیدار تو بدرستی که توئی

الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ كُنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا

مقتدر بر آنچه میخواهی و بدرستی که بودی (بوده ای) بر هر چیز احاطه دارنده

عَلَيْكَ يَا جَمَالَ اللَّهِ تَنَاءُ اللَّهِ وَذِكْرُهُ وَبِهَاءُ اللَّهِ

بر توباد ای جمال خدا تنای خدا و ذکر او و بهاء الله نورانیت و جلال خدا

و نُورُهُ أَشْهَدُ بَانَ مَا رَأَتْ عَيْنُ الْإِبْدَاعِ

و نور او شهادت میدهم باینکه بدرستی ندید چشم آفرینش

مَظْلُومًا شَبِهُكَ كُنْتُ فِي أَيَّامِكَ فِي غَمَرَاتِ

مظلومی شبیه تو را بودی در روزهای خود در دریای

الْبَلَايَا مَرَّةً كُنْتُ تَحْتَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ

بلایا و مصیبتها، دفعه، بودی زیر زنجیرها و غلها

و مَرَّةً كُنْتُ تَحْتَ سَيْوفِ الْأَعْدَاءِ وَمَعَ كُلِّ

و دفعه، بودی زیر شمشیرهای دشمنان و با وجود همه

ذَلِكَ أَمَرْتُ النَّاسَ بِمَا أَمَرْتُ بِهِ مِنْ لَدُنِّ عَلِيمٍ

آن امر فرمودی مردم را بآنچه امرشدهی بدان از نزد علیم

حَكِيمٍ رُوحِي لِضُرِّكَ الْفِدَاءُ وَ نَفْسِي لِبِلَاتِكَ

حکیم روح من از برای ضرری که تحمل فرمودی فدا باد و نفس من برای بلای تو که تحمل فرمودی

الْفِدَاءُ أَسْأَلُ اللَّهَ بِكَ وَ بِالَّذِينَ اسْتَضَاءَتْ

فدا باد از خداوند مسئلت دارم بتو و بآنانی که روشن شد

وَجُوهَهُمْ مِنْ أَنْوَارِ وَجْهِكَ وَ اتَّبَعُوا مَا

روپهایشان از نورهای وجه تو و پیروی کردند آنچه که

أَمَرُوا بِهِ حُبًّا لِنَفْسِكَ أَنْ يَكْشِفَ السُّبْحَاتِ

امر شدند به آن از برای دوستی وجود تو اینکه برداری برده هائی

الَّتِي حَالَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَيَرْزُقُنِي خَيْرَ

که واقع شد بین تو و بین خلق تو و مرزوق بدارى مرا خير

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِي

دنیا و آخرت را بدرتيکه توئی مقتدر متعالی

الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إلهي

عزیز غفور رحیم درود و برکت عنایت فرما آی معبود من

عَلِي السِّدْرَةِ وَأَفْرَاقِهَا وَأَغْصَانِهَا

بر این درخت و برگهایش و شاخه هایش (از خانواده جمال مبارک)

وَأَفْنَانِهَا وَأَصُولِهَا وَقُرُوعِهَا بِدَوِّ أَسْمَائِكَ

و شاخه هایش (از خانواده حضرت رب اعلى) و ریشه ها و شاخه های آن بدوام اسمهای

الْحُسْنَىٰ وَصِفَاتِكَ الْعُلْيَا ثُمَّ احْفَظْهَا مِنْ شَرِّ

حُضَيْتِ و صفت های عالیای پس حفظ بفرما آنرا از شر و فتنه

الْمُعْتَدِينَ وَجُنُودِ الظَّالِمِينَ إِنَّكَ أَنْتَ

دشمنان و لشکریان ستمکار بدرستی که تویی

الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إلهي عَلَيَّ

مقتدر قدیر درود و برکت فرست ای خدای من ای معبود من بر

عِبَادِكَ الْفَائِزِينَ وَآمَانِكَ الْفَائِزَاتِ

بندگان فایز خودت و کنیزان (خانهای بهائی) فایزده (به مقصود رسیدگان) خودت

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

بدرستی که تویی کریم صاحب فضل عظیم (بزرگ) زیاد

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ

نیست معبودی جز تو که غفور کریم میباشی

این مناجات را هر نفسی بکمال تضرع و ایتهاال بخواند سبب روح و ریحان

قلب این عبد گردد و حکم ملاقات دارد.

هُوَ الْأَبْهِيُّ

اوست نورانی ترین - پیر جلال ترین

إِلَهِي إِلَهِي إِنِّي أَبْسُطُ إِلَيْكَ أَكْفَ النَّضْعِ وَ

معبود من معبود من بدرستی که من باز میکنم بسوی تو دستهای زاری و

النُّبْلِ وَالْإِبْنِهَالِ وَأَعْفِرُ وَجْهِي بِرُءُوسِ

ببقاری و گریه زاری را و میسایم - میمالم رویم را به خاک

عَبْتَهُ تَقَدَّسَتْ عَنْ إِسْرَافِكِ أَهْلِ الْحَقَائِقِ

عَبْتَهُ - آستانه ای که مقدس بوده از درک و فهم صاحبان حقایق

وَالنُّعُوتِ مِنْ أَوْلِي الْأَبَابِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيَّ

و تعریف از صاحبان عقل و درایت اینکه نظر بفرمائی به

عَبْدِكَ الْخَاضِعِ الْخَاشِعِ بِيَابِ أَحَدِيكَ بِلِحْظَاتِ

بنده ات که خاضع خاشع (فروتن) بیاب بکتائی تو است به نگاههای

أَعْيُنِ رَحْمَانِيكَ وَ تَعْمُرُهُ فِي بَحَارِ رَحْمَتِهِ

چشمان رحمانیت خودت و فروری او را در دریاهای رحمت

صَمَدَاتِيكَ أَي رَبِّ انْتِ عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ

صمدانیت خودت ای پروردگار من بدرستی که او بنده ندارم بیچاره فقیر

وَرَقِيقَتِكَ السَّنَائِلُ الْمُتَضَرِّعُ الْأَسِيرُ مُبْتَهَلٌ إِلَيْكَ

و بنده سئوال کننده متضرع اسیر تو است گریه و زاری کننده بسوی تو

مُوَكَّلٌ عَلَيْكَ مُتَضَرِّعٌ بَيْنَ يَدَيْكَ يُنَادِيكَ وَ

توکل کننده بر تو زاری کننده بین دستان تو (در حضور تو) ندا میکند تو را و

يُنَاجِيكَ وَيَقُولُ رَبِّ أَيْدِنِي عَلَيَّ خِدْمَتِي

با تو نجوی و راز و نیاز میکند و میگوید پروردگاری من کمک بفرما مرا بر خدمت

أَحِبَّائِكَ وَقَوِيَّ عَلَيَّ عَبْدِيَّةَ حَضْرَةَ أَحَدِيْنِكَ

دوستانت و قوی فرما مرا بر بندگی حضرت یکتائیت

و تَوَرَّجْتَنِي بِأَنْوَارِ النَّعْبُدِي فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ

و نورانی بفرما پیشانی مرا به نورهای بندگی داشتن در آستان مقدست

وَالنَّبْتُ إِلَى مَلَكَوتِ عَظَمَتِكَ وَحَقَّقْتَنِي بِالْفَنَاءِ

وگره زاری کردن بسوی عالم حقیقت بزرگواریت و محقق بفرما مرا - مصداق بده بفتنا و نیستی

فِي فِنَاءِ بَابِ الْوَهِينِ وَأَعْنِي عَلَيَّ الْمُوَظِنَةَ

در آستانه باب پروردگاری و معبودیت خودت و عنایت بفرما بر من بر مواظبت

عَلَيَّ الْإِنْعَادِ أَمْرِي فِي رَحْبَةِ رَبُّوَيْتِكَ أَيَّ رَبِّ

بر نیست شدن در پیشگاه پروردگاریت ای پروردگار من

اسْقِنِي كَأْسَ الْفَنَاءِ وَالْبِسْنِي تَوْبَ الْفَنَاءِ وَأَغْرِقْنِي

بنوشان مرا جام فنا و ببوشان به من جامه فنا و غرق بفرما مرا

فِي بَحْرِ الْفَنَاءِ وَاجْعَلْنِي غُبَارًا فِي مَمَرِ الْأَحْبَاءِ

در دریای فنا و قرار بفرما مرا غباری در محل گذر احباء

وَاجْعَلْنِي فِدَاءً لِلْمَرَضِ الَّتِي وَطِئْتُهَا أَقْدَامُ

و قرار بفرما مرا فیدای زمینی که قدم گذاشته شده در روی آن [زمین] قدمهای

الْأَصْفِيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَالْعُلْيٰ

برگزیدگان در راه تو ای پروردگار بزرگواری و مقام ارجمند

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمُتَعَالِ هَذَا مَا يُنَادِيكَ

بدرستی که تویی کریم متعال_فوق همه این آنچه تو را ندا میکند

بِهَذَا الْعَبْدُ فِي الْبُكُورِ وَالْأَصَالِ أَي رَبِّ

به آن، این بنده در صبحگاهان و شامگاهان ای پروردگار

حَقِّ أَمَلِهِ وَتَوَرُّؤُسِ امْرَأَةٍ وَأَشْرَحِ صَدْرِي

بحقیقت پیوند آرزوهایش را و نورانی فرما رازهای دلش را و گشاده فرما سینه اش را

وَأَوْقَدِ مِصْبَاحَهُ فِي خِدْمَتِنَا أَمْرِكِ وَعِبَادِكِ

و برافروز چراغش را در خدمت امرت و بندگانت

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْوَهَّابُ

بدرستیکه تویی کریم رحیم بینهایت بخشنده

وَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ الرَّحْمَنُ جُمِعَ

و بدرستیکه تویی بزرگوار مهربان بخشنایده

يَا رَبَّنَا الْأَعْلَى تَسْتَلِكُ بِحَقِّ دَمِكِ الْمَرَشُوشِ عَلَيَّ

ای رب اعلیٰ (جل ذکره الاعلیٰ) از تو شوال میکنم بحق و حقیقت خونِ مطهرِ ریخته شده خودت بر

النُّسَابِ بَانَ تَجِبُ دُعَاؤُنَا وَ تَحْفَظُنَا فِي صَوْنِ

خاک باینکه اجابت و قبول بفرمائی دعای ما را و اینکه حفظ بفرمائی ما را در حفظ

حَمَايِنِكَ وَكَلَانِكَ وَتُمْطِرَ عَلَيْنَا سَحَابَ جُودِكَ

حمایت خودت و حفظ خودت و بیاری بر ما ابر بختت را

وَإِحْسَانِكَ وَتُوَيْدِنَا وَتُوَفِّقُنَا عَلَي السُّلُوكِ فِي

و احسانت را و مومئد بدارى ما را و موفق بفرمانى ما را بر سلوك و رفتار در

سَبِيلِكَ وَالنَّمْسِكَ بِجَبَلٍ وَلائِكَ وَإِثْبَاتِ حُجَّتِكَ

راه خودت و تمسك و چسیدن بر پيمان دوستى خودت و ثابت كردن حجت خودت

وَإِنِّشَارِ آثَارِكَ وَكَرْفَعِ شَرِّ أَعْدَائِكَ وَالنَّخْلُوقِ

و نشر دادن آثارت و از بين بردن شر دشمنانت و خنلق و خوبى كردن

بِأَخْلَاقِكَ وَإِعْلَانِ أَمْرِ مَحْبُوبِكَ الْإِلَهِيِّ الَّذِي

باخلاق خودت و اعلان امر محبوب خودت كه محبوب آلهای توست كه

فَدَيْتَ نَفْسَكَ فِي سَبِيلِهِ وَمَا تَمَنَيْتَ إِلَّا الْقَتْلَ

فدا فرمودی خودت را در راهش و تمنائی نفرمودی مگر کشته شدن

فِي مَحَبَّتِهِ أَغْنَانِيَا مَحْبُوبِنَا الْأَعْلَى وَأَشَدُّ أَرْوَاقِنَا

در راه محبت او بفریاد ما برس ای محبوب اعلای ما و محکم فرما پست های (کمرهای) ما را

و تَبَّتْ أقدامنا و اغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا

و ثابت و بابر جا بفرما قدمهای ما را و ببخشا گناهان ما را و بیوشان از ما

سَيِّئَاتِنَا وَ اَطْلِقِ السِّنِينَ بِمَحَامِدِكَ وَ نَعُوْتِكَ وَ

گناهان ما را و گویا بفرما زبانهای ما را بجمد و تنای خودت و وصف و تعریف خودت و

كُلِّ اَعْمَالِنَا وَ مَجْهُودَاتِنَا بِاِكْلِيكَ قَبُولِكَ وَ

بنجاح قبول مزین فرما اعمال ما و فعالیتها و کوشش های ما را برزبور و تاج قبول خودت و

رِضَائِكَ وَاجْعَلْ خَاتِمَةَ حَيَاتِنَا مَا قَدَّرْتَهُ

رضای خودت و قرار بده خاتمه حیات و زنده بودن ما را آنچه که مقدر فرمودی

لِلْمُخْلِصِينَ مِنْ بَرِيئِكَ وَاجْرِنَا فِي جِوَارِ

برای بندگان مخلص از خلقت و پناه ده ما را در جوار

رَحْمَتِكَ وَادْخِلْنَا فِي فِضَاءِ أَنْوَارِ قُرْبِكَ وَ

رحمت خودت و داخل فرما ما را در فضای انوار نزدیکی خودت و

احْشُرْنَا مَعَ الْمُقْرَبِينَ مِنْ أَحْبَبِكَ وَقَدِّرْ لَنَا

محشور و معاشر فرما ما را با نزدیکانی که از دوستان نزدیک تو اند و مقدر فرما برای ما

الْوُقُودَ عَلَيْكَ وَرَتِّحْنَا بِصَهْبَاءِ لِقَائِكَ وَأَخْلِدْنَا

بمحضور رسیدن خودت را و سرمست فرما ما را بشراب ناب دیدارت و جاودان فرما ما را

فِي حَدَائِقِ قُدْسِكَ وَآمِزُ قَنَاكُلَ خَيْرٍ قَدَرْتَهُ

در باغهایِ قُدسِ خودت و مرزوقِ بفرما ما را همه خیرِی را که مقدر فرمودی

فِي مَلَكَوَتِكَ يَا مُغِيثَ الْعَالَمِينَ.

در ملکوتِ خودت ای فریاد رَسِ عالمها (آنایکه در عالمها هستند)

بنده آستانش شوقی

هُوَ الْعَلِيمُ الْفَضَالُ

اوست بینهایت دانایِ بخشنده

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ

یاک و مقدسی تو ای خدایِ من ای معبودِ من از تو سؤال میکنم باسمِ اعظمِ تو

أَنْ تَجْعَلَنِي فَائِزًا بِمَا أَنْزَلْتَنِي فِي كِتَابِكَ الْمُبِينِ

اینکه قرار دهی مرا رسیده کامیاب بآنچه فرو فرستادی او را در کتابت که آشکار است

إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

بدرستی که توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان

هُوَ الْمُسْتَفِقُ الْكَرِيمُ

اوست مهربان دلسوز کریم

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ الْكُبْرَى

یاک و مقدسی تو ای معبود من از تو سؤال میکنم بآیه های کبرایت

فَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَيْبِي

پس یاک و مقدسی ای خدای من از تو سؤال مینمایم باسم اعظم تو که نورانی ترین است

أَنْ تُؤَفِّقَنِي عَلَيَّ خِدْمَتِهِ أَمْرِكِ

اینکه موفق فرمائی مرا بر خدمت امر خودت

إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بدرستی که تویی بینهایت آمرزنده بخشاینده.

وَأَمْرُكَ أَنْ تَذَكِّرَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ الَّذِينَ

و خواستیم اینکه ذکر اباد کنیم دوستان الهی و احبای او را آنانی را که

صَعِدُوا إِلَيَّ الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مِنَ الذُّكُورِ

صعود نمودند به رفیق اعلی از مردان

وَ الْإِنَاثِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْفَضْلُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

و زنان بدرستی که پروردگار توست بینهایت دارای فضل آمرزنده مهربان

الْبِهَاءِ الَّذِي أُشْرِقَ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ الْعَطَاءِ عَلَيْكُمْ

نورانیّت و جلالی که تابان شد از افق مقام ارجمند عطا بر شما باد

يَا أَهْلَ الْبِهَاءِ أَنْتُمُ الَّذِينَ مَا تَقَضُّنَّ مِيثَاقَ اللَّهِ

ای اهل بهاء (بهائیان) شما آنانی هستید که نشکستید پیمان خداوند

وَعَهْدَهُ أَقْبَلْتُمْ وَاعْتَرَفْتُمْ بِظُهُورِهِ وَعَظَمْتُمْ

و عهد او را که با او بستید، روی آوردید و اعتراف نمودید بظهور او و بزرگی او

وَسُلْطَانِهِ وَقُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ وَاقْتَدَارِهِ طُوبَىٰ

و سلطان او و قوت او و قدرت او و اقتدار او خوشا

لَكُمْ وَنَعِيمًا لَكُمْ بِمَا فَرْتُمْ بِأَثَارِ الْقَلَمِ الْأَعْلَىٰ

از برای شما و بهشت از برای شما باد بدان سبب که فائز شدید (رسیدید) به [زیارت] آثار قلم اعلیٰ

قَبْلَ صُعُودِكُمْ وَ بَعْدَ صُعُودِكُمْ إِلَى الْأَفْقِ

قبل از صعودتان و بعد از صعودتان به افق

الْأَعْلَى تَسْئَلُ اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ وَيُكَفِّرَ

اعلی از خداوند مسئلت مینمایم اینکه ببخشد شما را و ببوشاند و رفع فرماید

عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ سَحَابٍ

از شما گناهانتان را و نازل بفرماید بر شما از ابر

سَمَاءٍ كَرِيمَةٍ أَمْطَارٍ رَحِيمَةٍ وَيُقَدِّسَ لَكُمْ مَا

آسمانِ کرمش بارانهای رحمتش را و مقدّر فرماید برایتان آنچه را که

يُرِيْتُمْ بِطَرِيقِ الْفَرَجِ وَالْإِبْتِهَاجِ

مزیّن بفرماید شما را بزبور سرور و شادمانی

إِنَّهُ هُوَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ

بدرستی که اوست مقتدر بر آنچه بخواهد

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

نیست معبودی مگر او که بینهایت بزرگوار آمرزنده است

بشارت تُهم باید عاصی در حالتیکه از غَیْرِ اللَّهِ خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلبِ مَغْفِرَتٍ و آمرزش کند نزد عبادِ اِظْهَارِ خَطَايَا و معاصی جائز نه چه که سبب و علتِ آمرزش و عفو الهی نبوده و نیست و همچنین این اقرار نزد خلق سببِ حِقَارَتٍ و ذِلَّتٍ است و حَقَّ جَلَّ جَلَالُهُ ذِلَّتِ عِبَادِ خود را دوست ندارد.

إِنَّهُ هُوَ الْمُشْفِقُ الْكَرِيمُ

عاصی باید مابین خود و خدا از

بدرستی که اوست مهربان کریم

بِحَرَمَتِ رَحْمَتِ رَبِّهِ و از سَمَاءِ كَرَمٍ. مَغْفِرَتٍ مَسْئَلَتِ كُنْدٍ و عَرْضِ نَمَائِدِ:

إِلَهِي إلهي أَسْئَلُكَ بِدِمَائِ عَاشِقِيكَ الَّذِينَ

معبود من معبود من از تو سئوال مینمایم بخونهای عاشقان تو آنانیکه

اجْتَذَبَهُمْ بِرِيَانِكَ الْأَحْلِي بِحَيْثُ قَصَدُوا الذَّرْفَةَ

جذب نمودشان بیان تو که شیرین ترین است تا بجاییکه قصد نمودند مقام و مرتبه

الْعُلِيَا مَقَرَّ الشَّهَادَةَ الْكُبْرَى وَبِالْأَسْرِ

علیا را که قرارگاه شهادت کبری میباشد و به اسرار

الْمَكْنُونَةِ فِي عِلْمِكَ وَبِاللَّيْلِ الْمَخْرُوتَةِ

پوشیده در علمت و لولوهای امرواریدهای معنوی اخزیننه شده

فِي بَحْرِ عَطَائِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ لِأَبِي وَ أُمِّي

در دریای عطایت اینکه ببخشی و مورد غفران قرار دهی مرا و پدرم را و مادرم را

وَإِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و بدوستیکه توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان هستی نیست معبودی مگر تو که

الْغُفُورُ الْكَرِيمُ أَيُّ رَبِّ تَرِي جَوْهَرَ الْخَطَاءِ

بینهایت آمرزنده کریم میباشی ای پروردگاری می بینی این جوهر خطارا

اقْبَلْ إِلَيَّ بِحَرِّ عَطَائِكَ وَالضَّعِيفَ مَلَكَوْتِ

که روی آورد به دریای عطای تو و این ناتوان را که به عالم حقیقت

اقْتَدِرْ تَوَلَّى أورد] و این فقیر بی چیز را که [روی آورد به] آفتاب بی نیازی تو. ای پروردگار من

لَا تُخَيِّبُهُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَلَا تَمْنَعُهُ عَن فَيُوضَاتِ

محروم و ناامیدش مفرما بجد خودت و کرم خودت و او را منع مفرما از فیوضات

أَيَامِكَ وَلَا تَطْرُدَهُ عَنِ بَابِكَ الَّذِي فَتَحْتَهُ

ایامت و رد مفرما از بابت که گشودی آنرا

عَلَيَّ مِنْ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ أَلَا أَلِ خَطِيئَاتِي

بر گناهی که در زمین تو و آسمان تو آید، آه آه خطاهای من

مَنْعَتِي عَنِ التَّقَرُّبِ إِلَيَّ بِسَاطِ قُدْسِكَ وَ

منع کرد مرا از نزدیک شدن به بساطِ قدس تو و

جَرِيدَاتِي أَبْعَدْتَنِي عَنِ النَّوْجِ إِلَى خِيَابِ مَجْدِكَ

گناهان من دور کرد مرا از روی آوردن به خیمه مجد تو

قَدْ عَمِلْتُ مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَتَرَكْتُ مَا أَمَرْتَنِي

عمل و رفتار کرده ام آنچه را نهی فرمودی از آن و ترك کردم آنچه را که امر فرمودی مرا

بِهِ أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِ الْأَسْمَاءِ أَنْ تَكْتُبَ لِي

بدان سؤال میکنم از تو به سلطان اسمها (حقائق) اینکه مرقوم بفرمائی برای من

مِنْ قَلَمِ الْفَضْلِ وَالْعَطَاءِ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ

از قلم فضل و عطا آنچه که نزدیک میکند مرا بسوی تو و

يُطَهِّرُنِي عَنْ جَرِيرَاتِي الَّتِي حَالَتْ بَيْنِي وَ

طاهرم (پاکم) نماید از گناهانم که واقع شد بین خودم و

بَيْنَ عَفْوِكَ وَغَفْرَانِكَ أَنْتَ الْمُتَّقِي

بین عفو تو و غفران تو بدرستی که تو می

الْفَيَاضُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْفَضَالُ

بینهایت فیض بخش نیست معبودی جز تو که بینهایت بزرگواری فضل کننده ای

هُوَ الْعَزِيزُ الْمَنَّانُ

اوست بینهایت بزرگوار دارای لطف

يَا إِلَهَ الرَّحْمَنِ وَالْمُقْتَدِرِ عَلَيَّ الْأَمَّكَانِ

ای معبود مهربان و مقتدر بر عالم وجود

تَرِي عِبَادَكَ وَأَرْقَانِكَ الَّذِينَ يَصُومُونَ فِي

می بینی بندگانت و بندگان خود را آنانی که روزه میگیرند در

الْأَيَّامِ بِأَمْرِكَ وَإِمْرَانِكَ وَيَقُومُونَ فِي الْأَسْحَارِ

این روزها بنا بامر تو و اراده و خواست تو و برمیخیزند و قیام میکنند در صحرها

لِلذِّكْرِ وَتَنَائِكَ مَرَجَاءَ مَا كُنْزِي فِي كَنَائِي فَضْلِكَ

برای ذکر و تنای تو بآرزوی آنچه که در گنج پنهان در خزینه های گنج فضلت

وَ خَزَائِنِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ

و خزینه های بخشش تو و کرم تو نهاده شده سؤال میکنم امی طلبه از تو ای کسیکه

بِيَدِكَ زِمَامُ الْمُمْكِنَاتِ وَ فِي قَبْضِكَ مَلَكُوتُ

بدست توست اختیار ممکنات و در دست قدرت توست عالم حقیقت

الْأَسْمَاءِ وَ الصِّفَاتِ بَانَ لَا تَحْرِمُ عِبَادَكَ عَنْ

حقائق و صفات باینکه محروم نفرمائی بندگانت را از

أَمْطَارِ سَحَابِ رَحْمَتِكَ فِي أَيَّامِكَ وَ لَا تَمْنَعُهُمْ

بارانهای ابر رحمت خودت در ایام خودت و منع مسازی آنانرا

عَنْ مَرَشَحَاتِ بَحْرِ رِضَائِكَ أَيُّ رَبِّ قَدْ شَهِدَتْ

از ریزش های دریای رضای خودت ای پروردگار من گواهی داده اند

الذراتُ بِقُدْرَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ الْآيَاتُ

ذرات بقدرت و سلطان تو، و آیات

بِعِظَمِكَ وَ اقْتِدَارِكَ فَارْحَمْنَا إِلَهَ الْعَالَمِ وَ

به بزرگی تو و اقتدار تو پس رحم فرما ای معبود عالم و

مَالِكِ الْقَدَمِ وَ سُلْطَانَ الْأُمَمِ عِبَادِكَ الَّذِينَ

صاحب قدم و سلطان انبیا بندگانت آنانی را که

تَمَسَّكَوْا بِحَبْلِ أَمْرِكَ وَ خَضَعُوا عِنْدَ ظُهُورَاتِ

چسبیدند بر پیمان اوامر و فرمایشات تو و خاضع شدند نزد ظهورات

أَحْكَامِكَ مِنْ سَمَاءِ مَشِينِكَ أَي رَبِّ تَرِي

احکام تو از مقام ارجمند اراده تو ای پروردگار من می بینی

عِيُونُهُمْ نَاطِرٌ إِلَىٰ أَفُقِ عِنَايَتِكَ وَقَلُوبُهُمْ مُتَوَجِّهَةٌ

چشمانشان را که نظر انداخته اند به افقِ عنایت تو و دلهایشان را که متوجه

إِلَىٰ بُحُورِ الطَّافِكَ وَأَصْوَاتُهُمْ خَاشِعَةٌ لِّدُنَائِكَ

به دریاهای الطافِ توست و صدایشان را که خاشعِ ندی

الْأَحْلَى الَّذِي أَرْفَعَهُ مِنَ الْمَقَامِ الْأَعْلَى

شیرین‌شیرین ترین توست که بالا گرفت از مقام بالاترین و عالی ترین

بِسْمِكَ الْإِلَهِيِّ أَيُّ رَبِّ فَانصُرْ أَحَبِّكَ الَّذِينَ

باسم نورانی ترین و برجلال ترین تو ای پروردگار من بس یاری بفرما دوستانت را که

بَدَدُوا مَا عِنْدَهُمْ رَجَاءَ مَا عِنْدَكَ وَأَحَاطَ بِهِمْ

انداختند آنچه نزدشان بوده بآرزوی آنچه که نزد توست و احاطه کرد آنانرا

البَّاسَاءُ وَالضَّرَاءُ بِمَا أُغْرَضُوا عَنِ الْوَرِيِّ وَ

نی چیزی ونداری و مریضی و حال زار بدان سبب که روی گرداندند از خلق و

أَقْبَلُوا إِلَيَّ الْأَقْبُ الْأَعْلَى أَي رَبِّ أَسْأَلُكَ بِأَنَّ

روی آوردند به عالی ترین افق ای پروردگار من از تو سؤال میکنم باینکه

تَحْفَظُهُمْ مِنْ شُؤْنَاتِ النَّفْسِ وَالْهَوِيِّ وَتُوَعِّدُهُمْ

حفظ و نگهداری بفرمانی آنان را از حالات میل و هوای نفسانی و تأیید بفرمانی آنانرا

عَلَيَّ مَا يَنْفَعُهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى أَي رَبِّ

بر آنچه که فایده رساند آنانرا در آخرت و این دنیا ای پروردگار من

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوفِ الَّذِي يُنَادِي

سؤال میکنم از تو باسم تو که پوشیده شده و خزینه شده است که ندای می فرماید

بِأَعْلَىٰ النَّدَاءِ فِي مَلَكَوَاتِ الْأَنْشَاءِ وَيَدْعُوكُمْ

به اعلیٰ ند در ملکوت آفرینش و میخواند دعوت می فرماید

الْكُلِّ إِلَىٰ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ وَالْمَقَامِ الْأَقْصَىٰ

همگی را به سدره منتهی - آخرین درخت حضرت نبأ که جل ذکره الاغلی اوتیقه دورترین امظهر کلیه الهیه

بِأَنَّ تَنْزِيلَ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِكَ مِنْ أَمْطَارٍ

باینکه فرو فرستی بر ما و بر بندگانت از بارانهای

سَحَابٍ رَحْمَتِكَ لِيُطَهِّرَنَا عَنْ ذِكْرِ غَيْرِكَ وَ

ابر رحمت تا ما را پاک و طاهر می سازد از ذکر غیر خودت و

يُقَرِّبُنَا إِلَىٰ شَاطِئِ بَحْرِ فَضْلِكَ أَيُّ رَبِّ فَكَتَبَ

نزدیک سازد ما را به ساحل و کنار دریای فضلت ای پروردگار من پس مرقوم بفرما

لَنَا مِنْ قَلَمِكَ الْأَعْلَى مَا يَبْقَى بِهِ أَرْوَاحُنَا

برای ما از قلم اعلایت آنچه را که باقی بماند بدان روحهای ما

فِي جَبْرُوتِكَ وَأَسْمَانُنَا فِي مَلَكُوتِكَ وَأَجْسَادُنَا

در جبروت تو و اسمهای ما در ملکوت اداء حقیقت، و جسدهای ما را

فِي كِنَانِ حِفْظِكَ وَأَجْسَامُنَا فِي خَزَائِنِ عِصْمِكَ

در گنزها و مخزنهای حفظ خودت و جسمهای ما را در خزینه های حفظ خودت

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ

بدرستی که تویی مقتدر بر آنچه بود و آنچه میباشد

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيِّمِنُ الْقَيُّومُ أَيُّ رَبِّ

نیست معبودی مگر تو که محیط بر کل برپادارنده و همیشه پایدار میباشی ای پروردگار من

تَرِي أَيَادِي الرِّجَاءِ مِنْ نَفْعَتِنَا إِلَى سَمَاءِ جُودِكَ

می بینی دستهای آرزو را که با نرفتن به مقام ارجمند جود تو

وَ كَرَمِكَ أَسْأَلُكَ بَانَ لَا تُرْجِعُهَا إِلَّا بِكُنُوزِ

و کرم تو از تو خواهش دارم باینکه برنگردانی آن دستها را مگر بگنج های

عَطَائِكَ وَ إِحْسَانِكَ أَي رَبِّ فَكُتِّبْ لَنَا وَ

عطایت و احسانت ای پروردگهار من پس مرقوم فرما از برای ما و

لِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا كَلِمَةَ الْغُفْرَانِ ثُمَّ اقْضِ لَنَا

از برای پدران ما و مادران ما کلمه غُفران و آمرزش را سپس حکم جاری بفرما از برای ما

مَا أُرْكَدْنَا مِنْ طَمَاطِمِ فَضْلِكَ وَ مَوَاهِبِكَ ثُمَّ

آنچه را که خواستیم آنرا از میانه دریای مواجِ فضلت و موهبتهایت آنگاه

اقْبَلْ مِنَّا مَحْبُوبًا مَا عَمَلْنَا فِي سَبِيلِكَ أَنْتَ أَتَى

قبول فرما از ما ای محبوب ما آنچه که عمل کردیم آنرا در راه تو بدرستی که توئی

الْمُقْتَدِرِ الْمُتَعَالِيِ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ الْغُفُورِ الْعَطُوفِ.

مقتدر متعالی فوق همه فرد یکتا بینهایت آمرزنده بینهایت مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ الْأَبْهِيِّ

به نام خداوند اقدس اَبهی

يَا إلهِي هَذِهِ أَيَّامٌ فِيهَا فَرَضْتَ الصِّيَامَ عَلَيَّ

ای معبود من این روزها روزهایی است که در آن واجب فرمودی روزه و روزه داری را بر

عِبَادِكَ وَبِمِ طَرِزَتِ دِيْبَلَجِ كِتَابِ أَوْ أَمْرِكَ بَيْنَ

بندگان و بدان وسیله زینت دادی چهره کتاب اوامرت را بین

بَرِّئِكَ وَزَيْنَتِ صَحَائِفِ أَحْكَامِكَ لِمَنْ فِي

آفریده ات و زینت ددی کُتُب و نوشته ها و آثار احکامت را از برای کسانی که در

أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ وَاخْتَصَصْتَ كُلَّ سَاعَةٍ مِنْهَا

زمین و آسمان تو را و اختصاص دادی هر ساعتی از آنرا

بِفَضِيلَتِكَ لَمْ يَحِطْ بِهَا إِلَّا عِلْمُكَ الَّذِي أَحَاطَ

به برتری که احاطه نداشته بآن مگر دانش خودت که احاطه نموده

الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا وَقَدَّرْتَ لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهَا نَصِيبًا

اشیاء را کُلًّا و مقدار معینی تعیین فرمودی از برای هر نفسی از آن نصیبی

فِي لَوْحٍ قَضَائِكَ وَزُبُرٍ تَقْدِيرِكَ وَاخْتَصَصْتَ

در لوح قضایات و نوشتجات تقدیرت و اختصاص دادی

كُلَّ وَرَقَةٍ مِنْهَا بِحِزْبٍ مِنَ الْأَحْزَابِ وَ

هر ورقی از آنرا بدسته ای از دستجات و گروهها و

قَدَرْتِ لِلْعُشَّاقِ كَأْسَ ذِكْرِكَ فِي الْأَسْحَارِ

مقدر فرمودی از برای عاشقان جام ذکر خودت را در سحرها

يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَوْلَيْكَ عِبَادٌ أَخَذَهُمْ سُكْرُ

ای پروردگار و پرورنده پرورندگان آنان بندگانی اند که گرفت آنانرا مستی

خَمْرٍ مَعَارِفِكَ عَلِيَّ شَأْنٍ يَهْرُبُونَ مِنَ الْمَضَاجِعِ

شراب معارف و دانستههای تو بر حالتی که می گریزند از خوابگاهان

شَوْقًا لِذِكْرِكَ وَ تَنَائِكَ وَ يَفِرُّونَ مِنَ النَّوْمِ

از روی شوقی ذکر و تنای تو و فرار میکنند از خواب

طَلِبًا لِقُرْبِكَ وَعِنَايَتِكَ لَمْ يَزَلْ طَرَفُهُمْ إِلَى مَشْرِقِ

برای طلب قرب و نزدیکی بتو عنایت تو همیشه چشم و نگاهشان به محل تابش

الطَّفَانِكِ وَ وَجْهَهُمْ إِلَى مَطْلَعِ الْهَامِكِ فَأَنْزَلَ

الطاف تو است و روشن به محل الهام تو است پس فرو فرست

عَلَيْنَا وَعَلَيْهِمْ مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِكَ مَا يَنْبَغِي

بر ما و بر ایشان از ابر رحمت آنچه که سزاوار

لِسَمَاءِ فَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي هَذِهِ

مقام ارجمند فضلت و کرمت میباشد باک و مقدسی تو ای معبود من این

سَاعَةً فِيهَا فَدَخَتْ أَبْوَابَ جُودِكَ عَلَيَّ وَ جَمِ

ساعت، ساعتی است که در آن باز فرمودی درهای بخشش را بر وجه (روی)

بَرِّئِكَ وَ مَصَارِعَ عَنَائِكَ لِمَنْ فِي أَرْضِكَ

آفریده ات و ابواب عنایت را از برای کسانی که در زمین تو اند

أَسْأَلُكَ بِالذِّينِ سَفِكَ دِمَائِهِمْ فِي سَبِيلِكَ

از تو خواهش دارم قسم به آنانی که ریخته شد خونهایشان در راه تو

وَ انْقَطَعُوا عَنِ كُلِّ الْجِهَاتِ شَوْقًا لِلِقَائِكَ

و جدا شدند از هر جهت اجتهت ها و طرف ها برای شوق دیدار تو

وَ أَخَذَتْهُمْ نَفَحَاتُ وَحْيِكَ عَلَيَّ شَأْنٍ يُسْمَعُ

و گرفت آنها را بویهای خوشی و وحی تو بر حالتی که شنیده میشود

مِنْ كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ أَبَدَانِهِمْ ذِكْرُكَ وَ

از هر جزئی از جزء های بدنشان ذکر تو و

تَنَاطُوكَ أَنْ لَا تَجْعَلَنَا مَحْرُومًا عَمَّا قَدَرْتَهُ فِي

تای تو باینکه محروم نفرمائی ما را از آنچه مقدر فرمودی آنرا در

هَذَا الظُّهُورِ الَّذِي بِهِ يَنْتَقِ كُلُّ شَجَرٍ بِمَا

در این ظهوری که بوسیله آن بنطق می آید هر درختی بدان سبب که

تَطَّقَ بِهِ سِدْرَةَ سَيْنَاءَ لِمُوسَىٰ كَلِيمِكَ

بنطق آمد سدره سینا برای حضرت موسیٰ اَخْلِيَهُ النَّوَا. هم صحبت تو

اندازی که از آن درختی که در کوه سینا بود بصورت آتش با حضرت موسی صحبت فرمود

و تُسَبِّحُ كُلُّ حَجَرٍ بِمَا سَبَّحَ بِهِ الْحَصَاةُ فِي قَبْضَتِهِ

و تسبیح زنان است هر سنگی بآنچه بدان سبب تسبیح زنان شدند بدان سنگریزه ها در قبضه

مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ يَا إِلَهِي هُوَ لِأَجْلِ عِبَادِكَ الَّذِينَ

محمد دوست تو پس ای معبود من اینان بندگانای هستند که

جَعَلْتَهُمْ مَعَاشِرَ نَفْسِكَ وَمَوَانِسَ مَطْلَعِ ذَاتِكَ وَ

قرار فرمودی معاشرِ نفسِ وجودِ خودت و موآنس محل طلوع ذاتِ خودت و

فَرَقْتَهُمْ أَرْيَاحُ مَشِيَّتِكَ إِلَيَّ أَنْ أَدْخَلْتَهُمْ فِي

آنها را بپراکندی بادهای مشیتِ تو تا آنکه داخل فرمودشان در

ظِلِّكَ وَجَوَارِكُ أَيِّ رَبِّ لَمَّا أَسْكَنْتَهُمْ فِي

سایه تو و جوارِ تو ای پروردگار من بعض اینک چون سکونت بخشیدیشان در

ظِلِّ قِبَابِ رَحْمَتِكَ وَقَفْتَهُمْ عَلَيَّ مَا يَنْبَغِي

سایه سربرده های رحمتِ کامیابشان بفرما بر آنچه که سزاوار

لِهَذَا الْمَقَامِ الْأَسْنِيِّ أَيَّ رَبِّ لَا تَجْعَلُهُمْ مِنْ

این مقام بلندبلندترین میباشد ای پروردگار من قرار مفرما آنها را از

الَّذِينَ فِي الْقُرْبِ مَنَعُوا عَنْ زِيَارَةِ طَلْعِكَ

کسانکه در نزدیکی و قرب منع شدند از زیارت طلعت تو

و فِي الْوِصَالِ جَعَلُوا مَحْرُومًا عَنْ لِقَائِكَ

و در هنگام دیدار قرار داده شدند محروم از تقا و دیدار تو

أَيُّ رَبِّ هُمُ اللَّاءِ عِبَادٌ دَخَلُوا مَعَكَ فِي هَذَا

ای پروردگاری من اینان بندگانی هستند که داخل شدند با تو در این

السِّجْنِ الْأَعْظَمِ وَ صَامُوا فِيهِ بِمَا أَمَرْتَهُمْ فِي

بزرگترین زندان (سجن اعظم عکا) و روزه گرفتند در آن [زندانبان] بدانجه که امر فرمودی بآنها در

الْوَحِّ أَمْرِكَ وَ صَحَائِفِ حُكْمِكَ فَأَنْزَلَ عَلَيْهِمُ

الواح امرت و نوشتجات و کتب حکمت پس فرو فرست بر آنها

مَا يَتَّقِ سَهْمُ عَمَائِكَ هُمْ رِضَاؤُكَ لِيَكُونُوا

آنچه که مقدس و پاک شاید آنها را از آنچه بی میلی دارد رضای تو تا باشند و بشوند

خَالِصًا لِرُؤْيِكَ وَ مُنْقَطِعًا عَنِ دُونِكَ فَانزِلْ

خالص از برای روی تو و منقطع از غیر تو پس فرود فرست

عَلَيْنَا يَا إِلَهِي مَا يَنْبَغِي لِفَضْلِكَ وَيَلِيْقُ بِجُودِكَ ثُمَّ

بر ما ای معبود من آنچه سزاوار فضل تو است و لایق میباشد از برای بخشش تو آنگاه

اجْعَلْ يَا إِلَهِي حَيَاتِنَا بِذِكْرِكَ وَ مَمَاتِنَا بِحُبِّكَ ثُمَّ

قرار بده ای معبود من حیات ما را به ذکر تو و ممات ما را به حُب تو آنگاه

ارزُقْنَا لِقَائِكَ فِي عَوَالِمِكَ الَّتِي مَا اطَّلَعُ

مرزوق بفرما ما را به دیدارت در عالمهایت که اطلاع ندارد

بِهَا أَحَدٌ إِلَّا نَفْسُكَ إِنَّكَ أَنْتَ رَبُّنَا وَرَبُّ

بآن عالمها احدی جز نفس وجود خودت بدرستی که تو پروردگار ما هستی و پروردگار

الْعَالَمِينَ وَالْإِلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا

عالمها و معبود گانیکه در آسمانها و زمینها هستند

فِيَا إِلَهِي تَرِي مَا وَرَدَا عَلَيَّ أَحِبَّائِكَ فِي أَيَّامِكَ

ای من معبود من می بینی آنچه وارد شد بر دوستانت در روزهای تو

فَوَعَزَّتْكَ مَا مِنْ أَرْضٍ إِلَّا فِيهَا أَرْفَعُ ضَجِيجُ

قسم به عزت تو زمینی نیست مگر آنکه در آن بالا رفت صدای گریه،

أَصْفِيَاءِكَ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ الْمُشْرِكُونَ

برگزیدگان تو و از آنان کسانی هستند که قرار داد آنها را ناسپاس گویان

أَسَارِي فِي مَمْلِكَتِكَ وَ مَنَعُوهُمْ عَن

اسیرانی در مملکت تو و منع کردند آنانرا از

التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ وَ الْوُرُودِ فِي سَاحَتِ عِزِّكَ

نزدیک شدن بسوی تو و وارد شدن در فضای عزیز و بزرگوار تو

وَ مِنْهُمْ يَا إِلَهِي تَقَرَّبُوا إِلَيْكَ وَ مَنَعُوا عَن

و از آنان ای معبود من نزدیک شدند بسوی تو و منع شدند از

لِقَائِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ دَخَلُوا فِي جِوَارِكَ طَلِبًا

دیدار تو و از آنان کسانی هستند که داخل شدند در جوار و نزدیکی تو در حالیکه طلب

لِلِقَائِكَ وَ حَالِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَكَ سُبُحَاتُ خَلْقِكَ

دیدار کردند و واقع شد بین آنان و بین تو مواع و برده های خلق تو

وَظَلَمُ طُغَاةَ بَرِيْنِكَ أَي رَبِّ هَذِهِ سَاعَةٍ

و ظلم سرکشان خلق تو ای پروردگار من ای ساعت ساعتی است که

جَعَلَهَا خَيْرَ السَّاعَاتِ وَ تَسْبِيْهَا إِلَيَّ أَفْضَلَ خَلْقِكَ

قرار فرمودی آنرا بهترین ساعتها و نسبت دادی آن ساعات را به برترین خلق خود

أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِكَ وَ بِهَمِّ أَنْ تُقَدِّرَ فِي هَذِهِ

از تو سؤال میکنم ای معبود من قسم به تو و به آمان اینکه مقدر بفرمائی در این

السَّنَةِ عَزَّ الْأَحْبَابُ ثُمَّ قَدِّرْ فِيهَا مَا يَسْتَشْرِقُ

سال عزتی از برای احباب آنگاه مقدر بفرما در این سال آنچه را که تابان شود

بِهِ شَمْسٌ قُدْرَتِكَ عَنِ أَفْقِ عَظَمَتِكَ وَ يَسْتَضِيءُ

به آن خورشید قدرتت از کرانه بزرگیت و روشن شود

بِهَا الْعَالَمُ بِسُلْطَانِكَ أَي رَبِّ فَانصُرْ أَمْرَكَ

بآن عالم سلطان تو ای پروردگار من پس یاری بفرما امرت را

وَ أَخَذَلْ أَعْدَاكَ ثُمَّ أَكْتُبْ لَنَا خَيْرَ الْآخِرَةِ

و خوار بفرما دشمنانت را آنگاه مرقوم بفرما برای ما خیر آن عالم

وَ الْأُولَىٰ إِنَّكَ أَنْتَ الْحَقُّ عَلَامُ الْغُيُوبِ

و این عالم را بدرستی که تویی حق بینهایت داننده پنهانی ها

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ

نیست معبودی جز تو که غفور کریمی

بِسْمِ الْمَشْرِقِ مِنْ أَفْقِ الْيَانِ

به نام او که تابان است از کرانه بیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْآيَةِ الْكُبْرَىٰ وَظُهُورِ

خدای من بدرستی که من از تو خواهش دارم قسم به علامت و آیت بزرگ و ظهور

فَضْلِكَ بَيْنَ الْوَرَىٰ أَنْ لَا تَطْرُدَنِي عَنْ بَابِ

فضلت بین خلق اینکه طرد نفرمائی مرا از در

مَدِينَتِنَا لِقَائِكَ وَلَا تُخَيِّبِنِي عَنْ ظُهُورَاتِ

شهر دیدار خودت و نا امید مساز مرا از ظهورات

فَضْلِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي مُنْمَسِكًا

فضل خود بین خلقت می بینی مرا ای معبود من در حالیکه چنگ زده ام چسبیده ام

بِسْمِكَ الْاَقْدَسِ الْاَنْوَرِ الْاَعْزِ الْاَعْظَمِ الْعَلِيِّ

به اسم پاک ترین نورانی ترین عزیزترین بزرگترین والا مرتبه

الْاَبِيَّ وَ مَشَبَهًا بِذَلِكَ تَشَبَّهَ بِهِ مَنْ فِي

شکوهمندترین و نورانی ترین تو و جسیده ام به دامنی که آنرا سخت چسبیدند کسانی که در

الْاٰخِرَةِ وَالْاَوَّلِيَّ اَللّٰهُمَّ اَتِيْ اَسْأَلُكَ بِبِنْدِ اِنَّا

آخرت و این عالم اند خدای من بدرستی که من از تو سؤال میکنم به ندای

الْاٰحْلِيَّ وَالْكَلِمَةَ الْعُلْيَا اَنْ تُقَرِّبَنِيْ فِي كُلِّ

شیرین ترین تو و به کلمه علیا(وحی الهی) اینکه نزدیک فرمائی مرا در همه

الْاٰحْوَالِ اِلَى فِنَاءِ بَابِكَ وَ لَا تُبْعِدَنِيْ عَنِ ظِلِّ

احوال به آستانه درب [وصال] تو و دور فرمائی مرا از سایه

رَحْمَتِكَ وَقَبَابِ كَرَمِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي مُنْمَسِكًا

رحمت و خیمه کرمت می بینی مرا ای معبود من درحالی که چنگ زده ام - جسیده ام

بِسْمِكَ الْأَقْدَسِ الْأَنْوَارِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ

به اسم پاک ترین نورانی ترین عزیز ترین بزرگترین و بالا مرتبه

الْأَبْيِّ وَ مُشْتَبَاهِ دَيْلٍ تَشَبَّهَتْ بِهِ مَنْ فِي الْآخِرَةِ

شکوهندترین و نورانی ترین تو وجسیده م به دانی که آنرا سخت جیبند کسانی که در آخرت

وَالْأُولَى اللَّهُمَّ اَتِيْ اَسْأَلُكَ بِضِيَاءِ غُرَّتِكَ الْغُرَاءِ

و این عالم اند، خدای من بدرستی که من از تو سنوال میکنم به روشنی پیشانی سفیدت. نورانیت

وَ إِشْرَاقِ أَنْوَارِ وَجْهِكَ مِنَ الْأَفْقِ الْأَعْلَى

و تابش نورهای رویت از افق اعلی و بالا مرتبه

أَنْ تَجِدَنِي مِنْ نَفْحَاتِ قَمِيصِكَ وَتُشْرِبَنِي مِنْ

اینکه جذب بفرمائی مرا از بویهای خوش پیراهنت و بنوشانی مرا از

مَرَحِقِ يَبَانِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي مَنَّمَسِكَ بِاسْمِكَ

شراب نیانت می بینی مرا ای معبود من درحالی که جنگ زده ام-چسبیده ام به اسمت که هست

الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَيْهِيِّ

بالک ترین نورانی ترین عزیزترین بزرگترین والامرتبه شکوهندترین

وَ مَشَبَّهًا بِذَيْلِكَ تَشَبَّهْتُ بِهِ مِنْ فِي الْأَخْرَةِ وَ

و چسبیده ام به دامنی که سخت چسبیدند بآن کسانی که در آخرت و

الْأُولَى اللَّهُمَّ رَاتِي أَسْأَلُكَ بِشَعْرَاتِكَ الَّتِي تَنْحَرِكُ

و این عالم اند، خدای من بدرستی که من از تو سؤال میکنم به موهای خودت که حرکت مینماید

عَلِي صَفَحَاتِ الْوَجْهِ كَمَا يَحْرُكُ عَلِي صَفَحَاتِ

بر صفحات وجه همانطور که حرکت میفرماید بر صفحات

الْأَوْحِ قَلَمُكَ الْأَعْلَى وَبِهَا تَضَوَّعَتْ رَأِحَتُهُ

الواح قلم اعلايت و بوسيله آن منتشر شد بوی خوش

مِسْكِ الْمَعَانِي فِي مَلَكَوَتِ الْإِنْسَاءِ أَنْ تُقِيمَنِي

مسك معانی در عالم حقیقت آفرینش اینکه بر یاداری مرا

عَلِي خِدْمَتُهُ أَمْرُكَ عَلِي شَأْنٌ لَا يُعْتَبَرُ الْقُعُودُ

بر خدمت ابرو بنقاسی که از پی نباشد او را نشستی یعنی خدمت مستمر قائم باشد

وَلَا تَمْنَعُهُ إِشَارَاتُ الَّذِينَ جَادَلُوا بِآيَاتِكَ

و منع نکند او را اشاره های آنانیکه مجادله کردند بآیات تو

وَأَعْرِضُوا عَنّ وَجْهِكُمْ لِي يَا إِلَهِي مُتَمَسِكًا

و روی برگردانیدند از رویت می بینی مرا ای معبود من جنگ زده ام

بِسْمِكَ الْاَقْدَسِ الْاَنْوَرِ الْاَعَزِّ الْاَعْظَمِ الْعَلِيِّ

به اسمت که باک ترین نورانی ترین عزیزترین بزرگترین والا مرتبه

الْاِلهِيِّ وَمُشَبَّهًا بِذَلِكَ تَشَبَّهَ بِهِ مَنْ فِي الْاٰخِرَةِ

شکوه مندترین است و چسبیده ام به دامن که سخت چسبیدند بآن کسانی که در آخرت

وَ الْاَوَّلِي الْاَلِهْمَ اَتِي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

و این عالم اند خدای من بدرستی که من از تو سوال میکنم به اسمت که

جَعَلْتَهُ سُلْطَانَ السَّمَاءِ وَ بِهِ اَنْجَذَبَ مَنْ فِي

قرار فرمودی آن اسم را سلطان اسمها و بوسیله آن اسم جذب و انجذاب دادی کسانی را که در

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَنْ تُرِنِّي شَمْسَ جَمَالِكَ وَ

زمین و آسمانند اینکه بنمایانی به من شمس جمالت را و

تُرْزُقْنِي خَمْرَ يَبَانِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي مُنْمَسِكًا

مرزوق بفرمائی مرا از شراب بیانت می بینی مرا ای معبود من که جسیده ام

بِاسْمِكَ الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ

به اسمت که پاک ترین نورانی ترین عزیزترین بزرگترین والا مرتبه

الْإِلَهِيِّ وَ مُشَبَّهًا بِذَلِكَ تَشَبَّهْتُ بِهِ مِنْ فِي الْآخِرَةِ

شکوهمندترین است و جسیده ام به دامن که سخت جسیدند آنرا کسانی که در آخرت

وَالْأُولَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَبَاءِ مَجْدِكَ عَلِيٍّ

و این عالم اند خدای من بدرستی که من از تو سنوال میکنم به خیمه بزرگواریت بر

أَعْلَى الْجِبَالِ وَفُسْطَاطِ أَمْرِكِ عَلِيَّ عَلِيَّ

بالا ترین کوهها و (جادر بزرگ) فسطاط امرت بر بالا ترین

الْأَتْلَالِ أَنْ تُؤَيِّدَنِي عَلِيَّ مَا أَرَادَ بِهِ

تبه ها اینکه تأیید بفرمائی مرا بر آنچه اراده فرمود بآن

إِرَادَتِكَ وَظَهَرَ مِنْ مَشِيئِكَ تَرَانِي يَا إلهي

خواست و اراده تو و ظاهر شد از مشیت تو می بینی مرا ای معبود من

مُنْمَسِكًا بِاسْمِكَ الْاَقْدَسِ الْاَنْوَرِ الْاَعْزِ

که جنگ زده ام به اسمت که پاک ترین نورانی ترین عزیزترین

الْاَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْاَبْهِيِّ وَمُنْشَبَاتًا بِدَيْلِكَ تَشَبَّهَ بِهِ

بزرگترین و الامرتیه شکوه مندترین است و جسیده ام به دامنی که سخت جسیدند بآن

مَنْ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

کسانیکه در آخرت و این عالم اند، خدای من بدرستی که من از تو سؤال میکنم

بِحَمَلِكِ الْمَشْرِقِ مِنْ أَفْقِ الْبَقَاءِ الَّذِي إِذَا ظَهَرَ

بجمال تو که تابان است از کرانه بقائی که چون ظاهر شد

سَجَدَ لَهُ مَلَكَوتُ الْجَمَالِ وَكَبَّرَ عَنْ وِصْرَائِهِ

سجده کرد به او عالم حقیقت جمال و زیبایی و تکبیر گفت و تجلیل کرد از پشت سر او

بِأَعْلَى النِّدَاءِ أَنْ تَجْعَلَنِي فَايَأَ عَمَّا عِنْدِي وَبَاقِيًا

به بالاترین ندا باینکه قرار فرمائی مرا فانی از آنچه نزد من است و باقی

بِمَا عِنْدَكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي مُنْمَسِكًا بِاسْمِكَ

به آنچه نزد خودت است می بینی مرا ای معبود من که جنگ زده ام به اسمت که

الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَيْهِيِّ

بلك ترین نورانی ترین عزیزترین بزرگترین والامرتبه شکوهمندترین است

و مُشَبَّهًا بِذَلِكَ تَشَبَّهَ بِهِ مَنْ فِي الْآخِرَةِ وَ

و چسبیده ام به دامنی که سخت چسبند با آن کسانی که در آخرت و

الْأُولَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَظْهَرِ اسْمِكَ الْمَحْبُوبِ

این عالم اند. خدای من همانا من از تو شوال میکنم به محل ظهور اسمت که دوست داشته شده است

الَّذِي بِهِ احْتَرَقَتْ أَكْبَادُ الْعُشَّاقِ وَ طَارَتْ

که به او مُحْتَرِقُ شد. سوخت جگرهای عاشقان و بیرواز درآمد

أَفِيدَةٌ مَنْ فِي الْأَفَاقِ أَنْ تُوقِنِي عَلَيَّ ذِكْرِكَ

دعا و وجود کسانی که در دنیا هستند اینکه موفق بفرمانی مرا بر ذکرت

بَيْنَ خَلْقِكَ وَتَنَائِكَ بَيْنَ بَرِّئِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي

بین خلق خودت و [موفق به] تنائیت بین آفریده ات می بینی مرا ای معبود من

مُنْمَسِكًا بِاسْمِكَ الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعَزِّ

که چنگ زده ام به اسمت که پاک ترین نورانی ترین عزیزترین

الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَيْبِيِّ وَ مَشَبَّهًا بِدَيْكٍ تَشَبَّهَتْ

بزرگترین والامرتبه شکوهمندترین است و چسبیده ام به دامنی که سخت چسبیده.

بِهِ مِنْ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

بان کسانیکه در آخرت و این عالم اند، خدای من بدرستی که من از تو سوال میکنم

بِحَفِيفِ سِدْرَةِ الْمُنْهَبِيِّ وَ هَزْرِي تَسْمَاتِ آيَاتِكَ

به نسایم شادیده جان پرور آخرین درخت (جمال سارک جل جلاله) او صدای نسیمهای آیات

فِي جَبْرُوتِ الْأَسْمَاءِ أَنْ تَبْعِدَنِي عَنْ كُلِّ مَا

در جبروت حقایق اینکه دور بفرمائی مرا از هر آنچه که

يَكْرَهُهُ رِضَاؤُكَ وَتُقَرِّبَنِي إِلَى مَقَامِ تَجَلِّي فِيهِ

بی میلی دارد رضای تو و نزدیک بفرمائی مرا بقامی که نمودار شود در آن

مَطْلَعُ آيَاتِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي مِنْ مَسِكَ بِاسْمِكَ

محل طلوع آیات تو می بینی مرا ای معبود من که جنگ زده ام به اسمت که

الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْإِلَهِيِّ

باک ترین نورانی ترین عزیزترین بزرگترین والامرتبه شکوهمندترین است

و مَسْتَبْتًا بِذِيكَ تَشَبَّهْتُ بِهِ مِنْ فِي الْأَخْرِ لَا وَ

و چسبیده ام به دامنی که سحت چسبیدند بآن گسائیکه در آخرت و

الْأُولَىٰ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَرْفِ الَّتِي إِذَا

این عالم اند خدای من بدرستی که من از تو سؤال میکنم بحرفی که چون

خَرَجَتْ مِنْ فَمِ مَشِينِكَ مَا جَتِ الْبِحَارُ وَ

خارج شد از دهان اراده تو موج زدند دریاها و

هَاجَتِ الْأَرْيَاحُ وَظَهَرَتِ الْأَثْمَارُ وَتَطَاوَلَتِ

به حرکت آمدند بادها و ظاهر شدند میوه ها و بزرگ شدند و رشد کردند

الْأَشْجَارُ وَمَحَتِ الْأَثَارُ وَخَرَقَتِ الْأَسْنَانُ

درختان و محو شدند آثار و گسیخت برده ها و موانع

وَسَرَّعَ الْمُخْلِصُونَ إِلَىٰ أَنْوَارِ وَجْهِ رَبِّهِمْ

و سرعت گرفتند و شتافتند مخلصون بسوی انوار وجه پروردگارشان

المُخْتَارِ أَنْ تُعْرِفَنِي مَا كَانَ مَكْنُونًا فِي كِنَانِي

که صاحب اختیار میباشد اینکه بشناسانی به من آنچه که بوده پنهان در گنجهای

عِرْفَانِكَ وَ مَسْتُورًا فِي خَزَائِنِ عِلْمِكَ تَرَانِي

عرفان-شناسانی تو و مستور و نهان در خزینه های دانش تو می بینی مرا

يَا إِلَهِي مُنْمَسِكًا بِاسْمِكَ الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ

ای معبود من که چنگ زده ام به اسمت که پاک ترین نورانی ترین

الْأَعَزُّ الْأَعْظَمُ الْعَلِيِّ الْأَيْهِيِّ وَ مُشَبَّهًا بِدَيْلِ

عزیزترین بزرگترین و الامرئیه شکوهمندترین است و چسبیده ام به دامنی که

تَشَبَّهَتْ بِهِ مَنْ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ اِنِّي

سخت چسبیدم بآن کسانی که در آخرت و این عالم اند خدای من بدرستی که من

أَسْأَلُكَ بِنَارِ مَحَبَّتِكَ الَّتِي بِهَا طَامَرَ النُّومُ عَنِ

از تو شوال میکنم به آتش محبتت که بوسیله آن برید خواب از

عُيُونِ أَصْفِيَاءِكَ وَ أَوْلِيَاءِكَ وَ قِيَامِهِمْ فِي

چشمان برگزیدگان و دوستدارانت و برخاستن آنان در

الْأَسْحَارِ لِذِكْرِكَ وَ تَنَائِكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ

سحرها برای ذکر تو و تنای تو اینکه قرار دهی مرا از آنانیکه

فَازِبِمَا أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَ أَظْهَرْتَهُ بِإِسْرَادِكَ

فاز شدند بآنچه که نازل فرمودی در کتابت و ظاهر فرمودی او را به اراده ات

تُرَانِي يَا إلهِي مُنْمَسِكًا بِاسْمِكَ الْاَقْدَسِ

می بینی مرا ای معبود من که جنگ زده ام به اسمت که پاک ترین

النُّورِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ وَ

نورانی ترین عزیز ترین بزرگ ترین والامرتبه شکوهمندترین است و

مُشْتَبِهًا بِدَلِيلٍ تَشَبَّهَ بِهِ مَنْ فِي الْأَخْرِ الْأَخْرَافِ

چسبیده ام به دامنی که آنرا سخت چسبندگسایکه در آخرت و

الْأُولَى اللَّهُمَّ اَتِيْ اَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي

این عالم خدای من بدرستی که من از تو سؤال میکنم بنور رویت که

سَأَلَ الْمُقْرَبِينَ إِلَى سِهَامِ قَضَائِكَ وَ

سُوقِ دَادِ مُقْرَبِينَ رَأَى بِسُوقِ تِيرَاهَى قَضَى تُو وَ

الْمُخْلِصِينَ إِلَى سَيْفِ الْأَعْدَاءِ فِي سَبِيلِكَ أَنْ

مخلصین را بسوی شمشیرهای دشمنان در راه تو اینک

تَكْتُبْ لِي مِنْ قَلَمِكَ الْأَعْلَى مَا كُتِبَ لِأَمْنَائِكَ

مرقوم بفرمائی از برای من از قلمِ اعلایت آنچه را که مرقوم فرمودی از برای آمینهایت

وَ أَصْفِيَاكَ تَرَانِي يَا إلهي مُنْمَسِكًا بِاسْمِكَ

و برگزیدگانت مبینی مرا ای معبود من که جنگ زده ام به اسمت که

الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْإِلَهِيِّ

بلك ترین نورانی ترین عزیز ترین بزرگ ترین والامرتبه شکوهندتریت و نورانی ترین

وَ مُنْشِبًا بِدَيْكَ تَشْبِثَ بِهِ مَنْ فِي الْآخِرَةِ وَ

و جیبیده ام به دامنی که آنرا ساخت جیبند کسانی که در آخرت و

الْأُولَى اللَّهُمَّ رَاتِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ

این عالم خدای من بدرستی که من سئوال میکنم از تو به اسمت که بوسیله آن اسمت

سَمِعْتَ نِدَاءَ الْعَاشِقِينَ وَضَجِجَ الْمُشْتَاقِينَ

شنیدید ندای عاشقین را و فریاد گریه مشتاقین را

وَصَرَیحَ الْمُقْرَبِينَ وَحَنِينَ الْمُخْلِصِينَ وَبِی

و فریاد مقربین را و ناله دل‌مخلصین را و بوسیله آن

قَضَيْتَ أَمَلَ الْأَمِلِينَ وَأَعْطَيْتَهُمْ مَا أَرَادُوا

حکم فرمودی و رأی صادر نمودی آرزوی آرزومندان را و عطا فرمودی به آنان آنچه خواسته

بِفَضْلِكَ وَالطَّافِكَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ مَلَجَ بَحْرٌ

بفضل خودت و الطاف خودت و به اسمی که به او موج زد دریای

الْغُرَانِ أَمَامَ وَجْهِكَ وَأَمْطَرَ سَحَابٌ

غفران در مقابل رویت و بارید ابر

الْكَرَمِ عَلَيَّ أَمْ قَائِكَ أَنْ تَكْتُبَ لِمَنْ أَقْبَلَ

کرم بر بندگانت اینکه مرقوم بفرمائی از برای آنانیکه روی آوردند

إِلَيْكَ وَصَامِرٍ بِأَمْرِكَ أَجْرَ الَّذِينَ لَمْ يَنْكَلِمُوا

بسوی تو و روزی گرفتند به امر تو أجر و مزد آنانی را که تکلم نکردند

الْأَبَانِئِكَ وَالتَّوَامَا عِنْدَهُمْ فِي سَبِيلِكَ وَ

مگر به اجازه تو و انداختند آنچه نزدشان بود در راه تو و

حَبِكَ أَي رَبِّ أَسْأَلُكَ بِنَفْسِكَ وَبِآيَاتِكَ وَبَيْنَاتِكَ

در راه محبت تو ای پروردگار من از تو سوال میکنم بِنَفْسِ پروردگاریت و بآیانت و دلائل بینش بخشش

وَإِشْرَاقِ أَنْوَارِ شَمْسِ جَمَالِكَ وَأَغْصَانِكَ بَانَ

و تابش نورهای خورشید جمالت و به اغصانت باینکه

تُكْفِرُ جَرِيدَاتِ الدِّينِ تَمَسُّكُوا بِأَحْكَامِكِ

بیوشانی و محو نمائی گناهان و آنانی را که جیبیدند به حکمها و فرمایشات تو

وَعَمَلُوا بِمَا أُمِرُوا بِرِي فِي كِتَابِكَ تَرَانِي يَا إِلَهِي

و عمل کردند به آنچه به آنها امر شد به آن در کتاب تو مبینی مرا ای معبود من

مَنْ مَسَّكَ بِاسْمِكَ الْأَقْدَسِ الْأَنْوَرِ الْأَعْزَمِ

که چنگ زده ام به اسمت که پاک ترین نورانی ترین عزیزترین

الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ وَ مُشَبَّهًا بِدَيْلٍ تَشَبَّهَتْ

بزرگترین و الامرته شکوهندترین و نورانی ترین و جیبیده ام به دامن که آنرا ساخت جیبیدند

بِرِّمَنْ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى

کسانیکه در آخرت و این عالم

این است معنی آیه شریفه اگر در معرفت او بنورانیّت نظر کنی

قُلِ اللّٰهُ يَكْفِي كُلَّ شَيْءٍ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ

بگو خداوند کفایت می کند هر شیئی از هر شیئی و

لَا يَكْفِي عَنْ اللّٰهِ رَبِّكَ مِنْ شَيْءٍ

کفایت نمیکند از خداوند پروردگارت از شیئی (هیچ شیئی)

لَا فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا مَا بَيْنَهُمَا

نه در آسمانها و نه در زمین و نه در بین آن دو

إِنَّكَ كَانَتْ عَلَمًا كَافِيًا قَدِيرًا .

بدرستیکه اوست بینهایت دانا کافی قدیر

و از برای هیچ مطلب این آیه را تلاوت ننمائی بعدد اسم قدیر^(۳۱۶) مگر آنکه
مُشاهدهِ اجابتِ غمائی از مبداء امر زیرا که خداوند بوده اقرب بتو از نفسِ توبتو...
